



کابوس معادن کوچک اصفهان

صدور بخش نامه های خلق الساعه، تأمین انرژی و ناممکن شدن برنامه ریزی میان مدت فشار مضاعفی به بخش معدن وارد کرده است

استان اصفهان عملاً قربانی یک تناقض تاریخی شده است. استانی که زمانی ستون فقرات صنعتی کشور را تشکیل می داد، امروز در سیاست گذاری های ملی بیش از آنکه به عنوان پیشران تولید دیده شود، به عنوان یک مصرف کننده پرمصرف انرژی تلقی می شود

حسام الدین فرهادی، نایب رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی اصفهان



هم محله



شکوه دروازه دشت

شماره پنجاه و هشتم «هم محله»
ضمیمه روزنامه «اصفهان زیبا» منتشر شد

- محله ای هم مسیر با کربلا
- پرشکوه از نفس افتاده
- محله ای که نامش را اشتباه می خوانند
- به همه کتاب هدیه می داد
- قصه یک خیریه دیجیتالی
- مسجدی که دوباره نفس می کشد
- اعتقاد دارم روزی رسان تنها خداست
- منطقه ۷ کارگاه توسعه شهری است



نمای «مفاخر» اصفهان در قاب «پی نما»



گفت و گوی «اصفهان زیبا» با جمال طاهری
برگزیده جشنواره ملی کتاب رشد

درباره مجموعه کمیک «مفاخر» کتاب



کاهش ازدواج افزایش طلاق

آمارها حاکی از روند کاهشی ازدواج در استان اصفهان در سال جاری نسبت به پارسال است

آمارهای رسمی حکایت های متفاوتی دارند؛ اعداد و ارقامی که می گویند روند ازدواج در ۱۴۰۴ در استان اصفهان کاهش یافته است؛ نرخ ازدواج در استان اصفهان به ازای هر یک هزار نفر جمعیت در ۱۴۰۴ به ۴۰۶ درصد رسیده است. این شاخص، اصفهان را در رتبه سی ام کشور قرار می دهد که نشان دهنده وضعیت نامطلوب در این حوزه است. همچنین بنا به گفته مدیرکل ثبت احوال استان اصفهان بالاترین نرخ ازدواج در شهرستان فریدون شهر با ۶۶ درصد و پایین ترین نرخ ازدواج در خواتسار با حدود ۲۰ درصد بوده است. از سوی دیگر، نرخ طلاق در استان اصفهان در شهریور ۱۴۰۴ برابر با ۱۰۹ درصد بوده و استان در رتبه بیست و سوم کشور قرار دارد. بیشترین نرخ طلاق در کشور، اما متعلق به کردستان با ۳۰٫۲۸ درصد و کمترین آن مربوط به سیستان و بلوچستان با ۱۰٫۶۸ درصد است. میانگین سن طلاق در ازدواج های اول برای مردان ۳۶ سال اعلام شده است؛ همچنین میانگین سن ازدواج نخست برای مردان ۲۹ و برای زنان ۲۵ سال اعلام شده است. این افزایش نسبت به سال های گذشته، بیابنگر...



لیلا مقیمی

جامعه

رزمایش کمک مؤمنانه در پالایشگاه اصفهان همدلی صنعت و بسیج در آستانه ماه مبارک رمضان

اطلاعات رسانی



رستاخیز مشت های آهنین در آینه دنیای ابرقهرمان ها

بررسی تأثیر تحول و چرخش بنیادین در صنعت فرهنگ غرب و به تبع آن، فرهنگ عامه جهانی بر ضرورت دیکتاتوری برای بقا!

اندیشه

۲	کتاب
<div>esfahan ziba online</div>	
صفحه‌ان زیبا	
شماره ۵۲۱۹	
۰۵ / ۱۲ / ۱۴۰۴	
سه‌شنبه	
وب‌رآستار و دبیر صفحه سیده نرگس نفاقم‌الدین	
اخبار کتاب	

تولد جدیدترین کتاب نشر دارخوین از میان خاکسترها



نشر دارخوین نخستین کتاب خود را پس از حادثه آتش سوزی دی ماه که در جریان ناآرامی‌های اخیر رخ داد، منتشر کرد. کتاب «بزرگ‌مرد کوچه» با محوریت روایت زندگی شهید غلامرضا ماجدی، تازه‌ترین عنوان این ناشر است که به زندگی و سیره یکی از شهدای شهرستان نی‌ریز می‌پردازد. این اثر به قلم آرزو حقیقی نگاشته شده و روایتگر زندگی شهید غلامرضا ماجدی از تولد تا شهادت است؛ جوانی که در تیرماه ۱۳۴۵ در نی‌ریز متولد شد و در ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۶۴، در ۱۹ سالگی، در منطقه‌فوارام‌القصر و در جریان عملیات والفجر ۸ به شهادت رسید. پیکر این شهید پس از ۱۳ سال تقصص و شناسایی به کشور بازگشت و در گلزار شهدای نی‌ریز به خاک سپرده شد. «بزرگ‌مرد کوچه» با رویکردی روایی و مستند، به بازخوانی زندگی فردی، خانوادگی و حضور شهید در جبهه‌های جنگ می‌پردازد و تلاش دارد تصویری از فضای اجتماعی آن دوره و نقش جوانان شهرستان نی‌ریز در سال‌های دفاع مقدس ارائه دهد. انتشار این کتاب، نخستین فعالیت رسمی نشر دارخوین پس از حادثه آتش سوزی دی‌ماه ۱۳۴۵ محسوب می‌شود. مهر

-
-
-

بچه‌ها این چهارده کتاب نوروزی را دریابند

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و غنی‌سازی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان، دومین دوره پویش ملی «۱۴ کتاب؛ ۱۴ روز بهاری» را برگزار کرده است.

کودکان و نوجوانان علاقه‌مند در سراسر کشور می‌توانند با مراجعه به مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۴ جلد کتاب را به صورت هم‌زمان امانت بگیرند و در مدت ۱۴ روز مطالعه کنند. این پویش با عنوان «قرار ملی کتابخوانی کودکان و نوجوانان از رمضان تا نوروز» اجرا می‌شود و تلاش دارد با ایجاد فرصتی شیرین و انگیزه‌بخش، زمینه مطالعه مستمر و تقویت عادت به کتاب‌خوانی را در این روزها فراهم کند. استفاده از ظرفیت کتاب‌خانه‌های کانون پرورش فکری در سراسر کشور و تشویق اعضا به بهره‌مندی بیشتر از منابع مطالعاتی، از دیگر اهداف اجرای این طرح عنوان شده است.

علاقه‌مندان تا پایان روز ۱۴ فروردین ۱۴۰۵ فرصت دارند با مراجعه به نزدیک‌ترین مرکز کانون پرورش فکری در شهر یا استان خود، در این پویش کتاب‌خوانی که از سوی اداره کل آفرینش‌های فرهنگی کانون برگزار می‌شود، شرکت کنند.

-
-
-

آغاز بارش خوبی‌ها در یک پویش

پویش کتاب‌خوانی «کتاب قهرمان» در تازه‌ترین دوره خود با محوریت کتاب «باران خوبی‌ها» اثر علیرضا پناهیان برگزار می‌شود. «باران خوبی‌ها» شرح بهترین خطبه اخلاقی نهج‌البلاغه، معروف به خطبه همام است. امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه شریف همام که از بیانات کم‌نظیر از نظر سبک، مخاطب، جامعیت و تأثیرگذاری به حساب می‌آید، به توصیف فضایل اهل تقوا پرداخته‌اند که به تعبیر دیگر، بیان خوبی‌های شیعیان امیرالمؤمنین علی(ع) است. حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان در شرح این خطبه با رویکردی تبیینی و توضیحی، با تأمل در ترکیب کلمات، دو بال اندیشه و احساس را به تعامل هم می‌کشانند و پس از بیان راه رسیدن به فضائل، به نقطه مقابل فضائل نیم‌نگاهی می‌اندازد تا مخاطب طیفی از فضائل تا رذائل اخلاقی را در ذهن داشته باشد.

این پویش با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و تقویت نگاه تربیتی و اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی برگزار می‌شود و فرصتی است برای بازخوانی مجدد نهج‌البلاغه و اثر آن در ساختن جامعه‌ای سالم‌تر و امیدوارتر.

علاقه‌مندان برای شرکت در این پویش و دریافت کتاب می‌توانند عدد ۹ را به سامانه ۳۰۰۰۹۲۳ پیامک کنند یا از طریق کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور کتاب را تهیه نمایند.

نمای «مفاخر» اصفهان در قاب «پی‌نما»

گفت‌وگوی «اصفهان زیبا» با جمال طاهری، برگزیده جشنواره ملی کتاب رشد، درباره مجموعه کمیک «مفاخر»



هفته گذشته، بیست‌وسومین جشنواره ملی کتاب رشد با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد. این جشنواره که سالانه به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌شود، با اعطای نشان رشد به آثار منتخب و اهدای جایزه به نویسندگان، نقش چشمگیری در جهت‌دهی به محتوای آموزشی کتاب‌های کودک و نوجوان دارد. در این دوره از جشنواره، نویسندگان و ناشران اصفهانی نیز خوش درخشیدند. مجموعه کمیک «مفاخر»، با عناوین «فوت کوزه‌گری»، «ساواک»، «همرزم»، «قهرمان» و «فرمول مبارزه»، یکی از برگزیدگان این دوره بود که به همت جمال طاهری در نشر ستارگان درخشان تولید شده است. جمال طاهری از دنیای کمیک استریپ و چند و چون تولید این مجموعه به اصفهان زیبا می‌گوید. ■

-
-
-

در سال ۹۸، برای نخستین بار، اولین دیوار کمیک استریپ ایران و شاید دنیا را در گلستان شهید، کنار مزار شهید زرین، براساس زندگی مبارزات ایشان طراحی کردیم. بسیار اثرگذار بود و خانواده شهید گفتند که شهید زرین با این دیوار بی‌نما به جامعه معرفی شد. آن‌ها معترف‌اند که فیلم سینمایی شهید زرین نیز به دنبال همین پی‌نما تولید شد. بعد از آن، پی‌نمای بیست شهید دیگر را تولید کردیم؛ اما اجازه ندادند در گلستان شهدا باقی کمیک‌ها را اکر کنیم. دلایلش هم این بود که مطابق با ظاهر گلستان شهدا نبود که به نظرم دلیلی منطقی بود. ناچار شدیم این‌ها را در قالب کتاب تولید کنیم و برخلاف انتظارمان، کتاب‌ها با استقبال بسیار خوب مردم و کارشناسان مواجه شد.

-
-
-

در ایران، شورای کتاب پس از انقلاب کمیک استریپ را سی سال ممنوع اعلام کرد. یکی از دلایلش این بود که تصور می‌کردند کمیک ذهن بچه‌ها را تبیل می‌کند؛ درحالی‌که در عصر امروز، ذهن‌ها به دنبال چیزهای جدید و جذاب هستند و تصویر یک دنیای جدید را می‌کشاید. در روزنامه‌نگاری نیز گفته می‌شود هر تصویر به اندازه هزار کلمه حرف برای گفتن دارد و این ویژگی شامل کمیک استریپ نیز می‌شود. داستان این شخصیت‌ها مانگاتر شود و یکی وقتش را پای پیشرفت کمیک استریپ در ایران و ایرانیزه کردن آن گذاشت و پی‌نما را تولید کرد. وازه پی‌نما مترادف با سینماست که اشاره به پشت‌سرهم آوردن تصاویر می‌کند. کار ما نیز تولید پی‌نماست.

-
-
-

یعنی پی‌نما و کمیک با یکدیگر تفاوت تکنیکی هم دارند؟ یا پی‌نما صرفاً معادل فارسی کمیک استریپ است؟ براساس زحمات آقای رزاقی، در پی‌نما سبک و سیاق ایرانی دیده می‌شود. در ژاپن مانگا با مختصات خودش وجود دارد. در غرب مجموعه مارول تولید می‌شود که قهرمانان خیالی‌شان را ارائه کرده است و آن هم دارای مختصات خودش است. پی‌نمای ایرانی نیز با شیوه ایرانی تولید می‌شود. کلیت کار یکی است؛ اما رنگ‌و‌آب بومی به آن اضافه شده و ظاهر کار ایرانی‌تر است.

-
-
-

نقطه آغازین تولید این مجموعه کجاست؟ برای نخستین بار، اولین دیوار کمیک استریپ ایران و شاید دنیا را در گلستان شهید، کنار مزار شهید زرین، براساس زندگی مبارزات ایشان طراحی کردیم. بسیار اثرگذار بود و خانواده شهید گفتند که شهید زرین با این دیوار بی‌نما توجه و علاقه بیشتری نشان می‌دهد تا رمان و کتاب و متن.

-
-
-

درباره موضوع هر پنج جلد این مجموعه توضیح دهید. اکثریت پی‌نماها براساس هویت و مفاخر اصفهان تولید شده‌اند. یکی از این مفاخر، آیت‌الله محمدباقر زند کرمانی است که کتاب «فرمول مبارزه» براساس زندگی این شخصیت تولید شده. ایشان کرمانی بوده و در ۳۵ سالگی به قصد تحصیلات دینی به اصفهان آمد. پیش از آن نیز یک جغرافی‌دان بوده و به زبان‌های خارجی تسلط داشته و ۸۵ اطلس دارد و بعدها یکی از ارکان اصلی تحول دینی و اجتماعی در اصفهان شد. آیت‌الله زند کرمانی بسیار روشنفکر بوده و تأکید می‌کرده که طلاب باید با زبان‌های خارجی آشنا باشند. او برخلاف مخالفت مردم با تأسیس سینما در چهارباغ و درخواسشان از آیت‌الله برای جلوگیری از این اقدام با استفاده از نفوذش، با این کار موافقت به مردم توصیه کرد خودشان تولید محتوا کنند تا همگی بتوانند از محتوای سینما بهره ببرند. جلدهای بعدی با محوریت شهدای اصفهان و براساس دغدغه ما در خصوص آشنایی مردم با آن‌ها تولید شده‌اند؛ چراکه هنر کمک می‌کند داستان این شخصیت‌ها مانگاتر شود و یکی از هنرهایی که در این خصوص به شدت مؤثر است، بی‌نماست.

«فوت کوزه‌گری» درباره دو شهید است؛ شهید رسول آقاعلی‌رویا و شهید محسن صفوی که پیش از انقلاب، مهرداد نام داشته است. شهید آقاعلی‌رویا، اهل محله علی‌قلی‌آقا، بسیار متمول و در عین حال جوانمرد بوده. یک بار امام حسین (ع) به خوابش می‌روند و یک تفنگ به دستش می‌دهند و به او می‌گویند به جبهه برو. ایشان پس از آن خواب، تمام زندگی و ماشین لوکسش را می‌فروشد و به جبهه می‌رود و خنثی‌سازی مین و تخریب را برعهده می‌گیرد. شهید محسن صفوی نیز فرمانده مهندسی دفاع مقدس بوده و ابتکارات ایشان همچون پل‌های متحرک باعث تحول‌های فنی در جبهه شده بود.

کتاب «همرزم» ماجرای دو بانوی شهید اصفهانی است؛ شهید زینب کامی و شهید زهره بنیانیان. زینب کامی از خانواده‌های مهاجر ساکن شاهین‌شهر و علاقه‌مند به حضور در جبهه و جنگ بوده؛ زیرا خواهرها و برادرهایش در جبهه امدادگری می‌کردند. در خواب به او می‌گویند جبهه تو شهرت است و ایشان در آن شهر فعالیت‌های فرهنگی را شروع می‌کند. این فعالیت‌ها آن قدر وسعت می‌یابد که او را در لیست ترور سازمان منافقین می‌گذارند و شهیدش می‌کنند. زهره بنیانیان نیز یکی از دانش‌آموزان مبارز پیش از انقلاب بوده که برای حجاب مبارزه می‌کرده و تحت تعقیب ساواک قرار می‌گیرد. او در نوجوانی به آلمان می‌رود و آنجا ازدواج می‌کند؛ اما تاب نمی‌آورد و به سوریه می‌رود. آنجا آموزش‌های زرمی می‌بیند و با اسرائیل مبارزه می‌کند و پیش از انقلاب، دوباره به ایران بازمی‌گردد و پس از انقلاب نیز شهید می‌شود.

کتاب «قهرمان» با دیگر جلد‌های مجموعه متفاوت بوده و ماجرای یکی از رهیافتگان آمریکایی است و اکنون ساکن مشهد است. در دوازده‌سالگی این شخصیت، کل خانواده‌اش مسلمان می‌شوند و او نیز تصمیم می‌گیرد محجبه شود؛ اما در این مسیر آزارهای بسیاری می‌بیند. کتاب «اجرای قهرمانان پیش از انقلاب در اصفهان است که هنوز خیلی از آن افراد در قید حیات‌اند؛ ولی به دلیل خلوص نیتشان به دنبال معرفی شدن نبوده‌اند. آن‌ها پیش از انقلاب مبارزه و فعالیت‌های چریکی می‌کردند و در کنارش فعالیت‌های فرهنگی نیز انجام می‌دادند. روز ۱۳ بهمن بازماندگان این تیم، محافظت از امام خمینی (ره) را در بهشت‌زها برعهده گرفتند. یکی از ماجراهای این کتاب درباره خانواده شهیدان جعفریان است که هشت شهید را در اصفهان تقدیم انقلاب و دفاع مقدس کرده‌اند.

-
-
-

تولید یک پی‌نما چه مرحله‌ی دارد و از کجا آغاز می‌شود؟ پی‌نماهای ما براساس واقعیت تولید شده‌اند. به همین دلیل، یکی از مراحل اولیه‌مان تحقیق و بعد سناریو‌نویسی بود. در بخشی از کار، باید تأیید و پسند خانواده شهدا را برای سناریوها دریافت می‌کردیم. بعد از آن، طراح براساس محتواهای نوشته‌شده انتخاب می‌شد؛ زیرا بخشی از محتواها باید به سبک کودکانه‌تری تصویرگری می‌شد یا برخی از سناریوها نیاز به تصاویر بزرگسالانه‌تری داشت. چهره و تطابق آن با شخصیت داستان نیز یکی از مراحل

مهم کار بود؛ زیرا وقتی داستان براساس زندگی یک شخصیت واقعی نوشته می‌شود، خانواده شهید روی چهره او حساسیت زیادی نشان می‌دهند. تصویرگر ابتدا یک اتود اولیه براساس سناریوی ما تولید می‌کرد و اگر در ارائه فضای فکری نویسنده و انتقال حس موفق می‌شد، به مرحله بعد راه می‌یافت. مرحله پایانی نیز حباب‌گذاری و قرارگیری دیالوگ هاست که در این مرحله نیز ممکن است دیالوگ‌ها کم و زیاد و اصلاح شود.

-
-
-

بله. یک سری کادر هم شامل توضیحات اتفاقات و حواشی ماجرا اضافه می‌شود. پی‌نمای ما نسبت به پی‌نمای رایج که اتفاقات را در بازه زمانی مشخصی نشان می‌دهد، دارای پرش‌های زمانی زیادی است و نگاهمان به سبک زندگی و هویتی شخصیت بود.

-
-
-

در متن عادی، با لغات تصویرسازی می‌کنیم و خواننده تصاویر را با کمک واژگان در ذهنش می‌سازد و نیاز به توصیفات و فضاسازی‌های زیادی دارد؛ اما در پی‌نما تصویرها هستند که حرف می‌زنند و کم بودن کلمات یک مزیت است. در پی‌نما کار برای نویسنده راحت‌تر و توصیفات صحنه و فضا بر عهده تصویرگر است. خیلی از قسمت‌ها تصاویر بیانگر حس‌اند و دیالوگ‌ها مکمل‌اند. در این شیوه، بخش زیادی از نویسندگی یک کتاب را تصویرگر انجام می‌دهد. محافظت از امام خمینی (ره) را در بهشت‌زها برعهده گرفتند. یکی از ماجراهای این کتاب درباره خانواده شهیدان جعفریان است که هشت شهید را در اصفهان تقدیم انقلاب و دفاع مقدس کرده‌اند.

درباره جشنواره بگویید. این جشنواره متعلق به وزارت آموزش و پرورش است و به کتاب‌هایی که به رشد کودکان و نوجوانان در فهم‌مطلب و رشد فکری کمک می‌کند، امتیاز می‌دهند. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش این جشنواره را مدیریت می‌کند، نه معاونت‌های پرورشی و بخش‌های مرتبط با مسائل دینی و عقیدتی. به همین دلیل، سخت‌گیری‌هایشان درباره مسائل فنی و محتوایی زیاد است. در جشنواره ملی کتاب رشد، کل مجموعه در قالب یک کتاب دیده شد؛ زیرا نویسنده یک نفر بود. براساس گفته برگزارکنندگان، جلد‌های این مجموعه در صورتی می‌توانست

جوابز جداگانه‌ای دریافت کند که هر جلد نویسنده‌ای متفاوت داشته باشد. در جشنواره رشد نیز که جشنواره‌ای با نگاهی کاملاً تخصصی است، این مجموعه به خوبی دیده شد و نظر برگزارکنندگان بسیار مثبت بود و این نشان می‌دهد که از نظر فنی کتاب‌ها شایستگی دفاع دارند.

-
-
-

دو نشر دیگر نیز خوش درخشیدند و این نشان می‌دهد که ظرفیت نویسندگان شهرمان در خلق اثر بسیار بالاست؛ اما زمینه‌ای که این نویسندگان در حد ملی و بین‌المللی خود را ارتقا دهند، تاکنون ایجاد نشده است. یکی از دلایلش شاید ضعف ناشران باشد. در اصفهان ناشران زیادی کار می‌کنند؛ اما ناشرانی که در کشور بتوانند حرف اول بزنند و کارهای در حد ملی تولید کنند، بسیار کم‌اند. اما این دلیل نمی‌شود که نویسندگانمان ظرفیت نوشتن نداشته باشند. اگر در کنار هنرهای دستی و… روی هنر اصفهانی‌ها در زمینه نویسندگی سرمایه‌گذاری شود، بازخورد بسیار درخشانی در آینده خواهد داشت.

-
-
-

برای این مخاطب کتاب‌های چندانی کار نشده است. شاید به همین دلیل باشد که مجموعه کمیک مفاخر با استقبال نوجوانان مواجه شد. سبک و قالب کار هنگام ارائه به مخاطب بسیار مهم است و این نکته در تولیدات با محوریت تاریخ انقلاب رعایت نمی‌شود.

-
-
-

دغدغه ما معرفی هویت شهر بود. در آشوب‌های دی‌ماه نیز خلا‌های هویتی نمایان بود. ما قهرمانان را به مردم معرفی نکرده‌ایم و آن قدر آن‌ها را فراموشی کرده‌ایم که دست‌نیافتنی شده‌اند. به همین دلیل، ما در این مجموعه از بچگی شخصیت‌ها شروع کردیم تا ثابت کنیم سبک زندگی ایرانی اسلامی‌شان باعث رقم زدن مسیر زندگی و منتهمی شدن به شهادت بوده است و از ابتدا شهید متولد نشده‌اند.

با آموزش و پرورش اصفهان در این خصوص همکاری نکرده‌اید؟ پیش از این، به کمک شهرداری اصفهان و آموزش و پرورش یک سری از کمیک‌هایمان را به صورت پوستر در مدارس ارائه کردیم. آن زمان، هزار پوستر برای مدارس پسرانه از زندگی شهید مهرداد عزیزاللهی و هزار پوستر برای مدارس دخترانه از زندگی شهید زینب کامی تولید کردیم. شکر خدا بازخورد فوق‌العاده بود و باعث شناختن شدن این دو شهید میان دانش‌آموزان شد؛ چون کارها در عین جذابیت تصویری، متن کمی داشت و به راحتی خوانده می‌شد. در این خصوص جای کار بسیاری وجود دارد، اگر هم‌راهی مسئولان درباره این هویت‌سازی پررنگ‌تر شود.

-
-
-

فعالیت در اصفهان سخت است. به جز بنیاد شهید، در این خصوص نهاد‌های مربوطه به خوبی همکاری نمی‌کنند. نگاه این نهاد‌ها هنوز به تهران است و بر این باورند که تهران باید آغازکننده کارهای جدید باشد، نه اصفهان. بااین‌حال، از شهرداری اصفهان و آقای معرک‌نژاد تشکر می‌کنم که همراهی بسیاری در این زمینه کردند.





محمد نورزالحی
رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان

رویداد «یوم شهر» دانشجویان را با واقعیت‌های شهر آشنا می‌کند

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان با اشاره به برگزاری رویداد «یوم شهر» گفت: این رویداد دانشجویان را با واقعیت‌های شهر آشنا و توسعه آن تغییر مثبت در فضای شهری ایجاد می‌کند. محمد نورزالحی با اشاره به رویداد «یوم شهر» اظهار کرد: هنرمندان در این رویداد آثار ارزشمند به جا گذاشتند. انجام چنین پروژه‌هایی کمک می‌کند که دانشجویان با محیط واقعی شهر و جایی که مردم در آن زندگی می‌کنند، آشنا شوند و از فضای آکادمیک و دانشگاهی خارج شده و با کار واقعی و توده‌های مردم رو رو شوند. رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان افزود: وقتی مردم تلاش دانشجویان و منظره‌ای را که در شهر ایجاد می‌شود، مشاهده می‌کنند، حس بسیار خوبی پیدا می‌کنند. منظره‌ای که شکل می‌گیرد فوق العاده است.

او گفت: اگر این پروژه، توسعه بیشتری پیدا کند و در نقاط مختلف شهر، به ویژه کارهای در ارتفاع اجرا شود، می‌تواند بستر شهری و دید و منظر شهر را به اصطلاح تغییر دهد و تحولی مثبت و ارزشمند در فضای شهری ایجاد کند.



محمد صیرفی نژاد
مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان

پیشرفت ۵۰درصدی پروژه بازگشایی خیابان سروستان در منطقه ۱۰ اصفهان

مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان از پیشرفت ۵۰درصدی پروژه آزادسازی و بازگشایی مسیر مسدودشده خیابان سروستان خبر داد و اعلام کرد با تکمیل این طرح، دسترسی‌های محلی بهبود می‌یابد، بار ترافیکی معابر اطراف کاهش پیدا می‌کند و تردد خودروهای امدادی و خدمات‌رسان با سهولت بیشتری انجام خواهد شد.

محمد صیرفی نژاد از پیشرفت چشمگیر پروژه گشایش مسیر مسدودشده خیابان سروستان خبر داد و اظهار کرد: عملیات آزادسازی و بازگشایی این محور مهم کشور به پیشرفت حدود ۵۰درصدی رسیده است و با تداوم اقدام‌های اجرایی، در آینده‌ای نزدیک شاهد تأثیرات ملموس آن بر بهبود دسترسی‌های محلی خواهیم بود. او افزود: خیابان سروستان طی سال‌های گذشته به دلیل انسداد مسیر و محدودیت‌های تردد، با مشکلات متعددی در حوزه حمل‌ونقل شهری و خدمات‌رسانی مواجه بود؛ موضوعی که نه‌تنها موجب کندی عبورمورورسکانان شده بود، بلکه در مواقع اضطراری نیز دسترسی خودروهای امدادی آن بر بهبود دسترسی‌های محلی خواهد بود. اصفهان با اشاره به اهمیت این پروژه تصریح کرد: بازگشایی این مسیر در واقع احیای یک شریان حیاتی در بافت شهری منطقه است و می‌توان گفت با اجرایی آن، مسدودسازی و مشکلاتی که پیش از این ترافیکی خارج شده و نفس تازه‌ای خواهد کشید. صیرفی نژاد ادامه داد: این اقدام علاوه بر کاهش بار ترافیکی معابر مجاور، موجب توزیع متعادل جریان خودروها، افزایش ایمنی عبورمورور و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان می‌شود. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پروژه، تسهیل تردد خودروهای امدادی، اورژانس و آتش‌نشانی است؛ موضوعی که در مدیریت بحران شهری نقش حیاتی دارد و می‌تواند در مواقع حادثه، زمان رسیدن نیروهای امدادی را به شکل چشمگیری کاهش دهد.

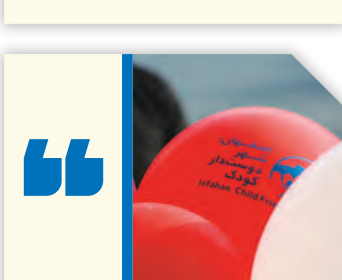
او بیان کرد که اجرای پروژه گشایش مسیر سروستان در چهارچوب برنامه‌های ارتقای زیرساخت‌های دسترسی در منطقه انجام می‌شود، تصریح کرد: رویکرد مدیریت شهری در منطقه ۱۰ مبتنی بر رفع گره‌های ترافیکی، افزایش تاب‌آوری محله‌ها و بهبود شبکه ارتباطی درون شهری است که در همین راستا، آزادسازی مسیرهای مسدود، اصلاح هندسی معابر و ایجاد دسترسی‌های جدید به عنوان اولویت‌های اجرایی در دستورکار قرار گرفته‌اند. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان از همراهی شهروندان و مالکان در پیشبرد این پروژه قدردانی کرد و گفت: تحقق این میزان پیشرفت در مدت زمان فعلی، حاصل همکاری ساکنان محله، تعامل‌های حقوقی زنگنه و تلاش مستمر نیروهای اجرایی بوده است و قطعاً با ادامه همین روند و تأمین منابع لازم، نیمه دوم پروژه نیز با سرعت بیشتری دنبال خواهد شد. صیرفی نژاد تأکید کرد: مدیریت شهری در اصفهان خود را متعهد می‌داند که پروژه‌های محله محور و اثرگذار را با جدیت پیگیری کند؛ چراکه باورداریم توسعه واقعی شهر از دل محله‌ها می‌گذرد و گشایش مسیر خیابان سروستان نیز نمونه‌ای از همین نگاه است.



حسین کارگر
مدیر منطقه ۵ شهرداری اصفهان

آذین بندی و نصب المان‌های نورانی ماه رمضان در منطقه ۵ اصفهان

مدیر منطقه ۵ شهرداری اصفهان از آغاز عملیات گسترده آذین بندی و فضاسازی در سراسر این منطقه به مناسبت ماه مبارک رمضان خبر داد و گفت: نصب المان‌های نورانی و تزیینات مناسبتی در محوره‌های شاخص شهری، تجربه‌ای متفاوت از شب‌های رمضان را برای شهروندان فراهم می‌کند. حسین کارگر اظهار کرد: در راستای فضاسازی معنوی و زیباسازی محیط شهری، المان‌های نوری ماه مبارک رمضان در محوره‌های شاخص منطقه نصب شد. این اقدام‌ها علاوه بر ارتقای جلوه‌های بصری، موجب افزایش حضور شهروندان در فضاهای عمومی و تجربه‌ای متفاوت از شب‌های ماه رمضان خواهد شد. او افزود: نصب این نمادها در خیابان توحید، نظر، پل قلی، پل ابودر، تقاطع غیرمسطح شهید ای صفه، ورودی پارک کوهستانی صفه و دو نقطه سیاهان شهر انجام شده و علاوه بر آن، چهار المان دیگر سازمان زیباسازی نیز در این منطقه نصب شده است. کارگر تصریح کرد: مدیریت منطقه ۵ با اجرای چنین طرح‌هایی، هم‌زمان با پاسداشت شعائر دینی، تلاش کرده است کیفیت محیط شهری را ارتقا دهد و فضایی متناسب با حال‌وهوای معنوی ماه رمضان برای شهروندان فراهم کند. مدیر منطقه ۵ شهرداری اصفهان ادامه داد: در این راستا، معابر اصلی، میادین، پل‌ها، بوستان‌ها و سایر فضاهای عمومی با نصب المان‌های مناسبتی، ریشه‌های نورانی، پرچم‌ها و کتیبه‌های ویژه این ایام مزین شده‌اند تا حس معنوی و جلوه‌های بصری شهر در ماه رمضان برجسته شود. او خاطرنشان کرد: ایجاد فضایی جذاب و آرامش‌بخش در این ایام، موجب تقویت حس تعلق شهروندان به محیط زندگی‌شان و افزایش نشاط اجتماعی خواهد شد.



سومین و مجهزترین اتاق مادر و کودک در باغ غدیر اصفهان ساخته می‌شود

سومین و مجهزترین اتاق مادر و کودک شهر اصفهان در باغ غدیر احداث می‌شود؛ پروژه‌ای در راستای اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و توسعه شاخص‌های شهر دوستدار کودک که با هدف ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی به مادران و کودکان در فضاهای عمومی شهری در دستورکار قرار گرفته است.

به نقل از روابط عمومی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان، توسعه اتاق‌های مادر و کودک به عنوان یکی از اصول مورد تأکید قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، همچنین شهرهای دوستدار کودک است که در سال‌های اخیر مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته است. شهر اصفهان به عنوان اولین شهر دوستدار کودک رسمی ایران و سومین شهر دوستدار کودک خاورمیانه و شمال آفریقا روند اصلاحات جریانشود. افزایش ایمنی عبورمورور و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان از اهداف مهم‌ترین دستاوردهای این پروژه، تسهیل تردد خودروهای امدادی، اورژانس و آتش‌نشانی است؛ موضوعی که در مدیریت بحران شهری نقش حیاتی دارد و می‌تواند در مواقع حادثه، زمان رسیدن نیروهای امدادی را به شکل چشمگیری کاهش دهد.

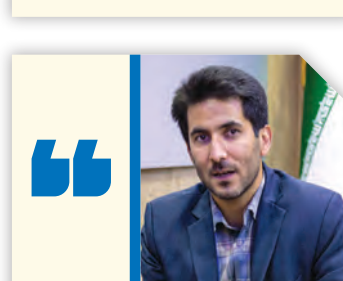
او بیان کرد که اجرای پروژه گشایش مسیر سروستان در چهارچوب برنامه‌های ارتقای زیرساخت‌های دسترسی در منطقه انجام می‌شود، تصریح کرد: رویکرد مدیریت شهری در منطقه ۱۰ مبتنی بر رفع گره‌های ترافیکی، افزایش تاب‌آوری محله‌ها و بهبود شبکه ارتباطی درون شهری است که در همین راستا، آزادسازی مسیرهای مسدود، اصلاح هندسی معابر و ایجاد دسترسی‌های جدید به عنوان اولویت‌های اجرایی در دستورکار قرار گرفته‌اند. مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان از همراهی شهروندان و مالکان در پیشبرد این پروژه قدردانی کرد و گفت: تحقق این میزان پیشرفت در مدت زمان فعلی، حاصل همکاری ساکنان محله، تعامل‌های حقوقی زنگنه و تلاش مستمر نیروهای اجرایی بوده است و قطعاً با ادامه همین روند و تأمین منابع لازم، نیمه دوم پروژه نیز با سرعت بیشتری دنبال خواهد شد. صیرفی نژاد تأکید کرد: مدیریت شهری در اصفهان خود را متعهد می‌داند که پروژه‌های محله محور و اثرگذار را با جدیت پیگیری کند؛ چراکه باورداریم توسعه واقعی شهر از دل محله‌ها می‌گذرد و گشایش مسیر خیابان سروستان نیز نمونه‌ای از همین نگاه است.



مهدی سلطان‌آقایی
مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان

صدور ۱۰۴۰ تذکر سد معبر در منطقه ۷ اصفهان طی ۱۱ ماه

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از تشدید اقدام‌های نظارتی در حوزه پیشگیری و رفع تخلف‌های شهری خبر داد و گفت: طی ۱۱ ماه سال جاری، ۱۰۴۰ تذکر و ۴۱۰۰ اخطار برای رفع سد معبر در این منطقه صادر شده و تخلف ۴۱۰ تصدیی صنفی نیز برطرف شده است. مهدی سلطان‌آقایی اظهار کرد: ۱۲۰۰ اخطار به موضوع جلوگیری از نصب تابلوهای غیرمجاز در فرودین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی و بهمن سال جاری صادر و ۱۶ مورد نیز رفع تخلف شده است. مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان با بیان اینکه در ۱۱ ماه سال جاری در راستای جمع‌آوری خودروهای فرسوده راه‌اشده در معابر منطقه ۱۲۸ اخطار به صادر و ۲۴ دستگاه از این خودروها جمع‌آوری شده است، گفت: این مدت از بساط‌گستری و دست‌فروشی ۹۴ نفر جلوگیری شد و ۸۰ متکدی در این منطقه هدایت و سامان‌دهی شدند. سلطان‌آقایی با بیان اینکه طی فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی و بهمن سال جاری در بخش کنترل ساختمان برای جلوگیری از ادامه فعالیت و تعطیلی کارگاه‌های ساختمانی متخلف یا بدون مجوز و پروانه ۳۷ مورد احداث زمین بایر طبقات ۲۶ ساختمان، تعمیرات داخلی غیرمجاز ۶۰ ساختمان، تبدیل وضعیت ۲۳ ساختمان و فعالیت ۷۶ کارگاه ساختمانی متخلف نیز جلوگیری شده است. او ادامه داد: طی ۱۱ ماه سال جاری در راستای اجرای بند ۲۰ قانون شهرداری‌ها مبنی بر رفع مزاحمت کارگاه‌های صنفی مزاحم از طریق اجرای تمهیدها و تعطیلی ۲۴ رأی قضایی و بر اساس بند ۱۴ قانون شهرداری‌ها مبنی بر رفع خطر از بناهای حادثه‌آفرین، چاله‌ها و اشیای مشرف به معابر عمومی ۳۰ رأی اجرا شده است. مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان تصریح کرد: در راستای اجرای ماده ۱۱۰ قانون شهرداری‌ها، طی ۱۱ ماه سال جاری ۲۶ رأی در این منطقه اجرا شده است. سلطان‌آقایی با اشاره به اقدام‌های مدیریت پیشگیری و رفع تخلف‌های شهری در بخش کنترل دفع ضایعات ساختمانی در سطح شهر همچون تعطیلی کارگاه‌های ایجادکننده سد معبر و پیشگیری از تخلیه مصالح و نخاله در معابر عمومی اظهار کرد: در این زمینه ۱۴۸ اخطار صادر و ۲۴ کارگاه ساختمانی متخلف نیز تعطیل شده است.



امیرعباس رحمتی
مدیرعامل سازمان شهرداری اصفهان

پل شماره ۳ پروژه شهید فخری‌زاده اسفند ۱۴۰۴ تکمیل می‌شود

مدیرعامل سازمان عمران شهرداری اصفهان با تشریح آخرین وضعیت پروژه مجموعه تقاطع‌های غیرمسطح شهید فخری‌زاده گفت: پل شماره سه این پروژه تا اسفند ۱۴۰۴ تکمیل می‌شود و با بهره‌برداری از مسیرهای رنگ چهارم و محور روشن‌دشت به جاده انزلی‌آمی، گره ترافیکی این محدوده برطرف‌ترند و تردد شهروندان این پروژه غیرمستط‌های غیرمسطح شهید فخری‌زاده اظهار کرد: پروژه شهید فخری‌زاده در محدوده تقاطع رینگ چهارم ترافیک شهر اصفهان و محدوده برطرف‌ترشدن دشت تا جاده انزلی‌آمی قرار دارد و با استفاده از روش‌های مختلف ساخت پل شامل کندپوش (Cutand Cover)، تیرهای پیش‌ساخته و عملیات بتنی، تاکنون هفت دهانه پل تکمیل شده است. او افزود: عملیات بتن‌ریزی پل شماره سه این پروژه ابتدای اسفند ۱۴۰۴ انجام می‌شود و هدف ما این است که تا ایام پایانی سال جاری، مسیرهای ترافیکی رینگ چهارم و مسیر اتصالی روشن‌دشت به جاده انزلی‌آمی تکمیل شود و شهروندان بتوانند از ترافیک روان و ایمن بهره‌مند شوند. مدیرعامل سازمان عمران شهرداری اصفهان تأکید کرد: با تلاش شبانه‌روزی تیم‌های اجرایی، تمام عملیات تکمیلی نازک‌کار پل‌ها اوایل ۱۴۰۵ به اتمام خواهد رسید تا فشار ترافیکی آب‌معدنی و تلاش مستمر نیروهای اجرایی بوده محل کنونی این اتاق در ورودی ضلع جنوبی باغ از سمت خیابان علامه امینی است و ساعات فعالیت آن در سال آتی یکسره از صبح تا پاسی از شب خواهد بود. ارائه این گونه خدمات تأثیر مستقیم بر رضایتمندی زنان و کودکان در شهر دارد. توسعه این اتاق‌ها در دستور توسعه سال‌های آتی گروه شهر دوستدار کودک شهرداری اصفهان قرار دارد.



علی صالحی
رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای اسلامی شهر اصفهان

موافقت با مساعدت برای صدور پروانه و پایان کار چند مرکز اجتماعی و فرهنگی در شهر اصفهان

رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای اسلامی شهر اصفهان جنایت جلسه دوست‌ووششم این کمیسیون را تشریح کرد. علی صالحی اظهار کرد: در این جلسه لایحه‌ای با موضوع مساعدت و تشریک مساعی با یک مرکز مذهبی فرهنگی مردمی واقع در خیابان شهید مرکز باهنر بررسی شد. او افزود: با توجه به اینکه این مرکز از حیث فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی، نقش پررنگ و اثرگذاری در منطقه ایفا می‌کند و توانسته است تعامل سازنده‌ای با نسل جوان برقرار سازد، کمیسیون با درخواست مساعدت به منظور توسعه فیزیکی مرکز موافقت کرد و این لایحه به تصویب اعضای کمیسیون رسید. رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای اسلامی شهر اصفهان تصریح کرد: در لایحه دیگری موضوع پرداخت مبلغ بیمه آتش‌سوزی و مسئولیت مدنی هئینات مذهبی اصفهان بررسی شد که این لایحه با تصویب تأکیدهایی به منظور رسیدن صالحی ادامه داد: مساعدت در صورت گواهی پایان کار مربوط به ساختمان خیریه ام‌اس اصفهان موضوع لایحه دیگری بود که در این جلسه بررسی شد و این لایحه نیز با قید تأکیدهایی به تصویب رسید. او خاطرنشان کرد: آخرین لایحه بررسی شده در این جلسه، مساعدت برای صدور پروانه ساختمان جدید شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان اصفهان بود که لایحه‌مساعدت به تصویب اعضای کمیسیون رسید.



علی باقری
مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان

خبر خوش از پروژه سالن اجلاس سران اصفهان آماده‌سازی فضاهای اصلی برای بهره‌برداری

مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان از پیشرفت چشمگیر پروژه سالن اجلاس سران خبر داد و گفت: این مجموعه راهبردی با پیشرفت بیش از ۹۰درصدی در اغلب قراردادها، در آستانه تکمیل نهایی قرار دارد و طی ماه‌های آینده بخش عمده فضاهای ضروری برای بهره‌برداری در مقیاس ملی و بین‌المللی آماده خواهد شد. علی باقری اظهار کرد: پروژه سالن اجلاس سران به عنوان یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین پروژه‌های شهری در محدوده منطقه ۶ قرار دارد و از ابتدا با رویکردی ملی و بین‌المللی طراحی شده است. این مجموعه با قابلیت میزبانی رویدادها، همایش‌ها و نشست‌های مهم داخلی و خارجی، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری و اعضای شورای اسلامی شهر بوده است. او افزود: این پروژه طی سال گذشته و سال جاری با شتاب فراوانی همراه بوده و پیشرفت‌های محسوس‌ی را تجربه کرده است. بسیاری از قرارداد‌های منعقد شده با پیمانکاران در بخش‌های مختلف به پایان رسیده و در حال حاضر تنها حدود ۱۰ قرارداد فعال باقی مانده است که اغلب آن‌ها نیز بیش از ۹۰درصد پیشرفت فیزیکی دارند و در مراحل پایانی اجرا هستند. مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان تصریح کرد: در بخش فضاهای فرهنگی و نمایشی، سالن مسجدها مجموعه به طور کامل تکمیل شده و نصب صندلی‌ها، بدنه و سازه آن آماده بهره‌برداری است و در حال حاضر سیستم صوتی این سالن در مرحله تکمیل نهایی قرار دارد. باقری ادامه داد: سالن چندمنظوره مجموعه نیز با پیشرفت بالای ۸۰درصدی در آستانه تکمیل است و یکی دیگر از سالن‌های اصلی موسوم به «هال» نیز به طور کامل تکمیل و عملا وارد مرحله بهره‌برداری شده است.

او با اشاره به زیرساخت‌های پشتیبان این مجموعه گفت: پارکینگ‌های سالن اجلاس سران با ظرفیت حدود ۸۰۰ خودرو آماده شده و نقش مهمی در مدیریت ترافیک رویداد‌های بزرگ خواهد داشت. هم‌اکنون عملیات مربوط به سیستم‌های ایمنی شامل آتش‌نشانی و اعلام و اطفا‌ی حریق در حال انجام است تا مجموعه از نظر ایمنی به استانداردهای لازم برسد. مدیر منطقه ۶ شهرداری اصفهان خاطرنشان کرد: در فضای بیرونی مجموعه نیز محوطه‌سازی‌ها، آب‌نماها و بخش عمده‌ای از فضاهای تفریحی راه‌اندازی شده و تمرکز فعلی بر تکمیل جزئیات فنی و تأسیساتی از جمله موتورخانه، سیستم‌های نظارتی و دوربین‌هاست.



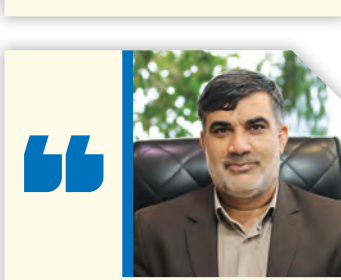
محمد پرورش
مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسی‌رانی شهرداری اصفهان

نزدیک به ۶۲هزار نفر در سامانه «سفر مهر» ثبت‌نام کردند

مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسی‌رانی شهرداری اصفهان گفت: تاکنون نزدیک به ۶۲هزار نفر در سامانه سفر مهر ثبت‌نام کرده‌اند و از این تعداد، حدود ۹۲درصد، از سرویس مدارس استفاده می‌کنند.

محمد پرورش در آیین تقدیر از رانندگان فعال در سامانه «سفر مهر» با اشاره به رونمایی از اپلیکیشن سفر مهر اظهار کرد: ما هر سال با آغاز سال تحصیلی، به دلایلی مثل نبود اطلاعات از سرویس‌های مدارس، نبود اطلاعات از دانش‌آموزان متقاضی سرویس مدارس و غیره با مسائل مختلفی، از مشکلات ترافیکی گرفته تا نارضایتی خانواده‌ها و نارضایتی رانندگان و غیره در این زمینه روبه‌رو بودیم. او افزود: از ۱۴۰۲ که سامانه سفر مهر آغازبه‌کار کرد، در گام نخست، اطلاعات ۱۸۴۰ مدرسه همراه با مکان مدارس و اطلاعات شرکت‌های حمل‌ونقل و سرویس‌های مدارس جمع‌آوری شد، قرارداد‌های الکترونیکی جایگزین قرارداد‌های کاغذی شدند و مسافت و نرخ توسط این برنامه انجام شد. در سال بعدی نماد اعتماد الکترونیکی، درگاه پرداخت الکترونیکی، امکان پیش‌پرداخت، کمک‌هزینه شهرداری، سرویس مدارس استثنایی و امکان مشاهده نقاط ترافیکی به اپلیکیشن اضافه شد.

مدیرعامل سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسی‌رانی شهرداری اصفهان با اشاره به رونمایی از اپلیکیشن «سفر مهر» و ویژه‌اولیا افزود: امسال که سومین سال فعالیت اپلیکیشن «سفر مهر» است، از آپ ویژه خانواده‌ها رونمایی شد که اولیا با استفاده از این اپ می‌توانند حرکت سرویس را از منزل تا مدرسه به صورت لحظه‌ای رصد کنند و آرایش و اطمینان خاطر، دستاورد این اپلیکیشن برای خانواده‌ها بوده است. پرورش ادامه داد: هنوز اجباری برای نصب و استفاده از اپلیکیشن اتفاق نیفتاده است؛ با این وجود، هفت هزار و ۳۹۰ راننده در این اپلیکیشن فعال هستند.



هوشنگ نظری‌پور
مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان

نخستین زیرساخت شارژ خودروهای برقی شرق اصفهان در منطقه ۱۵ فعال شد

مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان از بهره‌برداری نخستین جایگاه شارژ خودروهای برقی در منطقه ۱۵ با هزینه ۲میلیارد ریال خبر داد و گفت: این جایگاه شارژ به صورت «فست شارژ» و با ظرفیت ۱۶ کیلووات طراحی شده است و امکان شارژ خودروهای برقی را در بازه زمانی ۳۰ تا ۴۵ دقیقه فراهم می‌کند.

هوشنگ نظری‌پور با اشاره به بهره‌برداری نخستین جایگاه شارژ خودروهای برقی در منطقه ۱۵ اصفهان اظهار کرد: توسعه ناوگان حمل‌ونقل پاک، برق‌سازی خودروها و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای استفاده از انرژی‌های پاک، یکی از اولویت‌های اصلی مدیریت شهری در سطح کلان شهر اصفهان بوده است. او افزود: در همین راستا، نخستین جایگاه شارژ خودروی برقی در محدوده شرق اصفهان در منطقه ۱۵، به‌صورت مشارکتی و با همکاری بخش خصوصی و هم‌راهی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک، در خیابان مسجدعلی احداث و پس از حدود دو ماه عملیات اجرایی، اوایل هفته جاری به بهره‌برداری رسیده است. مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان تصریح کرد: برای اجرای این پروژه مشارکتی، اعتباری بالغ بر ۲میلیارد ریال هزینه شده است. نظری‌پور هدف اصلی از اجرای این پروژه را ترویج استفاده از خودروهای برقی و کاهش آلودگی هوا عنوان کرد و گفت: با بهره‌برداری از این پروژه، زیرساخت‌های لازم برای استفاده آسان‌تر شهروندان از خودروهای برقی فراهم شده و گام مؤثری در مسیر کاهش آلوده‌های برقی زیست‌محیطی برداشته شد. مدیر منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان ادامه داد: این پروژه، نقطه آغاز توسعه زیرساخت‌های شارژ خودروهای برقی در منطقه ۱۵ محسوب می‌شود و در برنامه‌ریزی‌های آینده، ایجاد جایگاه‌های جدید در نقاطی از جمله ورودی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان و ورودی خیابان اریسون، در دستورکار قرار دارد. او خاطرنشان کرد: بدون تردید با افزایش تعداد خودروهای برقی و کاهش استفاده از خودروهای سوخت فسیلی، می‌توان به‌طور چشمگیری آلودگی هوا را کاهش داد؛ کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا بخشید و فرهنگ استفاده از انرژی‌های پاک را در شهر اصفهان توسعه داد.



صفحه‌ان زیبا

شماره ۵۲۱۹

۰۵ / ۱۲ / ۱۴۰۴

سه‌شنبه

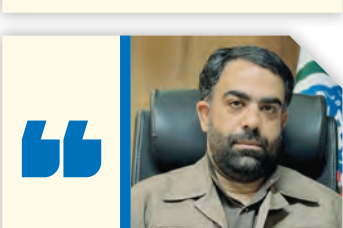
ویراستار / عذرا دایانی



ابراهیم عمرانی
مدیر مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت فولاد شهرداری اصفهان

مناجات شب‌های ماه مبارک رمضان در تخت فولاد برگزار می‌شود

مدیر مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت‌فولاد شهرداری اصفهان از برگزاری ویژه‌برنامه «ضیافت الهی» با محوریت مناجات شب‌های ماه مبارک رمضان خبر داد و گفت: این برنامه معنوی با نوای «حاج امیر ملکی» هر شب در یکی از فضاهای مذهبی این مجموعه برگزار می‌شود. ابراهیم عمرانی اظهار کرد: ضیافت الهی مناجات شب‌های ماه مبارک رمضان با هدف ایجاد فضایی معنوی برای آرامش‌بخش برای شهروندان و زائران، از سی‌ام بهمن آغاز شده است و تا بیست‌ونهم اسفند سال جاری به‌صورت مستمر ادامه دارد. او افزود: این آیین معنوی هرشب ساعت ۲۲:۰۰ برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند در طول ماه مبارک رمضان با حضور در این مراسم، از فضای روحانی مناجات و دعا بهره‌مند شوند و لحظه‌هایی متفاوت را در شب‌های این ماه پر فضیلت تجربه کنند. مدیر مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت‌فولاد شهرداری اصفهان تأکید کرد: محفل برگزاری این برنامه تکیه صاحب، مسجد میرزا عبدالله آغاباشی واقع در تخت‌فولاد، خیابان آیت‌الله خونساری است که از فضاهای شاخص مذهبی این مجموعه به‌شمار می‌رود و ظرفیت میزبانی از علاقه‌مندان را دارد. عمرانی گفت: اجرای مناجات‌ها با نوای حاج امیر ملکی انجام می‌شود و تلاش شده است این برنامه در طول شب‌های ماه مبارک رمضان، با حفظ شأن و جایگاه معنوی فضا، زمینه حضور و مشارکت هرچه بیشتر شهروندان و دوستداران برنامه‌های مذهبی فراهم شود.



سیروس خوراسگانی
مدیر پروژه چهارباغ عباسی

برگزاری روزانه محفل جزء خوانی قرآن در گذر چهارباغ عباسی اصفهان

مدیر پروژه چهارباغ عباسی از برگزاری مراسم روزانه جزء خوانی قرآن کریم در ماه مبارک رمضان خبر داد و گفت: این محفل معنوی هر روز از ساعت ۱۵:۰۰ تا ۱۶:۳۰ با حضور حافظان و قاریان کشوری و بین‌المللی در گذر فرهنگی گذر شکرگی چهارباغ عباسی برگزار می‌شود. مدیر پروژه چهارباغ عباسی گفت: این برنامه با حضور حافظان و قاریان برجسته کشوری و بین‌المللی برگزار می‌شود و تلاش کرده‌ایم بستری فراهم کنیم تا شهروندان، کسبه و گردشگران بتوانند در فضایی آرام و معنوی از تلاوت آیات الهی بهره‌مند شوند. مدیر پروژه چهارباغ عباسی با تأکید بر اهمیت برگزاری محافل قرآنی در ماه رمضان تصریح کرد: ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن و فرصت آنس بیشتر با کلام وحی است و سنت حسنه جزء خوانی روزانه، زمینه‌ای برای تدبیر و تعمیق مفاهیم قرآنی در زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌کند. خوراسگانی خاطرنشان کرد: برگزاری این مراسم در چهارباغ عباسی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای تاریخی و گردشگری شهر اصفهان، علاوه بر تقویت هویت دینی و فرهنگی، به ارتقای کیفیت حضور شهروندان در فضاهای عمومی و ایجاد همبستگی اجتماعی کمک می‌کند.

او با اشاره به برگزاری این مراسم در روزهای پنجشنبه و شنبه در گذر چهارباغ عباسی، این محور را به‌عنوانی برای تلفیق فرهنگ، گردشگری و معنویت تبدیل کند و حال‌وهوای رمضان را در قلب شهر بیش از پیش جاری سازد.

۶	یادآرایی	
esfahan	ziba	
online	online	
۵۳۱۹	شماره	
۰۵ / ۱۲ / ۱۴۰۴	سال	
شنبه	سایه	
وب‌ساز و دبیر صفحه	زینب تاج الدین	
تازه‌های نشر		

ساکن اتاق عمل؛ روایت مردی که بازخم‌هایش ادامه داد

تازه‌ترین اثر انتشارات روایت فتح با عنوان «ساکن اتاق عمل» به‌قلم حسین گل‌دوست منتشر شد.به گزارش ایبنا، این اثر روایتی مستند و در عین حال داستانی از زندگی جانبازی است که در نخستین روزهای هجوم دشمن یعنی، خود را به جبهه‌های نبرد رساند و در شب تاسوعای حسینی دچار مجروحیتی شد که مسیر زندگی‌اش را برای همیشه تغییر داد. این اثر، تصویری عمیق از زیست مؤمنانه، صبر، استقامت و ایمان رزمنده‌ای ارائه می‌دهد که پس از جراحی سخت، با چهره‌ای آسیب دیده اما روحیه‌ای استوار به زندگی ادامه می‌دهد. جانباز مجتبی مروتی، متولد روستای ماهین شهرستان طارم است و در ۲۴ آبان ۱۳۵۹ در منطقه بهمن شیرآبادان مجروح شد. کتاب، علاوه بر روایات روزهای حضور او در جبهه، به سال‌های کودکی، خانواده، مهاجرت به تهران، فضای مذهبی حاکم بر خانه پدری و شکل‌گیری شخصیت معنوی او نیز می‌پردازد و تصویری چندلایه از یک رزمنده دهه شصت ارائه می‌کند. برشی از متن: «وارد جهان بی‌آینه شدم. حتی اگر درخواست آینه می‌کردم مراقب بودند به دستم نرسد. یکی از روزها که تازه اتاقم را عوض کرده بودند، فوری از روی تخت بلند شدم و رفتم به سرویس بهداشتی. برای راه رفتن و حرکت هیچ مشکلی نداشتم ترکش‌های پایم خارج شده و محل اصابت پانسمان شده بود. در راه‌پوشی قفل کردم و لحظاتی با احتیاط بانداز را از روی صورتم برداشتم. تصویری بسیار عجیب در آینه ظاهر شد. داشتم با تنها چشمی که سالم مانده بود، قدرت و رحمت الهی را تماشا می‌کردم. بریده بود. بریده بود تا نزدیک چشم، بعد مسیر برش تغییر کرده بود. زخم‌ها کار دو میلی متر عقب‌تر بود، به طور کامل ناپیداشده بودم. نقاشی خداوند را تماشا می‌کردم. آنقدر منتقل‌شدم که فقط چند بار زیر لب گفتم: «یا ایا فضل!»

وب‌گردی

چه کسی خبر اسارت سیدآزادگان را اعلام کرد؟

خرداد ۱۳۶۰ خبر اسارت سید علی اکبر ابوترابی بر سر زبان‌ها افتاد. یکی از اسرای مجروح می‌بادله شده این بشارت را به خانواده ابوترابی داد. زمانی که سیدعلی اکبر در استخبارات شکنجه می‌شد و هنوز نام او در فهرست اسرا قرار نگرفته بود. «محمود امان‌اللهی» نیه نیز روز شکنجه و به سلول ابوترابی منتقل می‌شد و ابوترابی دور از چشم نگهبانان عراقی از او پرستاری می‌کرد. همین کار سبب شده بود اعتمادشان به یکدیگر جلب شود. ابوترابی به او گفته بود که از نگهبانان عراقی شنیده این شخص قرار است تا چند روز دیگر آزاد شود. از این رو به او اعتماد کرده و بر تکه کاغذی، خبر سلامتی و زنده بودنش را اعلام می‌کنند: «من سیدعلی اکبر زنده هستم.» این تنها مطلبی بود که ابوترابی بر کاغذ نوشت و به امان‌اللهی سپرد. او نیز با تبحر خاص خود تکه کاغذ را در شلوار جاسازی و از زندان استخبارات خارج می‌کند و به قزویین می‌رساند. شهید امان‌اللهی در قزویین ابتدا به شهرداری می‌رود و سرعاً خانه آیت‌الله حاج سیدعباس ابوترابی را می‌گیرد. آیت‌الله ابوترابی پس از دیدار با وی و مشاهده دستخط تأیید می‌کند که این خط و امضای سیدعلی اکبر است و از همان جا به وسیله تلفن این خبر را به همسر سیدعلی اکبر در قم اطلاع می‌دهند و سپس راهی قم می‌شوند. از همین زمان مشخص می‌شود که سیدعلی اکبر ابوترابی زنده و در اسارت حزب بعث عراق است. آیت‌الله سیدعباس ابوترابی و سیداحمد صدر حاج سیدجوادی دونماینده مردم قزویین در مجلس شورای اسلامی بودند. آیت‌الله ابوترابی موضوع زنده بودن فرزندش را برای صدر حاج سید جوادی شرح می‌دهد. وی در زمان وزارتش بر دادگستری در دولت موقت در یک همکاری غیررسمی به عنوان مترجم زبان فرانسه بین آیت‌الله علی قدوسی – دادستان وقت کل کشور و نمایندگان صلب سرخ چهلانی حضور می‌یافت به همین دلیل با برخی از اعضای صلب‌سرخ آشنایی داشت. صدر حاج سید جوادی به رایزنی پرداخت. ابتدا نامه‌ای از طرف خانواده ابوترابی برای سیدعلی اکبر تسلیم صلب سرخ شد. هر چند جواب آن نامه دریافت نشد ولی پس از گذشت ۱۰ ماه شکنجه و زندان، سیدعلی اکبر ابوترابی با شماره اسارت «۲۳۴۴» در زمره اسرای جنگی ثبت شد. در سلول‌های استخبارات (اطلاعات) حزب بعث عراق در ۲۰ مهر ۱۳۶۰ نام هر یک از اسرا با جملاتی کوتاه خبر سلامتی خود را از رادیو بغداد به اطلاع می‌رساندند. پس از مدتی او نیز چنین کرد؛ بسم الله الرحمن الرحیم. من سیدعلی اکبر ابوترابی قزوینی اعزامی از قزویین و در کمال سلامت هستم. این پیام کوتاه را که چند مرتبه بیایی تکرار شد، یکی از اهالی قزویین ضبط کرد و ماندگار شد. پس از آن، نامه‌ها و عکس‌هایی بین خانواده و سید علی اکبر مبادله شد؛ هر چند زیر تیغ سانسور اعضای سازمان مجاهدین خلق حاضر در اردوگاه‌های عراق قرار می‌گرفت و گاهی تا مدتی طولانی به دست ابوترابی نمی‌رسید. ایبنا

«حسین» رزمندگان اصفهان امید فرماندهان جنگ!

مروری متفاوت بر شخصیت سردار شهید حاج حسین خرازی در آستانه سی‌ونهمین سالروز شهادتش



فرمانده ۲۹ ساله لشکر امام حسین (ع) از روزهای آغازین جنگ تصمیمی، در جبهه جنوب حضور داشت و طلاویه‌دار عملیات‌های موفقیت‌آمیز آن دوران بود. در اتاق جنگ، «حسین خرازی» جزو اولین امیدها و نوک‌پیکان حمله محسوب می‌شد و شهید خرازی با هفت سال تجربه نبرد و فرماندهی در جبهه‌ها، گوشه جدیدی از اخلاق، شجاعت، ایمان و ذکاوت را به نمایش گذاشت. روایت‌های زیادی از منشن و فرماندهی شهید حسین خرازی وجود دارد که روزنامه اصفهان زیبا بر اساس گلچینی از این روایت‌ها، سیری کوتاه بر جنبه‌های شخصیتی این فرمانده جوان داشته که در آستانه سی‌ونهمین سالگرد شهادتش به انتشار آن می‌پردازد. ■

■ سخنان سردار علی فضلی در جلسه انتقال تجارب فرماندهان دفاع مقدس: «با بسته شدن پرونده کربلا ۴، جلسه‌ای در قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) در حضور جانشین فرمانده معظم کل قوا (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی) برادر محسن و فرماندهان لشکرها و تیپ‌های مستقل تشکیل شد. در اینجا سه شبانه‌روز جلسات به درازا کشید. ابتدا لادیل شکست کربلا ۴ ارزیابی شد… بین ما و عراقی‌ها تا ۱۰ کیلومتر آب‌گرفتگی با عمق کم بود. باتلاق، میدان مین، سیم‌های خاردار حلقوی، دو ردیف سنگ‌های کمین، از دیگر موانع موجود در مسیر است. بعد از آن، دژ نفوذناپذیر شلمچه است. ۲۵ متر سیم خاردار حلقوی به هم پیوسته جلوی دژ است. پس از آن ۳ خاک‌ریز مرتفع تونی شکل که مسلط بر دژ بود و بعد کانال ماهی با عرض یک کیلومتر، کانال ۱۱ پل، کانال زوجی، شهرک دوپنجی و… از دیگر موانع عمده در این منطقه‌اند. منطقه پیچیده و بسیار مشکلی به نظر می‌رسید. هیچ فرماندهی اعلام آمادگی نکرد. بعد از ۳ شبانه‌روز بحث و خستگی مفرط، از جماران پیام رسید که این عملیات را ادامه بدهید. به خوبی به یاد دارم که شهید حسین خرازی در سمت راست من و شهید شفیع زاده (فرمانده توپخانه) در سمت چپ من نشسته بودند. فریاد زد: «آقا! کی میگه نمی‌شه در شلمچه جنگید؟! اصلاً مگر غیر از این است که ما برای سختی در جنگ ساخته شده‌ایم؟ امام از ما خواسته باشد و ما بگوییم نمی‌شود؟!» این سخن، فضای جلسه عوض شد، تردیدها شکست و همه اعلام آمادگی کردند…»

■ محمود نجیمی رزمنده و جانباز دفاع مقدس: «عملیات کربلای ۵ در شامگاه ۱۹ دی ۱۳۶۵ آغاز شد. شب عملیات قرار بر این شد که نیروهای عمل‌کننده لشکر ۱۰ سیدالشهدا به فرماندهی حاج علی فضلی برای شکستن خط دفاعی عراق (معروف به دژ شلمچه) وارد عمل شوند. نیروهای خط‌شکن گذاشتند تا عراقی‌ها شب را خوب بخوابند. ساعت تقریباً از ۱۳ گذشته بود که با پورش نیروهای بسیجی، خط شکسته شد. همان خطی که عراق ادعا می‌کرد نفوذناپذیر است، در کمتر از دو ساعت به تصرف نیروهای ما درآمد. دشمن تصور نمی‌کرد که ما بتوانیم از کانال ماهی عبور کنیم. یاد نمی‌رود، من در سنگر فرماندهی در کنار شهید بزرگوار حاج حسین خرازی نشسته بودم. دل توی دل هیچ‌کس نبود. ما هر لحظه منتظر بودیم که مرحله دوم عملیات شروع شود. گوش به تماس بی‌سیم یک قرارگاه فرماندهی بودیم که یک دفعه اعلام کردند،

عکس نوشت

پایان ۴۳ سال چشم‌انتظاری مادر حاج احمد متوسلیان

مادر سردار جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان؛ بنیان‌گذار لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) پس از ۴۲ سال چشم‌انتظاری در شب پنجم ماه مبارک رمضان آسمانی شد. خیر درگذشت حاجیه‌خانم معصوم حسین زاده؛ این مادر صبوره، بار دیگر یاد و خاطره یکی از ماندگارترین چهره‌های دفاع مقدس و رنج سال‌های طولانی انتظار خانواده‌های مفقودالاثر را زنده کرد. مرحومه حسین‌زاده بیش از چهار دهه از عمر خود را در انتظار خبری از فرزندش سپری کرد؛ انتظاری که به نماندی از صبر مادران شهدا و جاویدالتران تبدیل شد.

پس از آزادسازی خرمشهر و در پی تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، حاج احمد متوسلیان به منظور دفاع از مردم مظلوم این کشور و انجام مأموریتی رسمی راهی لبنان شد. وی در چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱، به همراه سه دیپلمات ایرانی دیگر در مسیر بیروت توسط نیروهای وابسته به رژیم صهیونیستی ربوده شد. از آن زمان تاکنون سرنوشت قطعی این چهار دیپلمات همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

دژ دفاعی عراق شکسته شد. تا این مطلب اعلام شد، در سنگر فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) ولوله‌ای به پا شد. صدای تکبیر نیروها بلند شده بود. من در این لحظه حاج حسین را دیدم که با مهر تربتی که در کنار بی‌سیم بود، سجده شکر به جا آورد.»

■ زیاده‌یاد دکتر حسین اردستانی، مدیر فقید مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس: «بخش جنگ دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تاریخ و رویدادهای جنگ را ضبط و ثبت می‌کرد. در این بخش به تدریج افرادی عضو دفتر سیاسی سپاه می‌شدند و به‌عنوان راوی در عملیات‌های متفاوت، کنار فرماندهان حضور پیدا می‌کردند… اوایل این کار، در ارتباط فرمانده و راوی، فرماندهان مکرر در عملیات‌ها راویان را جا می‌گذاشتند. این مورد برای خودم اتفاق افتاد. در عملیات والفجر مقدماتی، شهید خرازی من را در صحنه عملیات جا گذاشت. اصلاً نمی‌دانستم کجا بروم و چه باید بکنم… در واقع راوی پس از چند مرتبه حضور در قرارگاه، می‌توانست ارتباط خوبی با فرمانده برقرار کند و به این صورت، مورد احترام واقع می‌شد؛ مثلاً حسین خرازی تا قبل از شهادتش به خاطر اتفاق عملیات والفجر مقدماتی که من را عمداً جا گذاشت، چندین بار مراد آغوش گرفت و با لپچه شیرین اصفهانی‌اش گفت: سیاسی منو حلال کنی‌ها!»

■ محمدصادق درویشی، راوی و محقق دفاع‌مقدس: «جنگ ایران و عراق، درایی از حوادث، مسائل و داده‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و… درون خود دارد. اهمیت صحت و سلامت تاریخ جنگ از تحریف، امر مهمی بود که از همان زمان جنگ مورد توجه قرار گرفت. نقل است که شهید خرازی به گروهی از اصحاب رسانه که برای تهیه گزارش به جبهه‌ها رفته بودند گوشزد کرد: «جنگ را درشت ننویسید، درست بنویسید.» سخن ساده و بی‌پریایه فرمانده فکوحر لشکر ۱۴ امام حسین، هنوز هم حامل پیامی مهم است: در رأس الزامات و اهداف روایت‌های جنگ حقیقت‌گرایی قرار گرفته است.»

■ امیرشهبید شهید علی صیادشیرازی، در بخشی از کتاب «ناگفته‌های جنگ»؛ «خداوند متعال در فتح خرمشهر نشان داد که چه وحشت و رعبی در دل دشمنان انداخته است. آنها با اینکه هنوز



عقبه‌شان قطع نشده بود و با اینکه توی سنگرها مستحکم بودند و با اینکه اگر باز هم به آنها امکانات نمی‌رسید، آقا ده پانزده روز دیگر می‌توانستند مقاومت کنند، ولی خداوند ربعبی به دل آنها انداخت که حتی یک ساعت هم مقاومت نکردند… برادر خرازی با کد و رمز اطلاع داد و وضعیت ما خوب است و گفت: تاوسته ایم حدود ۲۰ نفر از نیروها را متمرکز کنیم. اگر اجازه بدهید، از اینجا می‌که دشمن خط محکمی ندارد، بزنم به خط دشمن، توی خونین شهر، ریسک بزرگی بود. هفتصد نفری بود که ما می‌خواستیم به خونین شهر حمله کنیم؟ بعدش چی؟ حالا خوب هم درآمد ولی… حالت خاصی بر دنیای ما حاکم شده بود. زیاد خودمان را پایبند مقررات و فرمول‌های جنگ نمی‌کردیم که این کار بشود یا نشود. گفتیم بزنید.»

■ ماجرای جانبازی شهید خرازی به گزارش راویان جنگ: «در پنجمین روز عملیات خیبر (۱۳/۸/۱۳۶۲)، پس از آنکه اخبار اوضاع جبهه به تهران گزارش شد، آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده جنگ، به منطقه آمد و به سرعت، خود را به سنگر فرماندهی سپاه رساند. پس از نشست فرماندهان عملیات با آقای هاشمی، برای خارج شدن از بن‌بست، حمله مجدد از محور پلانیه تشخیص داده شد تا شاید با بازشدن راه زمینی، گره عملیات گشوده شود. در ۱۰ اسفند ۱۳۶۲ حمله موردنظر آغاز شد. اما مشکل عبور از زمین‌های آب‌گرفته مانع بزرگی بود… نیروهای دشمن که در آغاز حمله مجبور شدند برخی مواضع خود را ترک کنند و عقب بروند. با فرارسیدن روزت، پاکت‌های پیایی خود را آغاز کردند و سرانجام، مانع پیشروی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) شدند. در جریان حملات دشمن، برادر حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به شدت مجروح و دست راستش قطع شد و او از میدان خارج کردند.»

■ روزنامه کیهان، ۱۳/۸/۱۳۶۵، صفحه ۱۸: «یکی از هم‌زمان شهید در مورد نحوه شهادت ایشان گفت: «در ساعت ۱۰ صبح به طرف خط مقدم حرکت کردیم و چند ساعت بعد به سنگر «حاج حسین» رسیدیم که نیمه شب به خط آمده بود. من به اتفاق مسئول مهندسی منطقه و چند تن دیگر از برادران در کنار ایشان به صحبت در مورد وضعیت منطقه مشغول شدیم و شهید خرازی از اوضاع منطقه سؤال می‌کرد و دستورات لازم را برای جلوگیری از نفوذ دشمن به جبهه‌ها می‌داد. یکی از برادران خبر داد که ماشین غذا مورد اصابت گلوله دشمن قرارگرفته و نتوانسته است برای برادران غذا ببرد. حاج حسین به شدت ناراحت شد و دستور داد به هر ترتیبی شده آب و غذا را به جلو برسانند. نیم ساعت بعد یکی از برادران گفت: ماشین غذا آمده است. شهید خرازی از جا بلند شد و به بیرون سنگر رفت. جبهه‌ها می‌خواستند به طریقی ایشان را از تصمیمش منصرف نمایند، اما خجالت می‌کشیدند. اما ایشان به کنار ماشین آمد و توصیه‌هایی را برای راننده کرد که چگونه باید حرکت کند. من در آن لحظه، در نیم‌متری حاج حسین بودم یک مرتبه دیدم که فرمانده به زمین افتاد. اصلاً باورم نمی‌شد. حتی درست‌متوجه صدای خمپاره‌ای که در کنارمان به زمین خورد، نشدم. بلافاصله سر حاجی را بلند کردم، ترکش‌های بزرگی به سر و گردن این بزرگوار اصابت کرده بود. سایر برادران هم جمع شدند ولی هیچ‌کس نمی‌توانست باور کند. بی‌اختیار فریاد زد «حاج آقا شهید شد». حسن می‌کردم از چشمانم نه اشک، بلکه خون می‌بارد و بی‌اختیار زار زار گریه می‌کردم.»

■ محمدصادق درویشی، راوی و محقق دفاع‌مقدس: «جنگ ایران و عراق، درایی از حوادث، مسائل و داده‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و… درون خود دارد. اهمیت صحت و سلامت تاریخ جنگ از تحریف، امر مهمی بود که از همان زمان جنگ مورد توجه قرار گرفت. نقل است که شهید خرازی به گروهی از اصحاب رسانه که برای تهیه گزارش به جبهه‌ها رفته بودند گوشزد کرد: «جنگ را درشت ننویسید، درست بنویسید.» سخن ساده و بی‌پریایه فرمانده فکوحر لشکر ۱۴ امام حسین، هنوز هم حامل پیامی مهم است: در رأس الزامات و اهداف روایت‌های جنگ حقیقت‌گرایی قرار گرفته است.»

■ امیرشهبید شهید علی صیادشیرازی، در بخشی از کتاب «ناگفته‌های جنگ»؛ «خداوند متعال در فتح خرمشهر نشان داد که چه وحشت و رعبی در دل دشمنان انداخته است. آنها با اینکه هنوز



روایت خوان

«فریدون» باحسین رفت و باحسین آمد!



گروه یادآرایی

جمعه بود، حال دیگری داشتم. از صبح چندمین بار بود که طول اتاق را طی کرده بودم. چای ریخته بودم اما نتوانستم بخورم. بچه‌ها گریه می‌کردند. مثل این‌که آنها هم پریشان بودند. آرام شان کردم. زنگ در را زدند. مادر، در را باز کرد. خانم همسایه بود. گفت: «تلفن خانم آقا فریدون را می‌خواهد!» رفتم کنار تلفن و گوشی را برداشتم. برادر فریدون بود. انگار توی دلم خالی شد. گفت: «مجروح شده!» برایم تازگی نداشت. شماره تلفن بیمارستانی را که فریدون بستری بود، داد بهم. هرچه شماره را می‌رفتم خانمی گوشی را برمی‌داشت و می‌گفت: «اشتباهه»، بار آخر گفت: «خانم اینجا خانه است نه بیمارستان. لطفاً دیگر شماره نگیرید.» بد من یخ کرد… با خودم فکر کردم نکنه فریدون…؟! نه امکان نداشت. باید می‌رفتم مثل همه مواقعی که زخمی می‌شد و من و مادر می‌آمدیم اصفهان. به راه افتادیم. این دفعه برادر و عمه ام هم آمدند. برام عجیب بود! فکر کردم که اینجا دیگر برای چه می‌آیند؟ نکند فریدون… نه! امکان نداشت. خودم را آرام می‌کردم. دلم را خوش کردم به اینکه دشتش یا پیش قطع شده…!

جاده خیلی شلوغ بود. تصادف بدی شده بود. اتوبوس به آرامی حرکت می‌کرد. صدای آژیر آمبولانس می‌آمد. حس کردم همه پریشان و آشفته‌اند. دلم به حال مجروحین و شهدایی که داخل آمبولانس بودند، می‌سوخت. غافل از اینکه شوهر خودم هم یکی از آنها بود. راه را برای آمبولانس باز کردند، اما بقیه حده خود ساعتی معطل شدیم. دلم برای فریدون تنگ شده بود؛ کاش کنارم بود و به من دل‌داری می‌داد. نزدیک‌های اصفهان بودیم که فهمیدم حاج حسین شهید شده است: «حاج حسین خرازی» گفتیم: «اللهی بمیرم»، فریدون چه حالی داره! عجب شاشنی داشت. این دفعه که به اصرار حاجی رفت تولشکر امام حسین (ع)، حاجی شهید شد!!

بعدها برایش تعریف کرده بودند که دفعه آخر حاجی از فریدون خواسته بود فریدون لشکر ۱۴ امام حسین (ع) هرچه سردار قربانی اصرار کرده بود که بمان در لشکر خودمان، قبول است. فریدون قیول نکرد. شب قبل از عملیات هم سرفریدون مجروح شده بود و کاملاً گیج و منگ شده بود. به همین دلیل آقای قربانی خیلی نگران بودند. ولی فریدون گفته بود: فرصت زیاد است، قبل از اینکه برای آخرین بار برگردد جبهه، با حاج حسین خرازی رفته بودند. گلستان شهدا. از اتفاق دو قیرآماده می‌بینند. فریدون به حاج حسین می‌گوید: ببین حاجی، دفعه دیگه اینجا جای تو است. با پای خودت نمی‌آیی. تو را می‌آورند! حاجی هم گفته بود: خب تو را هم می‌آورند، تو قیر بغلی. الحمدلله دو تا قیر هم هست. کار درست شد!! انگار هر دو می‌دانستند روز هشتم اسفندماه سال هزار و سیصت و شصت و پنج چه اتفاقی خواهد افتاد؟! آفسوس آفسوس که در عملیات کربلای ۵، صبح روز هشتم اسفندماه، فریدون بختیاری برای همیشه رفت و بعدازظهر همان روز حاج حسین خرازی…!

رسیدم به اول جاده رهنان! بیست قدم به بیست قدم یک پلکارک نصب شده بود. صدای گریه بقیه آزارم می‌داد. مادرم هق هق می‌کرد، با خودش حرف می‌زد، به سینه‌اش می‌زد، توی سرش، چیغ، داد، ضیون… اما من نه!! فقط نگاه می‌کردم به تفت‌ها و به پارچه‌های مشکلی، به پارچه‌های سفید که با رنگ مشکلی روی آنها جملاتی حک شده بود. کلمات یکی از آنها مرتب در ذهنم مرور می‌شد: «…شهادت افتخارآمیز پاسدار دلاور فریدون بختیاری قائم مقام لشکر ۲۵ کربلایرامی‌باد…»

اسم فریدون بختیاری با رنگ قرمز برابم عجیب بود! یعنی چه؟ چشمانم خیره شده بود. سرم گیج می‌رفت. چند لحظه بعد نفهمیدم یعنی چه! قبل از رفتن قول داده بود سر ده روز برگردد و امروز دقیقاً روز دهم بود. پس چرا؟ چرا اینطوری؟ ماشین جلوی خانه ترمز کرد. برادرم در را باز کرد. پایم را روی زمین گذاشتم. چادرم را جمع کردم و به زور سرم را بالا آوردم. چشمم افتاد به عکس فریدون. از داخل تفت به من لبخند می‌زد. همین خنده ملیحش بود که همیشه دلم را ریش می‌کرد. گفته بود سر ده روز برمی‌گردد و حالا توی قاب عکس به من می‌خندید.

زانوهایم می‌لرزید. سرم گیج می‌رفت. چشمانم همان طور به عکس فریدوم خیره مانده بود. احساس سنگینی می‌کردم. دلم می‌خواست همان جا روی زمین بنشینم اما ایستادم. به سر و سینه نکوبیدم، چیغ و داد نکردم. اشک از گوشه چشمانم جاری بود. فقط به عکس نگاه می‌کردم.

به یاد عکس افتاد که دوستش وسط حیاط گرفت جلوی چشمش؛ عکسی که زندگی او را زیر و رو کرد. دوباره به عکس درون تفت نگاه کرد. به عکس گفت: ندیده بودم به گریه‌هام بخندی!! نمی‌خواستم! خوش قیولی‌ت را نمی‌خواستم!! این طوری سر ده روز برگشتی… بی‌وفایی! خیلی بی‌وفایی!

بریده‌ای از کتاب «حرف‌هایش به دل می‌نشست» به روایت همسر سردار شهید فریدون بختیاری

رستاخیز مشتهای آهنین در آینه دنیای ابرقهرمان‌ها

بررسی تأثیر تحول و چرخش بنیادین در صنعت فرهنگ غرب و به تبع آن، فرهنگ عامه جهانی بر ضرورت دیکتاتوری برای بقا!

قاسم قربانی بجزگدی
نویسنده



ضرورت دیکتاتوری برای بقا!

دنیای کمیک (داستان مصور) و ابرقهرمانی هیچ‌گاه صرفاً ابزاری برای سرگرمی و فراموشی واقعیت نبوده است. از همان روزهای نخست، این قاب‌های رنگی، عمیق‌ترین پیوندها را با «الهیات سیاسی» و تحولات جهان برقرار کرده‌اند: از تقابل خیر و شر مطلق در دوران جنگ جهانی دوم تا بازیابی بحران‌های هویتی و عدالت خواهی در دهه‌های بعد. کمیک‌ها در واقع «اسطوره‌های معاصر» هستند؛ همان‌طور که یونان باستان با ایزدان المپ نشین (خدایان یونان باستان)، اخلاق و سیاست خود را تبیین می‌کرد، فرهنگ عامه آمریکا و در پی آن، جهان تحت تأثیر صنعت فرهنگ آمریکا نیز مفاهیم «عدالت»، «نظم» و «اراده» را در آینه دنیای ابرقهرمانی جست‌وجو کرده است. آنچه امروز در دنیای سینمایی مارول (MCU) (یک امتیاز رسانه‌ای آمریکایی است که به مجموعه‌ای از فیلم‌های ابرقهرمانی تولید شده توسط مارول استودیوز متمرکز شده است) و به ویژه با گذار از «انتقام جویان» به عصر «دکتر دووم» (Doctor Doom) (شخصیت خیالی ابرشرور در کتاب‌های کمیک آمریکا) در حال رخ دادن است، پرده از یک چرخش بنیادین در ذهنیت نخبگان صنعت فرهنگ غرب و به تبع، فرهنگ عامه جهانی برمی‌دارد: ضرورت دیکتاتوری برای بقا!

دنیای کمیک مارول و جهان واقعی سیاست

خلق «سوپرمن» در ۱۹۳۸ در بحبوحه رکود بزرگ، پاسخی به نیاز توده‌ها برای ظهور یک منجی مسیحایی بود؛ مشته گره کرده «کاپیتان آمریکا» بر صورت هیتلر در ۱۹۴۱ (پیش از ورود آمریکا به جنگ) نشان داد که کمیک‌ها بازتاب‌دهنده سیاست‌گذاری‌های کلان بوده‌اند. دنیای مارول از همان آغاز نه تنها از سیاست تأثیر گرفته، بلکه آینه بحران‌های قدرت در جهان واقعی بوده است؛ به عنوان مثال، فیلم «کاپیتان آمریکا: جنگ داخلی» صرفاً یک نبرد بین دو گروه از ابرقهرمانان نبود، بلکه تجسم شکاف عمیق در سیاست خارجی آمریکا و غرب بود؛ دو قطبی میان «نهادگرایی بین‌المللی و نظارت سازمان یافته» به رهبری مرد آهنی در برابر «یک جانی‌گرایی و اصالت آزادی فردی» به رهبری کاپیتان آمریکا. این همان گسل سیاسی بزرگی است که در واقعیت، منجر به ظهور جنبش ماگا و برآمدن پدیده «ترامپ» شد.

ابرقهرمان؛ پاسدار وضع موجود و ابرشرور؛ تغییردهنده وضع موجود

زیربنای اخلاقی این جهان را باید با در نظر گرفتن پیوند عمیق دنیای ابرقهرمانی با سیاست و الهیات شناخت. در فلسفه سیاسی کمیک، مرز میان «ابرقهرمان» و «ابرشور» نه با فضیلت اخلاقی، بلکه با نسبت آن‌ها با «نظم مستقر» تعریف می‌شود. ابرشرور کسی است که می‌خواهد جهان را تغییر دهد؛ حتی اگر انگیزه‌اش برقراری عدالت یا نجات محیط‌زیست باشد (مانند تانوس یا بین در بتمن). در مقابل، ابرقهرمان وظیفه‌ای جز بازگرداندن عقربه‌ها به وضعیت پیش از بحران ندارد. او محافظ نظم کنونی است.

مرثیه‌ای برای آزادی؛ وقتی چند جهانی به آشوب می‌رسد

در فازهای نخستین دنیای سینمایی مارول، «آزادی» ارزش مطلق بود. کاپیتان آمریکا در فیلم «سرباز زمستان» علیه نظارت استبدادی شورش می‌کند؛ چراکه معتقد است امنیت به قیمت سلب اراده، ارزش ندارد؛ اما در فاز چهارم و با معرفی مفهوم جهان‌های موازی (چند جهانی یا «مولتیورس») ورق برمی‌گردد. در سریال «لوسی»، ما با شخصیتی به نام «کسی که باقی می‌ماند» (He Who Remains) مواجه می‌شویم. او یک دیکتاتور کیهانی است که میلیاردها جهان ممکن و خط زمانی را نابود کرده تا تنها یک «خط زمانی مقدس» باقی بماند. منطق او ساده و هولناک است: «آزادی یعنی جنگ». او معتقد است اگر جهان‌ها آزاد باشند، نسخه‌های متخاصم او (کانگ فاتح) متولد می‌شوند و کل هستی را به نابودی می‌کشند. وقتی او توسط نیروهای «آزادی‌خواه» کشته می‌شود، مولتی‌ورس آزاد می‌شود؛ اما این آزادی نه به رستگاری، بلکه به «برخورد جهان‌ها» (Incursions) و مرگ تریلیون‌ها موجود زنده منجر می‌شود. پیام سیاسی این رخداد روشن است: نظم سابق لیبرالی (تک جهانی) فروپاشیده و آزادی متکثر جوامع، تنها به نابودی متقابل ختم خواهد شد.

رستاخیز «دوم»؛ ضرورت مشته آهنین در عصر آشوب

در این نقطه است که ایده جنگ‌های مخفی (secret wars) و ظهور «دکتر دووم» وارد عمل می‌شود. در دنیای کمیک و فازهای پیش روی سینما، زمانی که تمام جهان‌ها در حال فروپاشی هستند، نه اراده جمعی مردم و نه ابرقهرمان‌ها، هیچ‌کدام توان نجات هستی را ندارند. در اینجا، «دکتر دووم» که همواره به عنوان یک ابرشرور مستبد شناخته می‌شد، به عنوان تنها ناجی ظهور می‌کند. او با اراده‌ای پولادین و عبور از مرزهای اخلاقی، بقایای جهان‌ها در حال نابودی را جمع کرده، جهان‌ها را نابود می‌کند و در تنها جهان باقی‌مانده، یعنی «دنیای مبارزه» (Battle World)، یک «نظم نوین» می‌سازد. او خود را خدا-امپراتور می‌نامد و با مشته آهنین بر تمام هستی حکومت می‌کند. نکته کلیدی در نام او نهفته است: «دوم» (Doom) به معنای سرنوشت محتوم و رستاخیز. در این پارادایم جدید، دیگر سخنی از حقوق بشر یا آزادی بیان نیست؛ بحث بر سر «بقا» در برابر «فنا» است. ایده نهفته در پس‌زمینه این روایت آن است که در عصر آشوب‌های بزرگ آتی، اقتصادی و سیاسی، تنها یک «دیکتاتور باراده» می‌تواند از نابودی کل تمدن جلوگیری کند.

از دنیای کمیک به فرهنگ عامه!

آنچه بر پرده سینما می‌بینیم، پیش‌درآمدی بوده بر آنچه قرار است در خیابان‌ها و صندوق‌های رأی پذیرفته شود. گذار مارول از شعارهای لیبرالی دهه‌های گذشته به سمت ستایش از نظم «دوم» و «وار»، نشان‌دهنده یک چرخش عمیق در فرهنگ عامه جهانی است. این آثار به توده‌ها می‌آموزند که دموکراسی و آزادی، آثار لوکسی متعلق به دوران آرامش بودند؛ اما در دوران «برخورد جهان‌ها»، ما به کسی نیاز داریم که جرئت داشته باشد، «شور» باشد تا «زنده» بمانیم. جالب آنکه این چرخش تنها به دنیای سینمایی مارول محدود نمی‌شود. مجموعه‌ای از مهم‌ترین آثار صنعت فرهنگ جهانی از سه‌گانه حماسی تلماسه (Dune) گرفته تا انیمه‌هایی مانند نبرد با تایتان (Attack on Titan) و آرکین، در حال مخابره این پیام هستند که بخش بزرگی از مردم جهان، باید قربانی شوند تا بقای تعداد معدودی تضمین شود. پیام نهایی، این تحلیل، هشداردهنده است: نظم سابق بین‌المللی مرده است. توده‌های مردم در حال پذیرش این باور هستند که برای پیشگیری از آینده‌های شوم‌تر، باید به استقبال سیاست‌های خشن و خارج از قاعده‌های اخلاقی سنتی رفت. رستاخیز «دکتر دووم» در فرهنگ عامه، در واقع اعلام رسمی پایان عصر حقوق بشر و آغاز عصر «دیکتاتوری ضروری» است. جهان فردا، جهانی نخواهد بود که در آن قهرمانان برای آزادی می‌جنگند؛ جهانی است که در آن همه ما، در سایه یک قدرت مطلق، تنها برای یک روز بیشتر زنده‌ماندن، سکوت خواهیم کرد؛ به‌ویژه که نسل‌کشی آشکار اسرائیل، ظهور ترامپ و روسیایی اسپتین در حال گره زدن این برداشت ذهنی به واقعیت عینی است. این پیام آنگاه اهمیتی دوچندان می‌یابد که بدانیم توجوئانان و جوانان ایرانی به شکلی فزاینده، مصرف‌کننده دنیای کمیک و سینمای برآمده از آن هستند و گروه‌های پرتعدادی از آن‌ها، شبانه‌روز در حال تولید محتوا بر پایه این جهان‌ها هستند. این یعنی بذر این «الهیات سیاسی جدید» در ذهن نسل آینده ما نیز کاشته می‌شود.

تبدیل شر به واقعیت حتمی

البته این الهیات که می‌توان آن را الهیات اساطیری مدرن نامید، امری کاملاً نوظهور نیست. قدرت‌های مسلط در طول تاریخ، برای توجیه شری که می‌پراکنند، همواره به ترویج الهیاتی از این قبیل دست زده‌اند؛ به عنوان نمونه، بنی امیه، با ترویج اعتقاد به جبر، این انگاره را در افکار عمومی تقویت می‌کردند که حاکمیت آن‌ها و در نتیجه ستمی که مردم تحمل می‌کنند، خواست حتمی خداوند بوده و مبارزه با آن آب در هاون کوبیدن است. در چنین منطقی، قیام عاشورا، یک آشوب کور و پرهیم‌زننده نظم جهان اموی و زندگی معمولی مردم است. از متون تاریخی برخی می‌آید که انگیزه یا لاف‌لاقی توجیه برخی از اشیای کرپلا، دفع شورش بی‌فایده‌ای است که تنها کارکردش پرهیم‌زدن نظم زندگی مردم است. ذهن متأثر از این الهیات، شر و بی‌انگاره و مشته آهنین آن را «واقعیت ناگزیر جهان» می‌پندارد. تبدیل شر به واقعیت حتمی، بار ضدارزش آن را به شدت کاهش می‌دهد؛ حتی گزینه بقا و این انگاره که «زندگی تنها در سایه مشته آهنین عنصر اقتدارگرا ممکن است» به آن وجه اخلاقی نیز می‌دهد. در مقابل، مقاومت در برابر استبداد و سرکوب جهانی، نه تنها فضیلت محسوب نمی‌شود، بلکه به «ضد زندگی» و شر قابل دفع تبدیل می‌شود. شری که در سایه پندار بی‌معنایی و بوجی جهان، اعمال خشونت علیه آن کاملاً منطقی و اخلاقی تصور خواهد شد. در این پنداشت ذهنی، مقاومت علیه مشته آهنین شر جهانی، دامن زدن به آشوب و به خطر انداختن امکان «یک زندگی معمولی» است. از آنجایی که در بستر این الهیات، تنها امر اخلاقی، «بقا» است، فضایی که انسان را به مبارزه با شر دعوت می‌کنند، به امری ناپسند تبدیل شده و ردآیل ضدانسانی به امری ضروری و «باید» مبدل می‌شوند.

الهیات سیاسی و مخاطب ایرانی

فراگیر شدن الهیات سیاسی جهان کمیک در ذهن نوجوان و جوان و به‌طور کلی انسان ایرانی، می‌تواند به کلی، جهانی معنایی ایران را ویران کند. حاکمیت خداوند دادگر و توانا بر جهان، شایستگی دادوری، تلاش برای آبادی جهان، گرایش به خیر و نیکی و مبارزه با شر، از ارکان اصلی الهیات ایرانی هستند که در صورت جایگزین شدن الهیات اساطیری مدرن، از بین خواهند رفت؛ به ویژه که پندار سیاه و بی‌هدف بودن جهان، جایی برای حضور امر قدسی در آن باقی نمی‌گذارد. بر اساس تحلیل بیان شده، نقطه مرکزی الهیات دنیای کمیک، «واقعیت ناگزیر» بودن و ضرورت سیاست مشته آهنین برای بقا و در مقابل، ناممکن بودن و منتهی به آشوب شدن هرگونه مقاومت است. بقای جهان معنایی ایران در گروی شکستن پندار «واقعیت ناگزیر» بودن شر جهانی است. مقاومت، زمانی معقول و موجه می‌شود که تهمت «آشوب کور» بودن از آن زوده شود. بر این اساس، باید این انگاره تقویت شود که منطق ما اجرای نظم جدید جهان، دقیقاً برعکس آن چیزی است که صنعت فرهنگ غربی در آن می‌دمد. آشوب اصلی خود نظم استعماری کنونی جهانی است و آنچه آن‌ها آشوب و فروپاشی نظم معرفی می‌کنند در واقع بازگشت جهان به نظم و روال طبیعی خود است. راه شکستن فضای ذهنی سرشار از یأس جوان ایرانی آن است که امکان‌ها و فرصت‌های بزرگی که در گذار از نظم فرسوده کنونی جهان برای او قابل تصور است، به او یادآوری شود. در دل آنچه از نظر دکتر دووم‌های جهان ما، آشوب خوانده می‌شود، جهان‌های متولد نشده زیادی نهفته که سال‌ها توسط قدرت جهانی سرکوب شده است. باید به جوان ایرانی نشان داد که اکنون نه جای تسلیم و مرعوب شدن که حرکت به سمت زندگی در جهان‌هایی است که برای قرن‌ها از ما دریغ شده.

ردپای جابه‌جایی خیر و شر در شاهنامه

فردوسی در شاهنامه به خوبی چنین جهانی را شرح می‌دهد. سرداران ایران برای رهایی از آشوب‌هایی که سرتاسر کشور را فرا گرفته است، خود به سراغ ضحاک اژدها فاش می‌روند و تاج شاهی بر سرش می‌گذارند؛ به این امید که او با مشته آهنینش، نظم را به ملک برگرداند؛ اما نتیجه این تصمیم، جهان هزارساله ضحاک است، جهانی که در آن، هنر (فضیلت)، خوار و ناپسند و جادویی (زشتی و بدی)، ارجمند و پسندیده تلقی می‌شود:

چو ضحاک شد بر جهان شهپراز / بر او سالیان انجمن شد هزار
نهان گشت کردار فرزانتگان / پراکنده شد کام دیوانگان
هنر خوار شد، جادوی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند

شده بر بدی دست دیوان دراز / نرفتی به نیکی سخن جز به راز

ذهن مرعوب و تسلیم‌شده در برابر منطق جهان ضحاک، قیام کاوه و مقاومت فریدون را شورش کور تلقی می‌کند و چه بسا با نیت جنگ‌زدن به زندگی حداقلی در جهان ضحاک، در سرکوب قیام با ضحاک هم‌دست شود. پیام نخبگان صنعت فرهنگ برای جوامع غربی و به خصوص جامعه آمریکایی روشن است: «پشتیبان مشته آهنین دووم باشید تا زنده و همچنان قدرتمند بمانید!» می‌توان پیش‌بینی کرد که جامعه آمریکایی و جوامع غربی تا حد زیادی با این پیام همراه باشند؛ در حافظه تاریخی غربی ثبت شده است که بنای قدرت و رفاه امروز او بر اقیانوسی از خون بومیان آمریکا و آفریقا و دیگر ملل جهان شناور است. اگر تا شکل‌گیری نظم بعدی دندان بر سر جگر اخلاق بگذارد، آنگاه می‌تواند در جهان آینده بر کشتگان و مظلومان جنگ‌های دوران گذار، مرثیه‌سرایی کند؛ برای آن‌ها دل بسوزاند؛ کتاب بنویسد؛ فیلم بسازد؛ یادمان بر گزار کند و حتی گذشته سیاه خود را نقد کند و بر عذاب وجدان تاریخی خود سربوش بگذارد؛ حتی می‌تواند سیاهی و شر درونی خود را بر ملل دیگر فراقفتی کند و به اسم آزادی خواهی و مبارزه با تروریسم و... خود را مبارز راه آزادی جهان نیز تصور کند. سیاست‌گذار ایرانی برای هرگونه گفت‌وگو یا رویارویی با غرب، باید این اتمسفر ذهنی جدید را بشناسد. نمی‌توان بازیان ابزارهای جهان قدیم، مانند «صلح طلبی بی‌قید و شرط»، «حقوق بین‌الملل»، «تقسیم کار جهانی» و... با مخاطبی سخن گفت که آگاهانه یا ناآگاهانه، ضرورت ظهور یک «دیکتاتور ناجی» و سیاست‌های خارج از قاعده را پذیرفته است.

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا مدیرمسئول دکترعلی قاسم‌زاده مدیرعامل احسان تیموری سیجانی سردبیر محمدحسین اعتزازیان

معاون بازرگانی سید محمدوحید حکیم فعال معاون اداری و مالی جواد علینقیان

هفت تحریریه فرشاد توسلی، فاطمه رجب‌زاده الهه سادات بدیع‌زادگان و مریم نقیبان (فرهنگ و اندیشه) محسن حیدری فرد، زهره قندهاری و زهره سادات کاظمی (هم‌محله) داوود جعفری، پگاه ظاهری و مینا ایزدی (اقتصاد و سیاست)، محمدحسین اعتزازیان و لیلیا قمی (روایت شهر و جامعه) احمد مهرکش، سیدترکس نظام‌الدین و علی رئیس (هنر و ادبیات)، زینب تاج‌الدین (پایداری)، جواد جلوانی (تاریخ شفاهی) مهری منصور و مسعود افشاری (ورزش)

گرافیک علیرضا مظاهری علی نصر آزادانی و سولماز رحیمی سرور استادیان عبدالرضا دینانی عکس حمیدرضا نیکومورام

چند رسانه‌ای سید میلاد میردامادی حسین کشکولیان و امید هاشم‌زاده مجازی و شبکه‌های اجتماعی مهدی سروری زهراتوکلی، مانده روشنی، سارا حفیظ لیلیا کهلانی، فاطمه توکلی فناوری اطلاعات محمد کاظم کمالی

اصفهان، خیابان فردوسی
بن‌بست امام (شماره ۱۵)
تلفن ۰۳۱-۳۲۲۲۵۵۱
حرف مردم ۰۳۱-۴۰۰۰۲۵۲۴
امور آگهی‌ها ۰۳۱-۳۲۲۲۵۵۸

چاپ موسسه جام‌جم تبریزنا

بزرگترین روزنامه استانی در ایران
دارای امتیاز ۹۲٫۲ در رده‌بندی مطبوعات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

هم‌محله
ویژه‌نامه محلات شهر اصفهان

رویداد فون
ویژه‌نامه شهر زندگی و مساله‌های آن

پیسیرچی
ویژه‌نامه پایبندی اصفهان

حمله
ویژه‌نامه تاریخ انقلاب اسلامی

گرم‌ترگ‌مشیت
ویژه‌نامه میراث و گردشگری اصفهان

تیمیر
رسانه اقتصادی اصفهان

ESFAHAN
ZIBA-Online
en.esfahanzibaonline.ir

ویراستار و دبیر صفحه
احمد مهره‌کش



رمضان؛ کارگاه عملیاتی پدافند شناختی

مدام در حال تمرین این است که از چه چیزهایی باید دوری کند. این پرهیز آگاهانه، اراده را تقویت کرده و انسان را از بند عادات روزمره رها می‌کند. او یاد می‌گیرد که می‌تواند در برابر یک محرک خارجی (مثل میل به غذا یا میل به چک کردن گوشی) بایستد و بر اساس خواست و آگاهی خود تصمیم بگیرد؛ نه بر اساس عادت.

تقویت متابولیسم شناختی
کم‌شدن ورودی‌های حسی و دیجیتال در ماه رمضان (به ویژه اگر با تصمیم آگاهانه برای کاهش مصرف رسانه همراه شود)، ذهن را سبک‌تر کرده، از آشفتگی اطلاعاتی می‌کاهد و به آن فرصت می‌دهد تا نفس بکشد. این «روز دیجیتال» ضمنی، فضای ذهنی لازم را برای تفکر عمیق، تدبیر در آرای قرآن، خودرزیابی و بازسازی شناختی فراهم می‌کند.

احیای قدرت انتخاب
زندگی مدرن و دیجیتال، ما را به مصرف‌کنندگانی منفعل تبدیل کرده که دائماً در معرض انتخاب‌های کوچک و بی‌ارزش (کدام ویدیو را ببینیم؟ کدام پست لایک کنم؟

اوپیدامی‌کنند. غرق شدن در دنیای پرهیاهوی مجازی، انسان را از درون‌نگری و توجه به نیازهای عمیق روحی و معنوی خود بازمی‌دارد. وقتی تمام لحظات بیداری ما با صداها، تصاویر و اطلاعات بی‌پایان پر می‌شود، دیگر جایی برای «سکوت» و «خلوت با خود» باقی نمی‌ماند؛ همان سکوتی که لازمه خودشناسی، خدشناسی و تعالی معنوی است. در چنین فضای، ماه رمضان و روزه‌داری یک «تمرین‌رهایی‌بخش» و یک «کارگاه عملیاتی تمام‌عیار» برای خروج از این قفس ناهنجاری است. در حقیقت، ماه رمضان نوعی «به‌روزرسانی نرم‌افزاری» و حتی گاهی «بازنشانی سخت‌افزاری» مغز و روح انسان است؛ فرصتی طلایی برای شکستن میله‌های نامرئی قفس شناختی و بازبازی حکمیت بر ذهن خویش. این دوره یک‌ماهه، دوره باتوانی شناختی و معنوی است که می‌تواند مسیر زندگی یک انسان را برای کل سال تغییر دهد. اما روزه چگونه موجب چنین تحولی می‌شود؟

تمرین پرهیز آگاهانه
روزه‌دار نه فقط از غذا و آب، که باید از بسیاری عادات ناخودآگاه نیز پرهیزد. او در طول ساعات روزه‌داری،

سید حسین
میرزآبادی



کارشناس و مدرس جنگ شناختی

جنگ شناختی، جنگی است که به جای تسخیر خاک بر تسخیر ذهن‌ها و باورها استوار می‌باشد. در این جنگ، ابزارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای، الگوریتم‌های جذب توجه، سکوها و سریع ویدئو، اعلان‌های وسوسه‌انگیز و محتوای کوتاه و سریع (مانند ریلز، استوری و...) به‌عنوان «سلاح‌های راهبردی» عمل می‌کنند. این ابزارها با دقتی محاسبه‌شده و با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین یافته‌های علوم اعصاب و روانشناسی شناختی طراحی شده‌اند تا بیشترین میزان وابستگی را در کاربران ایجاد کنند. طراحان این سکوها که در پشت پرده‌ای از شعارهای بی‌ضرر مانند «ارتباط» و «سرگرمی» پنهان شده‌اند، به خوبی می‌دانند که هر چه کاربر زمان بیشتری را در فضای مجازی صرف کند، داده‌های بیشتری تولید می‌کند، سود بیشتری عاید آن‌ها می‌شود و مهم‌تر از آن، نفوذ شناختی عمیق‌تری بر ذهن

قرار داریم، اما توانایی انتخاب‌های بزرگ و بنیادین را از دست داده‌ایم. در روزه‌داری، فرد مدام در حال یک انتخاب بزرگ و آگاهانه است: «آیا این کار را انجام دهم یا نه؟». همین تمرین مکرر در طول یک ماه، «مهارت انتخاب» را قوی کرده و او را از یک مصرف‌کننده صرف، به یک کنشگر آگاه و حاکم بر سرنوشت خود تبدیل می‌کند.

بازتعریف لذت‌ها
وقتی انسان برای مدتی از لذت‌های زودگذر و سطحی دیجیتال فاصله گرفت، سیستم یادش دهی مغز او بازتنظیم می‌شود. به تدریج، لذت‌های عمیق‌تر و پایدارتری را که فراموش کرده بود، دوباره کشف می‌کند: لذت یک گفتگوی رودررو و صمیمانه با اعضای خانواده در لحظه افطار، لذت خواندن یک صفحه کتاب با تمرکز کامل، لذت قدم زدن در یک فضای آرام بدون نیاز به همراه داشتن گوشی، لذت ارتباط با خدا در ساعات خلوت و سحر و لذت احساس سبکی و آرامش روحی ناشی از پرهیز و خودداری. اگر بخواهیم در برابر جنگ شناختی دشمن بایستیم، بهترین راه، بازگشت به خود آگاهی، مراقبه (تفکر) و پرهیز آگاهانه است و رمضان، یک کارگاه عملیاتی تمام‌عیار برای همین هدف است. اما چگونه از ظرفیت ماه مبارک رمضان در برابر جنگ شناختی استفاده کنیم؟

الف) پرهیز دیجیتال در ساعات روزه‌داری (به جز ضرورت کاری): تعهد کنیم که در تمام ساعات روزه، جز برای کار ضروری، به هیچ شبکه اجتماعی، سایت خبری یا سکو سرگرمی وارد نشویم. این یک «تمرین استقامت شناختی» روزانه است.

ب) جایگزینی عادات دیجیتال با عادات معنوی و شناختی (مثل مطالعه قرآن، کتاب، یا تفکر): هر بار که میل به چک کردن گوشی پیدا کردیم، آگاهانه آن را با یک فعالیت جایگزین مانند خواندن چند آیه از قرآن یا تدبیر، مطالعه چند صفحه از یک کتاب مفید یا چند دقیقه تفکر و خودگویی مثبت پر کنیم.

ج) ثبت روزانه تجربه‌ها و تغییرات ذهنی (خودرزیابی شناختی): هر شب، چند دقیقه رابه ثبت احساسات، افکار و تغییراتی که در طول روز تجربه کرده‌ایم، اختصاص دهیم. تفاوت احساس دوری از فضای مجازی را با حس در کنار خانواده بودن مقایسه کنیم، خلوتی ذهن و آرامش را به غرق شدن در داده‌های وسیع رسانه‌ها بسنجیم

و واقع‌بینانه دلیل نیل به دنیای دیجیتال را بررسی و مقایسه کنیم حالا که از این فضا دوری می‌کنیم، چه چیزی را از دست داده‌ایم و چه چیزی را بدست آورده‌ایم. یادمان بماند دشمن با تمام توان به زدودن معنویات و دوری از تعالیم دینی همت گماشته است، زیرا می‌داند در باطن تکنک‌تعالیم معنوی و دستورات دینی، گنجینه‌های از تسلیحات فداقی در برابر اهداف استعماریشان نهفته که اگر فردی به این گنج‌ها دست یابد و به آن تسلیحات مجهز شود، هرگز نخواهند توانست به ذهن و روح و روانش نفوذ کنند و وی را به بزرگی خود در آورند. بنابراین هیچ پدافندی در برابر جنگ شناختی قدرتمندتر از پرداختن به معنویات و درک حکمت‌های نهان در دستورات خداوند متعال و اعتقاد و یقین قلبی به آنها نیست.



احمد ماهر پاشا نخست‌وزیر وقت مصر ۲۴ فوریه سال ۱۹۴۵ پس از قرائت متن اعلان جنگ مصر به کشورهای محور (آلمان و متحدهانش) در پارلمان آن کشور، همانجا به ضرب گلوله کشته شد. احمد ماهر ۴ ماه و دو هفته پیش از تورور، با حکم ملک فاروق پادشاه وقت مصر، نخست‌وزیر این کشور شده بود. وی که از اعضای حزب السعدیه بود برای انتخابات بعدی مصر، اعضای جمعیت اخوان المسلمین را از نامزد شدن ممنوع کرده بود. احمد ماهر پاشا هنگامی که تورور شد ۵۷ ساله بود. /iranianshistoryonthistday.com



در ایران باستان، جشن «جشن سپندارمذگان» یا «جشن اسفندگان» به عنوان روز بزرگداشت «زن و زمین» شناخته می‌شود. این جشن در روز پنجم ماه اسفند برگزار می‌شد. سپندارمذگان نام یکی از امشاسپندان یا فرشتگان در دین زرتشتی است که نماد زمین، عشق و وفاداری است و به همین دلیل این روز به عنوان روز بزرگداشت زنان و زمین در نظر گرفته شده است. امشاسپند به عنوان نماد وحدت زمین و زنان شناخته می‌شود، چرا که در فرهنگ ایران باستان، زمین به مثابه مادری است که حیات را پرورش می‌دهد. در این روز، مردان به همسران خود هدایایی می‌دادند و از آن‌ها تقدیر می‌کردند.

مرحله دوم
آگهی مناقصه (نوبت اول)
این شهرداری در نظر دارد به استناد ردیف بودجه سال ۱۴۰۴ در خصوص عملیات احداث و تکمیل فاز دوم پارک ورودی شهر تیران راز از طریق مناقصه عمومی مطابق با شرایط مندرج در آگهی شماره ۱۳۰۰۰۹۵۴۶۲۰۰۰۰۰ سامانه تدارکات دولت الکترونیک (سامانه ستاد) به پیمانکاران و واجدین شرایط اقدام نماید. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (سامانه ستاد) www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

اطلاعات زمانی:
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ ساعت ۱۳
مهلت ارسال پیشنهادات: تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ ساعت ۱۳
زمان بازگشایی پاکت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ ساعت ۱۴:۳۰
زمان اعتبار پیشنهاد: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ ساعت ۱۳
محسن دل کریمی (شهردار تیران)

مرحله دوم
آگهی مزایده (نوبت دوم)
این شهرداری در نظر دارد به استناد مصوبه شماره ۱۴۰۳/۱۰/۱۴۱۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ شورای محترم اسلامی شهر تیران در خصوص فروش تعدادی از پلاکهای کارگاهی و تعمیرگاهی واقع در منطقه کمربندی و مغازه‌های مجتمع نگین واقع در شهر تیران از طریق مزایده عمومی، مطابق با شرایط مندرج در آگهی شماره ۰۰۰۰۰۹۵۴۶۲۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ به واجدین شرایط و اگذار نماید. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (سامانه ستاد) www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

اطلاعات زمانی:
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ ساعت ۱۴
مهلت ارسال پیشنهادات: تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ ساعت ۱۴
زمان بازگشایی پاکت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۴ ساعت ۱۴:۳۰
محسن دل کریمی (شهردار تیران)

مرحله دوم
آگهی مزایده (نوبت دوم)
این شهرداری در نظر دارد به استناد مصوبه شماره ۱۴۰۴/۱۰/۴۷۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ و ۱۴۰۴/۱۰/۶۴۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ شورای محترم اسلامی شهر تیران در خصوص فروش دو پلاک مسکونی واقع در خیابان ارشاد و نبش کوچه آذر از طریق مزایده عمومی، مطابق با شرایط مندرج در آگهی شماره ۰۰۰۰۰۹۵۴۶۲۰۰۰۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ به واجدین شرایط و اگذار نماید. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (سامانه ستاد) www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

موعد زمانی:
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶
مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ ساعت ۱۴
مهلت ارسال پیشنهادات: تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ ساعت ۱۴
زمان بازگشایی پاکت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۴ ساعت ۱۴:۳۰
محسن دل کریمی (شهردار تیران)

رسانه پرداز سپاهان

فروش ویژه

سرورهای اختصاصی (Dedicated Server)

۳۶۷۶۸
Resanehpardaz

فراخوان عمومی شناسایی مشارکت‌کنندگان در توسعه پلتفرم (اصفهان من)

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری اصفهان در راستای تحقق چشم‌انداز "اصفهان هوشمند" و با هدف ارتقای کیفیت زندگی شهروندی و توسعه زیست‌بوم کارآفرینی، از کلیه شرکت‌های فناوری، دانش‌بنیان، خلاق و استارت‌آپ‌های توانمند دعوت به عمل می‌آورد تا در قالب مدل Open Platform، در توسعه خدمات و ارزش آفرینی بر بستر سوپراپلیکیشن (اصفهان من) مشارکت نمایند.

۱. موضوع فراخوان
ارائه، پیاده‌سازی و بهره‌برداری از خدمات نوآورانه در قالب Mini-Apps یا اتصال به زیرساخت‌های پلتفرم از طریق API‌های باز سازمان فاوادر حوزه‌های ذیل:
• حمل و نقل و ترافیک: خدمات نوین پارکینگ، مسیریابی توریستی، اشتراک سفر و...
• گردشگری و تفریحی: تورهای مجازی، اصفهان‌گردی، رزرو اماکن تفریحی و بلیت‌موزه‌ها.
• اقتصاد و خدمات صنعتی: بازارچه‌های محلی، خدمات منزل، خرید آنلاین از کسب‌وکارهای بومی.
• تبلیغات و رسانه: ارائه راهکارهای تبلیغات مکان محور (LBS) و تبلیغات هوشمند در سوپرپاپ.
۲. داری‌های استراتژیک قابل اشتراک (Value Proposition)
شهرداری اصفهان با تغییر استراتژی از «مجری» به «تسهیل‌گر»، زیرساخت‌های زیر را در اختیار شرکای تجاری قرار می‌دهد:
• احراز هویت متمرکز (SSO): دسترسی به هزاران کاربر احراز هویت شده (Identity as a Service).
• کیف پول و درگاه پرداخت: بهره‌برداری از سیستم پرداخت خرد شهری و تسویه حساب‌های امن.
• داده‌های غنی شهری (Data APIs): دسترسی به لایه‌های نقشه (GIS)، داده‌های ترافیکی و اطلاعات اماکن.
۳. مدل‌های مشارکت و درآمدزایی
مشارکت در این فراخوان بر پایه مدل‌های برد-برد (Win-Win) طراحی شده است:
۱. Revenue Share (سهم از فروش): ارائه خدمت توسط بخش خصوصی و پرداخت سهم توافق به سازمان.
۲. Freemium & Tiered API: دسترسی به داده‌ها بر اساس میزان فراخوانی و ارزش داده.
۳. Affiliate Marketing: همکاری در فروش خدمات و معرفی متقابل مشتری.
۴. Cost Reduction: مدل‌های معطوف به کاهش هزینه‌های وصول درآمد یا عملیاتی شهرداری.
۴. مزایای حضور در اکوسیستم (اصفهان من)
• دسترسی مستقیم به بازار هدف (صدها هزار شهروند و گردشگر) بدون هزینه‌های گزاف جذب کاربر.
• کاهش هزینه‌های فنی توسعه به واسطه استفاده از API‌های آماده زیرساختی.
• کسب اعتبار برند از طریق فعالیت در پلتفرم رسمی و مورد اعتماد شهرداری.
• حمایت ویژه از شرکت‌های مستقر در شهرک علمی تحقیقاتی، مراکز نوآوری، مراکز رشد و شرکت‌های نوپا و دانش‌بنیان.
۵. نحوه ثبت نام و ارزیابی
متقاضیان محترم می‌توانند پروپوزال فنی و تجاری خود را مستملاً بر معرفی شرکت، مدل کسب‌وکار (Business Model) و نحوه اتصال به پلتفرم، **حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۹** به واحد توسعه زیست‌بوم و ارزش آفرینی سازمان فاوادر ارسال نمایند. پس از بررسی اولیه، تیم‌های منتخب جهت بررسی‌های بیشتر دعوت خواهند شد. همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تماس ۰۳۱۳۳۳۷۷۰۰۰ داخلی ۷۰۷۱، جناب آقای مهندس خوشوعی، تماس حاصل فرمایید.

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری اصفهان واحد توسعه زیست‌بوم و ارزش آفرینی

همراه

دوره جدید - شماره پنجاه و هشتم
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا - سه شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴

شکوه دروازه دشت

روایتی از تاریخ، نخبگی ها، ایثارگری ها و
مفاخر محله بابلدشت

به همراه گفت و گوهایی با

نخبگان، ایثارگران و فعالان محله:

ناصر جدیدی (استاد تاریخ)، خانم مهرانی

(خواهر شهید عبدالجواد مهرانی)

حسین شیخ سجادیه (پزشک)

حسین غزالی اصفهانی (موسسه تحقیقات

رایانه ای قائمیه اصفهان)

احسان عرب (فرمانده پایگاه بسیج حضرت

صاحب الزمان عج)

سید محمد رضا هاشم زاده (امام جماعت

مسجد صاحب الزمان عج)،

احمد صدیقی (هنرمند قلمزنی)

محسن اشراقی (گوهرتراش و خوشنویس)

گفت و گو با مهدی سلطان آقایی

مدیر منطقه ۷ درباره اقدامات شهرداری

در منطقه و مطالبات و پرسش های ساکنان

محله بابلدشت ۱۳ و ۱۴ و ۱۵





زینب دبیری

محله‌ای هم مسیر باکریلا

گشت‌گذار و صحبت با مردم محله بابلدشت

محله بابلدشت یکی از مناطق بسیار قدیمی اصفهان است که در نزدیکی محله دردشت قرار گرفته. این محله بخشی از محله قدیمی‌تر به نام خواجگون است. بسیاری از اهالی اصفهان این محله را به قیرآقا و مدرس ابن سینا می‌شناسند که از آثار تاریخی دوران آل بویه در اصفهان است. در منابع تاریخی گفته شده که ابن سینا، فیلسوف و پزشک ایرانی، مدتی را در اینجا ساکن بوده و در این شهر به تدریس پرداخته است.

محل تدریس ابن دانشمند همین مدرس است که در محله بابلدشت اصفهان قرار گرفته و بسیاری از مردم اصفهان اینجا را به نام ابن سینا می‌شناسند. این محله در نزدیکی خیابان گلزار، پوریای ولی و بهمن قرار گرفته است.

نزدیکی‌های ظهر است که از سمت خیابان ابن سینا وارد محله می‌شوم. کوچه‌های پیچ‌درپیچ و مغازه‌های قدیمی همگی حکایت از قدمت بسیار زیاد این محله دارند. وارد لیبیات‌فروشی معروف محله بابلدشت می‌شوم و سراغ قدیمی‌ترین ساکن محله را می‌گیرم. از پشت دحل بیرون می‌آید و خودش را یکی از قدیمی‌ترین کسبه محله معرفی می‌کند که نزدیک به ۵۰ سال است در اینجا مغازه دارد.

قیرآقا؛ امام جمعه معروف محله بابلدشت

از او در رابطه با مقبره‌ای که در محله بابلدشت قرار دارد می‌پرسم؛ می‌گوید: «این مقبره متعلق به یکی از امام‌جمعه‌های قدیمی محله است که در زمان وفات، در ملک شخصی خودش به خاک سپرده می‌شود.» به اطراف امامزاده اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «در نزدیکی امامزاده یک بازارچه بود که مغازه‌های مختلفی مانند نانوايي، بقايي و همچنين مغازه فروش وسايل موردنياز دام و همچنين مغازه آسیابان‌ها قرار داشت که مردم محل از آن‌ها خرید می‌کردند؛ اما قبل از انقلاب این بازار تخریب شد و دیگر اثری از آن باقی نمانده است.»

باغی به نام صفی‌میرزا

این کسبه قدیمی محله بابلدشت در پاسخ



او از گذشته‌های محله و کدخدای اینجا تعریف می‌کند و می‌افزاید: «اینجا هم مانند دیگر محله‌های شهر کدخدا داشت که کارهای مردم را اداره می‌کرد. این هنرستان روبه‌رو هم قبرستان بود که پس از تخریب در زمین آنجا یک مدرسه ابتدایی به نام راغب ساختند و بعدها هنرستان شد و حالا بدون استفاده مانده است.»

داستان دو یخچال قدیمی محله بابلدشت

پورعابدین به انتهای کوچه اشاره می‌کند و می‌گوید: «سه جوی آب آخر این کوچه بود که در آنجا آب جریان داشت و فقط یکی از آن‌ها مانده است. آن طرف‌تر هم دو یخچال با دیوارهای بلند بود که زمستان‌ها آب را آنجا می‌بردند و روی آن پوشال می‌ریختند تا یخ بزند و تابستان‌ها از آن‌ها برای بستنی‌سازی استفاده می‌کردند.»

این کاسب قدیمی محل به چهارراه ابن سینا اشاره می‌کند و می‌گوید: «سر چهارراه یک غسالخانه بود که در آن مردگان را غسل

مادی پرآبی به نام فدن

او به مادی خشک محله اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مادی سالیان سال پر از آب بود و عامل اصلی آبادانی محله محسوب می‌شد. آب آن از همین جا به سمت خیابان پوریای ولی می‌رفت و بخش دیگری به سمت سودان و دزنهايت بخشی متعلق به خابجونی‌ها بود.»

او ادامه می‌دهد: «برخلاف محله‌های دیگر شهر اصفهان، بیشتر ساکنان اینجا بومی هستند و اصالت اصفهانی دارند. تعداد زیادی از ساکنان اینجا یا فامیل هستند یا ارتباط خانوادگی نزدیکی باهم دارند و بیشتر آن‌ها یکدیگر را می‌شناسند.»

راه کربلا و عبور از محله بابلدشت

علی پورعابدین، یکی دیگر از کسبه قدیمی محله است که حدود ۷۰ سال در این محله نجاری می‌کند. او در رابطه با گذشته محله می‌گوید: «اینجا رونق بسیار زیادی داشت و مسیر عبور کاروان‌ها بود که قصد سفر به کربلا را داشتند.»

سؤال در رابطه با علت نام‌گذاری محله به نام بابلدشت، می‌گوید: «علت اصلی نام‌گذاری آن را نمی‌دانم؛ اما به خاطر دارم اینجا جوی آبی بود که به باغ صفی میرزا وارد می‌شد. بعدها این جوی آب هم به نام همان صفی‌میرزا معروف شد. شاید علت نام‌گذاری اینجا این بود که این خیابان به سمت این باغ می‌رسید.»

محله‌ای با باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی فراوان

او در ارتباط با شغل مردم محله در گذشته می‌گوید: «تمام محلی‌های اینجا یا کاسب بودند یا کشاورز؛ بنابراین بیشتر مایحتاج روزمره را خودشان تهیه می‌کردند و کمتر از بازار خرید می‌کردند.»

این کسبه قدیمی محله بابلدشت به زمین روبه‌روی مغازه‌اش اشاره می‌کند و می‌افزاید: «این زمین روبه‌رو که دیوارکشی شده است، محل آسیاب قدیمی محله بوده. کشاورزان گندم و جو خود را به اینجا می‌آوردند و آرد می‌کردند.»



می‌گوید: «صفا میرزا از ساکنان قدیمی این محله بود که وضع مالی بسیار خوبی داشت. در همین کوچه باغ بزرگی بود که آب مادی هم از داخل آن عبور می‌کرد. بعدها این کوچه به نام او معرفی شد.»

محله‌ای با خانه‌های قدیمی بسیار

زارعی در رابطه با خانه‌های قدیمی محله می‌گوید: «اینجا خانه‌های قدیمی بسیار زیبایی داشت که بیشتر آن‌ها خشت‌وگلی و پنج‌دری بودند. یک حیاط بسیار بزرگ و دورتادور آن اتاق‌های بسیار زیادی بود. یادم هست در خانه‌ای که ما زندگی می‌کردیم یک تنور نانوايي داشتیم. همان جا نان می‌پختیم. آن روزها حدود پنج خانوار باهم در یک خانه بودیم و زندگی خوب و شادی داشتیم.» او به زمین‌های اطراف اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «تمام این زمین‌ها باغ بود و تا سر شمس‌آباد و کاوه خیری از خانه نبود.» از زارعی درباره قدمت قبراآقا می‌پرسیم؛ می‌گوید: «قبراآقا محل دفن امام جمعه معروف محله بوده است؛ در واقع محلی که قبراآقا قرار دارد در گذشته یک قبرستان بزرگ بود. بعدها در زمین‌های آن بیمارستان، مدرسه و حتی شرکت واحد اتوبوس‌رانی ساختند.» او درباره محصولات کشاورزی محله بابلدشت می‌گوید: «آن روزها آب فراوانی بود و کشاورزان همه نوع میوه، به‌ویژه هندوانه و خربزه، جو و گندم و... می‌کاشتند و زندگی خوبی داشتند.»



بابلدشت است. از او در رابطه با محله خوابجونی‌ها می‌پرسیم؛ می‌گوید: «سمت پوربای ولی فعلی یک صحرا قرار داشت که متعلق به خوابجونی‌ها بود. آن روزها خیابان باهنر نبود و به جای آن، کوچه‌های تنگ و به هم فشرده بود. بعدها که خواستند خیابان را باز کنند، بسیاری از خانه‌ها را خراب کردند و خیابان‌های فعلی را ساختند.» او ادامه می‌دهد: «اینجا تمام روستا بود و تعداد زیادی از خوابجونی‌ها کشاورز بودند؛ تعدادی از آن‌ها تا ۲۰ سال پیش هم کشاورزی می‌کردند؛ اما حالانته زمینی هست و نه آبی که بتوان دوباره در آن کشاورزی کرد.» از او درباره کوچه صفا میرزا می‌پرسیم؛

این طرف بود. یادم هست حتی با قاطر از اینجا بار جابه‌جا می‌کردند و به شهرها و روستاهای اطراف می‌بردند.» پورعابدین به مادی فدن اشاره می‌کند و می‌گوید: «این مادی در محله بابلدشت قرار داشت و از اینجا سه قسمت می‌شد؛ یک قسمت به سمت سودان می‌رفت؛ دیگری، به نزدیکی‌های خوابجون و آخری، به سر فلکه معروف که نزدیکی‌های طوقچی است می‌رسید.»

خیابان پوربای ولی و محله‌ای به نام خوابجونی‌ها

مرتضی زارعی، یکی دیگر از ساکنان محله

محله‌ای سبز که امروز خشک است

بیان مشکلات و کمبودهای محله بابلدشت از زبان مردم و کسبه محله

و سبزی‌فروشی و میوه‌فروشی. زردک و هویج، پیاز و چغندر هم می‌فروختند.» یک روزنامه قدیمی را که خبرنگاری با او مصاحبه کرده بود، نشانمان می‌دهد و می‌گوید که اهل خواندن روزنامه است. وقتی در کوچه‌های محله بابلدشت راه می‌روی، بیشترین چیزی که به چشم می‌آید، خانه‌های قدیمی و رها شده است که از بیرون قفل شده‌اند. بافت فرسوده غالبی در محله دیده می‌شود که نیاز به تغییر دارد. یکی از معتمدان محله بابلدشت در خصوص برخی مشکلات محله می‌گوید: «کمبود مجموعه ورزشی برای جوانان و نداشتن یک سالن مطالعه مناسب و نیاز شدید به مجموعه‌های درمانگری جسمی و روحی درباره اعتیاد، از مهم‌ترین مشکلات و کمبودهای محله است.» او همچنین از کمبود شدید فضای سبز و مکانی برای استراحت افراد سالمند محله گلایه‌مند است و می‌گوید: «باآنکه مادی از میان این محله عبور کرده و در گذشته باغ‌های زیادی در این محدوده وجود داشته است، متأسفانه اکنون فضای سبز و پارک ندارد. ترافیک و کمبود پارکینگ در این محله یکی از مشکلات آن است. در این محله تقریباً هیچ تابلویی از معرفی محله نمی‌بینید و کمبود آلمان‌ها و امکانات شهری به وضوح دیده می‌شود.» گلوگاه‌ها و معابر تنگ و البته آسفالت بسیار نامناسب بعضی معابر هم مشکل دیگری بود که این ساکن محله بابلدشت به آن‌ها اشاره کرد.



بازارچه قدیمی محله بابلدشت بوده است و هنوز مغازه‌های قدیمی زیادی در این محله وجود دارند که از بقایای آن بازارچه قدیمی هستند. خیابان مدرس که خیابانی هم‌مرز با محله بابلدشت و دردشت است، روزی راه اصلی اصفهان بوده و مردم از این مسیر اصلی به نقاط دیگر، به‌ویژه کربلا، سفر می‌کردند. یک کفاش قدیمی که مشغول کفاشی بود، نظرم را جلب کرد. پشت میز چوبی نشسته و کفشی را که روی پایش گذاشته بود، با دقت می‌دوخت. نخ‌های رنگی آویزان به دیوار و کفش‌های بچه‌گانه قدیمی، حال‌وهوای خوبی به مغازه داده بود. آقای جمالی ۵۰ سال است کفاش بوده. از زمانی که بازارچه بوده، در این محله کاسبی می‌کرده است. می‌گوید: «اینجا پر بود از مغازه‌های مختلف. بقالی

آقای وزی خودش بچه‌محله دردشت، ولی مغازه‌دار محله بابلدشت است. یادش می‌آید که فلکه شهدا که نام قبلی‌اش چیز دیگری بوده، ساختارش همین بوده است. خیابان کاوه راه اصلی بوده است و خیابان ابن‌سینا وجود نداشته، به جایش راه باریکی تا یک باغ بزرگ که امروز بیمارستان امین جایش ساخته شده، بوده است.

در پیاده‌رو خیابان مدرس راه را ادامه می‌دهیم. مغازه‌های قدیمی و کسبه‌ای که سال‌ها در این محله مغازه داشته‌اند، زیاد هستند. در پیاده‌رو خیابان مدرس، تقریباً با بسیاری از آن‌ها می‌توانیم برخورد کنیم. در میانه خیابان مدرس به چهارراه بابلدشت می‌رسیم. وارد خیابان عباسی که دقیقاً از چهارراه بابلدشت به خیابان کاوه می‌رسد، می‌شویم. این خیابان

می‌دادند؛ یک قبرستان هم بود به نام احمدیه که هنوز وجود دارد و محلی‌ها اموات خود را دفن می‌کنند.»

کشتارگاهی که در خارج شهر قرار داشت

پورعابدین به خیابان مدرس اشاره می‌کند و می‌گوید: «اینجا خیابان دور شهر بود. آن روزها طوقچی و خیابان مصلح وجود نداشت. اول این خیابان کشتارگاه بود. هر روز صبح دام‌ها را می‌بردند و ذبح می‌کردند.» او از خاطره‌های گذشته و زمان ساخت حرم زینبیه می‌گوید: «آن زمان من کوچک بودم. یادم هست زمانی که می‌خواستند زینبیه را بسازند، مردم آجر روی سرشان قرار می‌دادند و برای ساخت حرم به سمت خیابان زینبیه می‌بردند. آن روزها خیابان ابن‌سینا نبود و فقط این خیابانی که در آن قرار داریم با همین شکل بود.»

از پورعابدین درباره کاسبان قدیمی محله می‌پرسیم؛ می‌گوید: «بیشتر کاسب‌ها بقال، آهنگر و پولکی‌ساز بودند؛ یک موزاییک‌سازی هم بود. اینجا یک بازارچه بود که از اینجا تا کوچه راغب ادامه داشت؛ در نزدیکی آن هم یک آسیاب و یک عصارخانه قرار داشت.» او به آن طرف خیابان اشاره می‌کند و می‌گوید: «در آنجا هم بازارچه بود. یک‌تکه آن سقف داشت و باقی بدون سقف بود. آن روزها راه اصلی عبورومرور به سمت تهران هم از

محله بابلدشت که روزگار پررونقی را در سالیان دور پشت سر گذاشته است، هنوز هم رونق دارد؛ اما با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. یکی از ویژگی‌های این محله کاسب‌های قدیمی آن است. از ابتدای خیابان مدرس که وارد محله می‌شویم، می‌توانیم مغازه‌های قدیمی را ببینیم که البته برخی از آن‌ها درگیر فرسودگی و تخریب شده‌اند. در همان ابتدای خیابان مدرس، یک مغازه تعمیر ساعت قدیمی نظرم را جلب می‌کند. وقتی وارد مغازه می‌شویم، ساعت‌های قدیمی که کمتر دیگر می‌توان آن‌ها را جایی پیدا کرد، روی دیوار مغازه نصب شده‌اند. دکه روبه‌روی صاحب مغازه قدیمی بوده و پر از وسایلی است که برای تعمیر ساعت استفاده می‌شود. صاحب مغازه با روی باز از ما استقبال می‌کند. آقای وزی نزدیک ۵۰ سال است مغازه تعمیر ساعت دارد. سال‌ها، ساعت‌ها را تعمیر می‌کرده است؛ ولی حالا فقط می‌آید مغازه که روزگار بگذراند؛ دیگر دل‌ودماغ این کارها را ندارد.

پشت سرش یک قالب از ساعت‌های قدیمی به دیوار آویزان است، ساعت‌هایی که مشتری آورده است و نیامده ببرد. ساعت‌های تعمیری امانت مانده پیشش. می‌گوید: «طبق دستور اسلام یک سال باید امانت را نگه داریم و بعد بفروشیم؛ اما ما هنوز نفروختیم. همین مسئله باعث شده است کمتر تعمیر ساعت را قبول کنم؛ چون نمی‌توانم امانت‌دار باشم.»



زهرا سادات کاظمی



میره فهامی

پر شکوه از نفس افتاده

گزارشی از سر قبرآقا در محله بابلدشت اصفهان



ابتدای شرقی خیابان کاوه و در ضلع شمالی کوچه‌ای در کنار پایانه بابلدشت، بنایی آرام و کم‌صدا در میان هیاهوی شهر سر برآورده است؛ مقبره‌ای که روزگاری در شمار آبادترین و باشکوه‌ترین بناهای این محدوده بوده و امروز نشانی از شکوه کهن را در دل فرسودگی پنهان کرده است. اینجا «سر قبرآقا» است؛ آرامگاهی متعلق به خانواده امام جمعه که تاریخ آن به دوره قاجار بازمی‌گردد و در دل خود گنجینه‌ای کم‌نظیر از هنرهای تزیینی اصفهان را جای داده است. برای رسیدن به بقعه باید از میان سرای مسجدی عبور کرد که بعدها در جوار آن ساخته شده است. در ضلع شرقی میان‌سرا، فضای مسجد قرار دارد که به نام هیئت احمدیه نیز شناخته می‌شود. در جبهه‌های غربی و جنوبی، حجره‌هایی دیده می‌شود. در میانه این حیاط، بقعه‌ای چهارگوش با گنبدی آجری قد برافراشته است که نگاه هر رهگذری را به خود جلب می‌کند؛ گنبدی که از دور ساده به نظر می‌رسد، اما درونش جهانی از ظرافت و درخشش نهفته است. ورود به فضای زیر گنبد، گویی گشودن دری به گذشته‌ای آکنده از هنر است. فضای داخلی، طرحی صلیبی شکل با چهار صغه دارد که ازاره‌های گچی آن با مقرنس‌های سه‌بعدی درآمیخته‌اند. نقاشی‌های ظریف در دل گچ‌بری‌ها و آینه‌کاری‌های معرق در حاشیه طاقچه‌ها، نور را به بازی می‌گیرند و هر زاویه را به تابوویی درخشان بدل می‌کنند.

پوشش صغه‌ها و شاه‌نشین‌های چهارسوی فضای مرکزی را لنگه‌طاق‌های گهواره‌ای و قوس‌های جناغی بر دوش کشیده‌اند و در مرکز، گنبدی یک‌پوسته و کروی شکل بر فراز همه چیز قرار گرفته است.

در زیر گنبد، مقرنس‌های پتکانه، آویزها و قندیل‌های آینه‌کاری شده، با قطعات ریزودرشت آینه، فضایی سرشار از تلالؤ و درخشش پدید آورده‌اند؛ با تابش پرتوهای خورشید از چهار گوشه بالای کتیبه، نور همچون هاله‌ای از رأس گنبد تا سطح مزارها فرومی‌ریزد و سنگ‌های مرمر را روشن می‌سازد. گرداگرد زیرگنبد، کتیبه‌ای گچ‌بری شده با خط ثلث، سوره جمعه را در برگرفته و همچون نواری معنوی، فضای آرامگاه را در آغوش کشیده است.

در میانه فضا، سکویی سنگی با قبور متصل به هم از سنگ مرمر قرار دارد. مزار حاج میرزا حسن امام جمعه خاتون‌آبادی، از عالمان نامدار سده سیزدهم قمری، در مرکز این مجموعه جای گرفته و در کنار او فرزندش و دیگر اعضای خاندان امام جمعه آرمیده‌اند؛ یکی از مریدان این عالم بزرگ نیز در همین مکان به خاک سپرده شده است.

برخی قبور بر سکویی مربعی شکل با ارتفاعی حدود یک متر قرار دارند و برخی دیگر هم‌تراز با کف صغه‌ها هستند. از جمله مدفونان داخل این بقعه را می‌توان آقامیرمحمد مهدی و حاج میرزا هاشم امام جمعه نام برد. در شاه‌نشین جنوبی، سنگ‌قبری مجلل مربوط به قبر حاج کریم، ولد حاج محمدعلی است؛ در قسمت پایین نیز سنگ‌نوشته یکی از مردمان آن عهد که قلیانی

در دست دارد و کلاه پوستی معمول آن زمان بر سر اوست، دیده می‌شود که ظاهراً تصویرش از ناظرها و پیشخدمت‌های امام جمعه قدیم بوده است. پشت بقعه و در ایوانچه‌ها و صحن اطراف نیز سنگ‌قبرهای متعددی پراکنده است؛ از جمله سنگ مرمری با اشعار نستعلیق که یادگاری از ضیاء، شاعر خوشنویس و معروف اصفهانی است. اشعار او در تکیه مادر شاهزاده و آقا حسین خوانساری؛ از تکیه‌های تخت‌فولاد اصفهان دیده و معلوم می‌شود او از خطاطان و ماده‌تاریخ‌نویسان معروف اواسط قرن سیزدهم

بوده است. در گوشه‌ای دیگر، قبر غلامعلی خوشنویس با ردیفی از آجر پوشانده شده است و اندکی آن‌سوتر، آرامگاه شاعری شوخ طبع به نام مرحوم صادق ملارجب که عمر خود را به زهد و قناعت گذراند، در سکوت آرمیده است.

این مجموعه، گذشته از ارزش معماری، لایه‌ای از تاریخ فرهنگی و ادبی شهر را نیز در خود حفظ کرده است.

اما آنچه بیش از همه، چشم را می‌نوازد، مقرنس‌کاری بی‌همتای بناست؛ آرایه‌ای که در میان آثار اصفهان نمونه‌ای همانند برایش گذشته و اکنون.

مقبره سر قبرآقا با همه زخم‌هایی که بر تن دارد، هنوز آینه‌ای از شکوه هنر قاجاری در اصفهان است؛ جایی که نور، آینه، گچ و خط در هم تنیده‌اند تا خاطره‌ای از ایمان، هنر و تاریخ این شهر را زنده نگه دارند.

حالا هیئت‌های مختلف علاوه بر عزاداری دهه محرم در این مکان، صبح‌های جمعه نیز اینجا برنامه ختم قرآن دارند و ساعتی به خواندن قرآن و مداحی می‌پردازند؛ در ساعتی از روز نیز خانم‌ها برای زیارت قبور به اینجا می‌آیند.

اینجا یادآور روزگاری است که مسافران عازم مشهد و کربلا را در حجره‌های خود جای می‌داد و همین امر سبب شد امام جمعه وصیت کند او را اینجا دفن کنند.

حالا روی دیوار رد نوشتن یادگاری‌های این دوران طولانی به خط نستعلیق دیده می‌شود؛ نوشته‌هایی که از سینه‌های مختلف روی دیوار نقش بسته و برای حفظ و نگهداری‌اش روی آن، با شیشه پوشانده شده است.

در پایان باید گفت که هرچند کارهایی تا به حال برای حفظ این بنا صورت گرفته ولی برای حفظ کامل این بناکوشش و همت بیشتری نیاز است.



نمی‌توان یافت. ترکیب آینه‌کاری، نقاشی در دل گچ‌بری‌ها و قندیل‌های سفید و فیروزه‌ای رنگ سقف، این آرامگاه را به یکی از جلوه‌های شگفت‌انگیز معماری اسلامی شهر بدل کرده است؛ جلوه‌ای که زبان در وصف تمام ظرایفش ناتوان می‌ماند.

صعود به پشت‌بام، از راه‌پله‌ای آجری و مارپیچ با پله‌های مثلثی و شیبی تند، تجربه‌ای دیگر از این بنا را آشکار می‌کند. تاریکی راه‌پله ناگهان به روشنایی بام می‌رسد و گنبد آجری از نزدیک رخ می‌نماید؛ ساده، استوار و خوش‌تناسب. بام با آجرهای خشتی پوشیده شده است و فاصله اندک آن با ساختمان‌های جدید اطراف، همنشینی معماری سنتی و ساخت‌وساز صنعتی را به نمایش می‌گذارد؛ تقابلی خاموش میان گذشته و اکنون.

مقبره سر قبرآقا با همه زخم‌هایی که بر تن دارد، هنوز آینه‌ای از شکوه هنر قاجاری در اصفهان است؛ جایی که نور، آینه، گچ و خط در هم تنیده‌اند تا خاطره‌ای از ایمان، هنر و تاریخ این شهر را زنده نگه دارند.

حالا هیئت‌های مختلف علاوه بر عزاداری دهه محرم در این مکان، صبح‌های جمعه نیز اینجا برنامه ختم قرآن دارند و ساعتی به خواندن قرآن و مداحی می‌پردازند؛ در ساعتی از روز نیز خانم‌ها برای زیارت قبور به اینجا می‌آیند.

اینجا یادآور روزگاری است که مسافران عازم مشهد و کربلا را در حجره‌های خود جای می‌داد و همین امر سبب شد امام جمعه وصیت کند او را اینجا دفن کنند.

حالا روی دیوار رد نوشتن یادگاری‌های این دوران طولانی به خط نستعلیق دیده می‌شود؛ نوشته‌هایی که از سینه‌های مختلف روی دیوار نقش بسته و برای حفظ و نگهداری‌اش روی آن، با شیشه پوشانده شده است.

در پایان باید گفت که هرچند کارهایی تا به حال برای حفظ این بنا صورت گرفته ولی برای حفظ کامل این بناکوشش و همت بیشتری نیاز است.



زهره سادات طالقانی

محله‌ای که نامش را اشتباه می‌خوانند

روایت ناصر جدیدی، استاد تاریخ، از محله بابلدشت

نیازهای نسل جدید سنجیده می‌شود، روی دیگر خود را نشان می‌دهد. جدیدی صریح می‌گوید: «واقعیت این است که بسیاری از جوان‌ها از محله رفته‌اند. نه به خاطر دسترسی یا امکانات اولیه؛ از نظر موقعیت شهری، بابلدشت عالی است؛ مسئله، کمبود فضاهای فرهنگی و رفاهی است.» او معتقد است که محله به یک فرهنگ‌سرای چندمنظوره نیاز دارد؛ جایی با سالن مطالعه برای دانشجویان، امکانات ورزشی برای نوجوانان و فضایی امن و مستقل برای بانوان. «مراکز فعلی، بیشتر با رویکرد سنتی اداره می‌شوند. بعضی افراد با نگاه بسته، همچنان همان مدل قدیمی را حفظ کرده‌اند؛ مدلی که دیگر برای نوجوان و جوان امروز جذاب نیست.»

در کوچه‌هایی که هنوز بوی گذشته می‌دهد، خبری از یک مجموعه فرهنگی پویا یا یک فضای اجتماعی مدرن نیست؛ نه کتابخانه‌ای مجهز، نه پاتوقی رسمی برای گفت‌وگوی نسل‌ها. همین خلأ، آرام‌آرام پیوند جوانان با محله را سست کرده است. انگار بابلدشت در حفظ گذشته موفق بوده، اما برای آینده برنامه‌ای نداشته است.

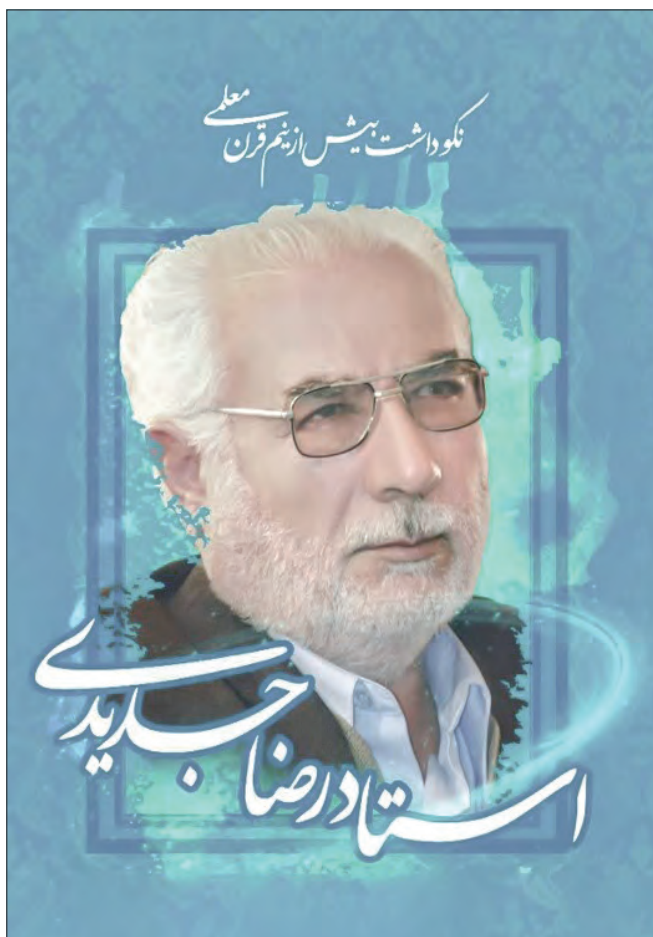
دلتنگی برای کوچه‌ای که هنوز نفس می‌کشد

جدیدی حالا بیش از ۱۰ سال است که در محله دیگری زندگی می‌کند؛ اما وقتی از بابلدشت می‌گوید، فاصله جغرافیایی بی‌معنا می‌شود. «صمیمی‌ترین دوستانم، خاطره‌های کودکی‌ام، همه آنجاست. فضای آپارتمانی هیچ‌وقت نتوانست جای آن روابط صمیمی همسایگی را بگیرد.»

در صدایش می‌شود دلتنگی را شنید؛ دلتنگی برای کوچه‌ای که هر رهگذری را می‌شناخت، برای درهایی که بی‌واسطه باز می‌شد، برای عصری که بچه‌ها تا تازیک شدن هوا بازی می‌کردند و مادرها از پشت بام‌ها صدایشان می‌زدند. بابلدشت امروز در نقطه‌ای حساس ایستاده است؛ محله‌ای با ریشه‌های عمیق تاریخی و مذهبی؛ اما با نیازهای انباشته نسل جدید. اگر مدیران شهری به این صدا گوش ندهند، شاید فردا دیگر از آن حس تعلق جمعی، تنها خاطره‌ای باقی بماند.

جدیدی، در پایان گفت‌وگو، با نگاهی که انگار از میان همان کوچه‌های قدیمی می‌گذرد، زمزمه می‌کند: «ای که از کوچه معشوقه ما می‌گذری برحذر باش که سر می‌شکنند دیوارش...»

بیتی که بیش از آنکه هشدار باشد، اعترافی است به عمق دل بستگی؛ به محله‌ای که هنوز، با همه کمبودهایش، در دل ساکنان قدیمی‌اش نفس می‌کشد.



در میانه هیاهوی مرکز اصفهان، جایی میان خیابان شهید مدرس قدیم و پیچ‌وخم‌های خیابان رضا عباسی، هنوز کوچه‌هایی نفس می‌کشند که رَد سال‌ها زندگی را می‌شود بر پیشانی ساختمان‌های قدیمی و تناسب آرام بافتش دید؛ محله‌ای که هرچند نوسازی را تجربه کرده، اما ریتم آهسته و هویت تاریخی‌اش را حفظ کرده است. اینجا «بابلدشت» است؛ محله‌ای که نامش، به گفته دکتر ناصر جدیدی، خودش روایتی از یک سوءتفاهم قدیمی است.

ناصر جدیدی فرزند حاج رضا جدیدی، مدیر اسبق ستاد اقامه نماز استان اصفهان است.

حاج رضا جدیدی تحصیلات ابتدایی را در الیگودرز گذراند و پس از طی تحصیلات دوران متوسطه در همان شهر، بلافاصله در ۱۳۴۴ در دانشگاه تهران و دانش‌سرای عالی پذیرفته شد؛ سپس در دبیرستان ادب، از دبیرستان‌های بنام اصفهان، در سمت دبیر و معاون مشغول خدمت شد.

فعالیت‌های انقلابی و تلاش‌های او در جهت آموزش و تربیت نسل نو در این دوره، فوق‌العاده اثربخش بود؛ آن‌چنان‌که خاطره‌های دلنشینی از گفتار و رفتار این معلم و مدیر برجسته در خاطر همکاران فرهنگی و دانش‌آموزان آن دوران نقش بسته است.

او از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶، به ترتیب به‌عنوان رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۴ اصفهان، مدیرکل آموزش و پرورش استان مرکزی و مدیرکل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری خدمت کرد و در ۱۳۷۶ به افتخار بازنشستگی نائل شد. حاج رضا جدیدی از پیش‌کسوتان و مدیران کاروان‌های حج بود و سال‌ها افتخار خدمت صادقانه به زائران بیت‌الله‌الحرام و عتبات‌عالیات را در کارنامه زندگی خویش به یادگار گذاشت. او در طول این سالیان آثار و تألیف‌هایی را به رشته تحریر درآورده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مختصری از تاریخ مسیحیت، زندگی امیرکبیر، ریشه‌های انقلاب اسلامی، سفرنامه حج، جلوه‌های نماز در شعر فارسی، آوای بندگی و خاطرات ۶۰ سال معلمی، اشاره کرد.

حاج رضا جدیدی در ۱۵ آبان ۱۳۹۹ دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.

بابلدشت: خاطره‌ای که هنوز نفس می‌کشد

دکتر ناصر جدیدی که امروز دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد و متولد محله بابلدشت اصفهان است، وقتی از بابلدشت حرف می‌زند، صدایش رنگ دیگری می‌گیرد؛ رنگ دل بستگی. می‌گوید: «ما از سال ۵۳ تا ۵۴ آنجا ساکن

بودیم. هنوز هم خیلی‌ها، حتی بعضی مسئولان، نام محله را اشتباه می‌نویسند یا تلفظ می‌کنند. اسم درستش بابلدشت است؛ یعنی دروازه دشت. اما در گفتار عامیانه، الف و لامش خوانده می‌شود و کم‌کم به شکل‌های نادرست جا افتاده است.»

او مکتبی می‌کند و ادامه می‌دهد: «این منطقه در واقع ورودی محله دردشت است؛ همان محدوده‌ای که بین خیابان مدرس و ابن‌سینا قرار می‌گیرد. برای شهری با پیشینه تاریخی اصفهان، چنین اشتباهی درباره نام یک محله قدیمی، کم‌اهمیت نیست.»

محله‌ای با صدای آب و بوی خاک

بابلدشت از جنوب به باغچی میرزا و تیران و آهنگران می‌رسد و از شمال به محله قدیمی خوابجان یا همان خواجو. روزگاری نه‌چندان دور، مادی‌ها در رگ‌های این محله جاری بودند و زمین‌های زراعی بخشی از هویت آن را شکل می‌دادند. دکتر جدیدی با لبخند می‌گوید: «هنوز هم بعضی خانواده‌ها کشاورزی می‌کنند. این یعنی حافظه زمین کاملاً پاک نشده است.»

در روایت او، بابلدشت فقط یک محدوده جغرافیایی نیست؛ شبکه‌ای از روابط انسانی است. او از همسایه‌هایی می‌گوید

بافتی که مانده

امکاناتی که نیامده

بابلدشت هنوز بافت سنتی خود را حفظ کرده است؛ خانه‌های کم‌طبقه، کوچه‌های باریک و روابط چهره‌به‌چهره. دسترسی به مرکز شهر، حمل‌ونقل مناسب و قیمت‌های نسبتاً متصفانه، آن را به محله‌ای قابل‌زیست تبدیل کرده است؛ اما همین بافت سنتی، وقتی با



مثیره فهامی

به همه کتاب هدیه می داد

روایتی از شهید عبدالجواد مهرانی از زبان خواهرش

کوچه‌های قدیمی بابلدشت بوی خاطره می‌دهند؛ بوی روزهایی که مردانگی از همین خانه‌های ساده قد کشید و به آسمان رسید. در ابتدای یکی از همین کوچه‌ها، تابلویی سفیدرنگ نگاهم را می‌دزد: «شهید عبدالجواد مهرانی»؛ نامی که بر پیشانی کوچه نشسته و بی‌صدا از رهگذران می‌خواهد لحظه‌ای مکث کنند، سربلند کنند و به یاد بیاورند که اینجا روزی جوانی زندگی می‌کرده که از همین کوچه تا بی‌کرانگی پر کشیده است.

قدم در کوچه می‌گذارم. دیوارها انگار هنوز صدای خنده‌های جوانی را در خود نگه داشته‌اند. سراغ خانه شهید را از اهالی می‌گیرم. هر کس نشانی را با احترام می‌دهد، با مکتی کوتاه و نگاهی که نشان می‌دهد این نام هنوز برایشان زنده است. می‌گویند پدر شهید، حاج محمدعلی مهرانی، هنوز در همین کوچه زندگی می‌کند؛ در همان خانه‌ای که عبدالجواد در آن قد کشید، بزرگ شد و مرد شد. پدر، سال‌هاست بار دل‌تنگی را به دوش می‌کشد. گوش‌هایش دیگر مثل گذشته بیاری شنیدن ندارد؛ صدایم را به سختی می‌شنود و کلمات میان ما گم می‌شوند. نگاهش اما روشن است؛ نگاهی که انگار هزار ناگفته در آن موج می‌زند. به‌جای پدر از خواهر شهید، خانم مهرانی می‌خواهم تا از برادر شهیدش برایم بگوید؛ خواهری که پنج سال از عبدالجواد کوچک‌تر است و حالا روایتگر خاطرات برادری شده که سایه‌اش هنوز بر دیوارهای این خانه جاری است. از کودکی‌ها می‌گوید، از زیرکی‌ها و مهربانی‌ها، از روزهایی که باهم بزرگ شدند. گاهی مکث می‌کند؛ انگار خاطره‌ای در گوشه ذهنش جامانده باشد. رو به پدر می‌کند و می‌پرسد: «بابا، یادتان هست...؟» و پدر، باهمان شنوایی کم‌جان اما حافظه‌ای سرشار از تصویر، جمله‌ای کوتاه می‌گوید تا رشته خاطره دوباره به هم وصل شود.

در این خانه، زمان ایستاده است؛ میان قاب عکس‌ها، میان سکوت پدری که کمتر می‌شنود؛ اما خوب به یاد دارد و خواهری که هرچه در خاطر دارد یکی یکی روایت می‌کند.

از کودکی بسیار مؤدب بود

نامش عبدالجواد بود؛ ولی در خانه جواد صدایش می‌کردیم. او فرزند دوم خانواده بود و بیست و پنجم فروردین سال ۱۳۳۷ به دنیا آمد. پدرمان کارمند اداره مخابرات بود و مادرم خانم حجازی و نوه آیت‌الله حاج سید فضل‌الله حجازی.

از کودکی بسیار مؤدب بود و به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاشت. در مساجد و مجالس مذهبی و دسته‌های سینه‌زنی سیدالشهدا (ع) شرکت می‌کرد.

در هنرستان فنی، دیپلم برق گرفت

او از شش‌سالگی به دبستان رفت و تحصیلات

ابتدایی را با موفقیت به پایان رساند. بعد از گرفتن سیکل به کلاس اول متوسطه رفت. (نام مدرسه را از پدری می‌پرسد و پدر با گرمای کلامش جواب می‌دهد؛ دبیرستان سعدی درس خواند و در هنرستان فنی شماره ۲ در رشته برق ادامه داد.) او خیلی درس خوان بود و با موفقیت و نمرات عالی توانست دیپلمش را بگیرد.

دبیری فنی خواند و به معلمی مشغول شد

برای ادامه تحصیل کنکور داد و با وجود استعداد و توان خوبی که داشت و می‌توانست در رشته‌های بالاتری قبول شود؛ ولی به خاطر علاقه به رشته‌های فنی، برای دبیری فنی و حرفه‌ای در کنکور سراسری شرکت کرد و در همین رشته فارغ‌التحصیل و به شغل معلمی مشغول شد.

بیشتر مشکلات را با روحیه شوخ‌طبعی اش حل می‌کرد

خیلی مهربان و شوخ‌طبع بود و بیشتر مشکلات را با همین روحیه‌اش پشت سر می‌گذاشت. دلش نمی‌آمد اشک کسی را ببیند؛ وقتی من از چیزی ناراحت بودم سعی می‌کرد با شوخی و خنده من را آرام کند. علاقه زیادی به کتاب داشت و بیشتر هدیه‌هایی که به دیگران می‌داد کتاب بود. من هنوز تعدادی از کتاب‌هایی که برایم هدیه آورده بودم دارم. آن زمان کتاب‌هایی در کتابخانه مدارس بود که محتوای مناسبی نداشت؛ وقتی من کتابی را از مدرسه می‌گرفتم و می‌دید مناسب نیست، کتاب دیگری به من هدیه می‌کرد و می‌گفت این کتاب را به جای آن بخوان. در مراسم عروسی خواهرم نیز در آخر

عروسی، به همه مهمان‌ها کتاب هدیه داد.

نقشه زیرکانه‌اش از اخراج شدن نجاتم داد

همیشه پشتیبانم بود و در مشکلات کمکم می‌کرد. مدرسه ما انتخاب شده بود که دانش‌آموزانش را برای یکی از جشن‌های آن زمان ببرد. محیط خوبی نداشت. پسر و دختر باید با هم به شکل گل می‌شدند و طرح‌های مختلفی می‌ساختند. عبدالجواد نگذاشت من بروم. مدیرمان گفته بود اگر کسی بدون دلیل موجه نیاید، از مدرسه اخراج می‌شود و در پرونده‌اش مهر اخراج می‌خورد.

خودم هم نمی‌خواستم بروم؛ ولی از اینکه اخراج شوم ناراحت و نگران بودم. بعد از یک ماه و نیم که مدرسه نرفتم، برادرم من و مادرم را به مطب یک دکتر برد. از قبل هماهنگ کرده بود که دکتر به من بگوید روماتیسم قلبی دارم و تا چند روز دیگر بیشتر زنده نیستم. همراه مادرم به مدرسه رفتم. وقتی مدیر مدرسه پرسید چرا به مدرسه نیامدی، من که از همه جا بی‌خبر بودم زدم زیر گریه و گفتم مریض بودم و مادرم صحبت‌های دکتر را به مدیر گفتم. مدیر هم که حال و روز من را دید باورش شد

و گفت پیش برادر پزشکش بروم. خلاصه برادرش گفت تشخیص آن دکتر اشتباه بوده و من توانستم با این نقشه زیرکانه برادرم دوباره به مدرسه بروم و از اخراج شدن نجات پیدا کنم.

مراقب حرف زدنش بود

بسیار مراقب صحبت‌کردنش بود و اصلا اهل غیبت‌کردن و تهمت‌زدن نبود. در قسمتی از وصیت‌نامه‌اش هم نوشته بود که تا می‌توانی اصلا حرف نزن و روزه سکوت بگیر. نذر کن حرف نزنی؛ مگر به قدر ضرورت، زیانت را کنترل کن؛ اگر رها کنی، به غیبت و تهمت، دروغ و تملق و امثالهم آلوده می‌شود. جلوی هوای نفس را باید بگیری که به هر راهی که می‌خواهد تو را نکشد و هر چه را می‌بینی نخواب و آرزوهای بیهوده نداشته باش.

همه چیز را برای خدا بخواب و هر کاری انجام می‌دهی برای خدا و به یاد خدا انجام بده که اگر به این صورت عمل کنی مسلما پیروز خواهی شد.

نماز اول وقت برایش ملکه شده بود

او اهل نماز شب و عبادت‌های شبانه بود و



زیاد روزه می‌گرفت. معمولاً روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه بود و نماز اول وقت برایش ملکه شده بود. او به جوانان و نوجوانان قرآن آموزش می‌داد و سبک نو و تازه‌ای در تدریسش داشت. کلاس‌های آموزشی عقیدتی و تقویتی نیز برای مقطع دبیرستان و راهنمایی راه‌اندازی کرد.

به خاطر فعالیت‌های انقلابی زندانی شد

قبل از انقلاب در مبارزه با رژیم شاهنشاهی بسیار فعال بود. او به همراه شهید محسن مهاجر، مواد انفجاری می‌ساختند و نیروهای مسلح رژیم را از پا انداخته بودند.

جواد به خاطر فعالیت‌های ضد رژیم شاهنشاهی به زندان افتاد. وقتی رئیس دادگاه نظامی از او خواسته بود تا تعهد دهد که دیگر علیه رژیم اقدامی نکند، او زیر بار نرفته و ماندن در زندان شهربانی را به آزادی با این تعهد ترجیح داده بود. در روزهای مانده به پیروزی انقلاب اسلامی از زندان آزاد شد.

سال ۱۳۶۰ از ناحیه پهلو و شکم مجروح شد



شد

بعد از پیروزی انقلاب وارد بسیج شد و مسئولیت بسیج منطقه ۸ و ۴۸ مسجد زیر پوشش آن را بر عهده گرفت. با شروع جنگ از آموزش و پرورش استعفا داد و به جبهه رفت. اواخر سال ۱۳۶۰ بر اثر ترکش خمپاره به پهلو و شکم، پزشکان مجبور شدند قسمتی از روده بزرگ و کوچکش را

قطع کنند. او در بیمارستان بانک ملی تهران بستری شد. با اینکه هنوز بهبودی کامل پیدا نکرده بود دوباره به جبهه بازگشت.

در مرحله سوم عملیات بیت المقدس به شهادت رسید

یکی از اقوامان به تازگی به شهادت رسیده بود. خیلی از شهادتش ناراحت شد و می‌گفت

او مدت کمی در جبهه بود و شهید شد. من این همه مدت در جبهه بودم و هنوز شهید نشده‌ام. مادرم اصرار می‌کرد ازدواج کند. به مادرم گفتم که این بار هم در این عملیات شرکت می‌کنم. اگر سالم برگشتم و شهید نشدم ازدواج می‌کنم. مرحله سوم عملیات بیت المقدس بود که به جبهه رفت. عملیات که شروع شده بود، ساعت ۱۰:۳۰ بامداد با اصابت تیر دشمن به کتفش برای بار دیگر مجروح شده بود. او را به سنگر تانک برده بودند تا از آنجا به بیمارستان منتقلش کنند که خمپاره‌ای به شکم و سینه او اصابت کرده و در ساعت ۲:۱۵ دقیقه بامداد دوم خرداد سال ۱۳۶۱ به شهادت رسیده بود.

او در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «از شما می‌خواهم سنگر مسجد و مدرسه را به هیچ وجه ترک نکنید. محکم و استوار همچون کوه استقامت کنید و در تربیت کردن خواهران و برادران کوشا باشید و به قول امام عزیزمان که فرموده تمام این کارها مقدمه انسان‌سازی است، شما هم تلاش کنید و جهاد اکبر را هرچه زودتر پشت سر بگذارید.»

سه دهه زندگی با گیاهان دارویی

گفت‌وگو با حسین شیخ سجادیه، پزشک فعال طب سنتی

همراهی مدرک دانشگاهی در حوزه

طب سنتی و تجربه کافی

شیخ سجادیه اظهار می‌کند: «در گذشته افراد علاقه‌مند به طب سنتی در حوزه علمیه، قانون بوعلی سینا را مطالعه می‌کردند و طبیب می‌شدند؛ ولی امروزه اخذ مدرک دانشگاهی در این حوزه بسیار مهم است و شرایط برای جوانان فراهم شده. جوانانی که علاقه‌مند به تحصیل در رشته طب سنتی هستند، باید بدانند برای موفقیت در این رشته، علاوه برداشتن علاقه و ذوق زیاد به یادگیری طب سنتی، باید در دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده طب سنتی، تحصیل کنند. باید دانش و اطلاعات کافی را کسب کرده و بعد از اخذ مدرک در این رشته، قانون بوعلی سینا و شیخ رازی را هم به خوبی مطالعه کنند. هنگام کار و فعالیت، پیوسته در حال آموزش و یادگیری مطالب از مکان‌های مختلف باشند تا بتوانند به‌طور رسمی در مطب به مردم خدمت کنند. جوانان علاقه‌مند به طب سنتی باید سعی کنند سطح اطلاعات خود را در این رشته افزایش دهند و داشتن دانش کافی و علاقه و ذوق افراد به این رشته تخصصی، موجب موفقیت آن‌ها خواهد شد.»

او در خصوص مشکلات محله و انتظار شهروندان از شهرداری برای کاهش مسائل می‌گوید: «معمولاً یکی از مشکلات این محله گودبرداری‌هایی است که توسط شهرداری منطقه انجام می‌گیرد و خیلی مواقع این گودبرداری‌ها رها شده و اقدامی برای پرکردن سریع گودال‌ها و آسفالت‌کوبه‌ها و خیابان‌انجام نمی‌گیرد. روزهای متوالی اهالی محله و خودروها برای تردد در محدوده‌هایی که گودبرداری شده، مشکل دارند و معمولاً خودروها دچار استهلاک می‌شوند. تقاضا داریم که شهرداری منطقه به این مسئله توجه کند تا روند آن در محله طولانی نشود و اقدام سریع برای پر کردن گودال‌ها داشته باشد تا سرشین‌های خودروها و اهالی محله برای تردد روزمره دچار چالش نشوند.»



درمان به تغذیه افراد بستگی دارد.»

این پزشک طب سنتی خاطرنشان می‌کند: «یعنی افراد زمانی که در سلامتی کامل هستند، باید به فکر تغذیه سالم و مناسب باشند. زمانی هم که بیمار می‌شوند باید به این موضوع توجه ویژه کرده و به اصول غذایی آگاه باشند و مزاج‌شناسی را هم بشناسند تا بتوانند به سلامتی کامل بازگشته و زندگی عادی داشته باشند. این اتفاق، موضوع بسیار مهمی است که بزرگان طب سنتی مانند شیخ رازی و شیخ بوعلی سینا به آن اشاره داشته‌اند و می‌گویند که "غذای ما دوی ماست و دوی ما غذای ماست؛ یعنی همین غذایی که اکنون ما می‌خوریم، دوی ماست. اگر این نکته را به خوبی بدانیم، می‌توانیم به سلامتی دست یابیم و از بیماری دور باشیم.»

او معتقد است که اگر کسی بخواهد در طب سنتی به خوبی به بیماران خدمت و موفق عمل کند، باید انواع غذاهای مناسب برای بیماران را بشناسد، اطلاعات قوی در این زمینه کسب کند، به مزاج‌شناسی بیماران آگاه باشد و بیماری را بزرگوار کند. به مزاج‌شناسی بیماران آگاه باشد و بیماری را بزرگوار کند. به مزاج‌شناسی بیماران آگاه باشد و بیماری را بزرگوار کند. به مزاج‌شناسی بیماران آگاه باشد و بیماری را بزرگوار کند.

ترکیب داروهای گیاهی، در این زمینه به فعالیت مشغول شدم و تقریباً سی سال می‌شود که در حوزه طب سنتی در حال فعالیت هستم و به بیماران ارائه خدمت می‌کنم.»

فعالیت در نقاط متفاوت اصفهان و ارائه خدمت به مردم

شیخ سجادیه متولد خیابان مدرس و ابن‌سینا است و بعد از انقلاب و زمانی که فارغ‌التحصیل شد، سال‌ها در محل زندگی‌اش مطب داشت و در نقاط مختلف اصفهان به مردم خدمت کرده است.

او عنوان می‌کند: «اگر یک پزشک حاذق در حوزه طب سنتی بخواهد بهترین درمان را به بیماران ارائه دهد، باید از مهارت‌ها و ویژگی‌های لازم برخوردار باشد. در حوزه طب سنتی بیشتر باید پزشک در زمینه تغذیه اطلاعات داشته باشد. در حال حاضر بیشتر بیماران که به مطب مراجعه می‌کنند، خواهان تجویز دارو هستند و به بنده می‌گویند که برای آن‌ها دارو بنویسم. به نظرم این روند صحیح نیست. اطلاعات پزشکان هم درباره دارو است و در زمان تحصیل در رشته پزشکی، بیشتر به ما استفاده از دارودرمانی را آموزش داده‌اند؛ این در حالی است که اصل

حسین شیخ سجادیه، متولد سال ۱۳۴۴، از اهالی محله بابلدشت و فارغ‌التحصیل رشته پزشکی از دانشگاه اصفهان است که پس از گذراندن دوره هفت‌ساله پزشکی عمومی به حوزه طب سنتی علاقه‌مند شد و سعی کرد در این زمینه اطلاعات لازم را به دست بیاورد و به فعالیت مداوم در این حرفه مشغول شده و تقریباً سی سال است که در حوزه طب سنتی در نقاط متفاوت اصفهان به آحاد مردم جامعه ارائه خدمت می‌کند.

اخذ مدرک پزشکی عمومی و علاقه‌مندی به طب سنتی

او درباره نحوه ورودش به فعالیت در حوزه طب سنتی به «هم‌محله» می‌گوید: «سال ۱۳۷۶ از دانشگاه علوم پزشکی با مدرک پزشکی عمومی، فارغ‌التحصیل شدم. در دوران تحصیل با مطالعه آثار خوبی در حوزه طب سنتی، به این حوزه علاقه‌مند شدم و سعی کردم در حرفه عطاری و با ترکیب داروهای گیاهی کسب تجربه کنم و با مطالعه زیاد در این زمینه، مطالب بیشتری یاد بگیرم. با توجه به اینکه آن زمان دانشکده طب سنتی برای تحصیل پزشکان وجود نداشت و به‌مرورزمان در سال‌های اخیر این رشته در دانشگاه اضافه شد، دانشکده‌های طب سنتی هم فعالیت پیدا کردند و فارغ‌التحصیلان پزشکی عمومی می‌توانستند وارد این رشته شوند. من به‌طور عملی این کار را آموختم. یعنی در زمان فارغ‌التحصیلی این شرایط فراهم نبود؛ به همین دلیل سعی کردم به‌طور عملی و تجربی این کار را در کنار افراد باتجربه در عطاری‌ها بیاموزم و در مکان‌های متفاوت در این زمینه آموزش ببینم و پیگیر کسب اطلاعات جدید در حوزه طب سنتی بودم.»

این پزشک فعال طب سنتی ادامه می‌دهد: «بنده با مطالعه کتاب‌های بزرگان طب سنتی، شیخ رازی و شیخ بوعلی سینا، در طول سالیان متوالی تلاش کردم به‌طور عملی این کار را یاد بگیرم و کسب تجربه انجام دهم. به روش سنتی، با روش تغذیه و اصلاح سبک زندگی و



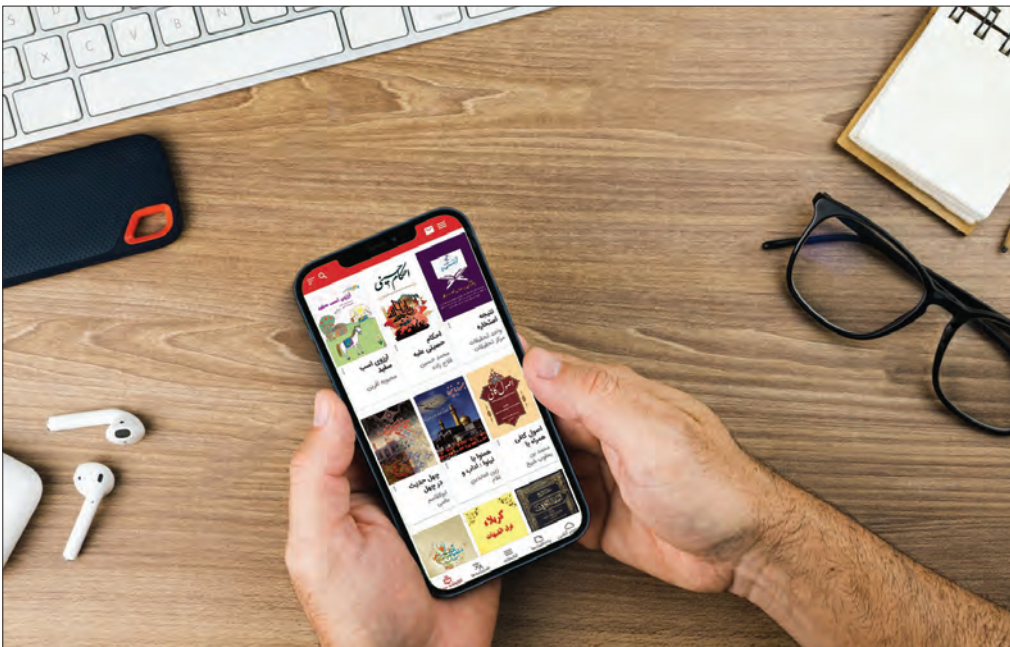
اکرم کیانی



زهره سادات طالبانی

قصه یک خیریه دیجیتالی

گزارشی از موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان که مسیر متفاوتی را طی کرده است



در روزگاری که بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و خیریه همچنان درگیر دیوارهای کاغذ، قفسه‌ها و کمک‌های معیشتی سنتی‌اند، مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان مسیر متفاوتی را برگزیده است؛ مسیری که از دل یک حرکت مردمی آغاز شد و امروز به یکی از گسترده‌ترین پروژه‌های نشر دیجیتال معارف اهل بیت علیهم السلام در جهان تبدیل شده است.

مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان با تمرکز بر فضای مجازی و فناوری‌های نوین، الگویی تازه از «خیریه فرهنگی دیجیتال» ارائه کرده؛ الگویی که به جای توزیع صرف کمک‌های مادی، دانایی را به صورت رایگان (new.ghbook.ir) و فراگیر در اختیار مخاطبان جهانی قرار می‌دهد.

از یک ایده مردمی تا کتابخانه‌ای جهانی

حسین غزالی اصفهانی، مدیر محتوا و مسئول روابط عمومی مؤسسه، در گفت‌وگو با «هم‌محل» از سال‌هایی سخن می‌گوید که ایده «خیریه در فضای مجازی» برای بسیاری ناآشنا بود.

او می‌گوید: «از ابتدا می‌دانستیم آینده فرهنگ در بستر دیجیتال رقم می‌خورد. اگر قرار است معارف اهل بیت علیهم السلام جهانی شود، باید در دسترس‌ترین و کم‌هزینه‌ترین بستر را انتخاب کنیم.»

مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان به‌عنوان نخستین کتابخانه دیجیتال مبتنی بر تلفن همراه در ایران شناخته می‌شود؛ مجموعه‌ای که تمامی آثار خود را به صورت کامل رایگان منتشر می‌کند. امروز بیش از ۲۴ هزار جلد کتاب در هشت زبان زنده دنیا در این سامانه بارگذاری شده و کاربران از سراسر جهان به‌طور رایگان به آن دسترسی دارند.

غزالی با اشاره به گستره فعالیت‌ها توضیح می‌دهد: «تا امروز بیش از ۱۳ میلیون و ۵۱۰ هزار صفحه در قالب ۲۰ هزار و ۸۲۳ عنوان کتاب تایپ، ویرایش، اعراب‌گذاری و کدگذاری شده و در وبسایت و برنامه‌های مؤسسه در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.»

آمار فراتر از مرزها

آمار دناودها نشان می‌دهد این حرکت مردمی تا چه اندازه فراتر از جغرافیا رفته است. از سال ۱۳۹۷ تا بهمن ۱۴۰۴، بیش از ۱۰۵ میلیون و ۵۴۱ هزار جلد کتاب از ۲۰۰ کشور و بیش از ۲۲ هزار شهر جهان دانلود شده؛ ارقامی چشمگیر برای یک مجموعه غیرانتفاعی و مردمی.

در همین راستا، حضور مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان در دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان) و مشارکت فعال در بزرگ‌ترین رویداد هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال کشور، بازتابی از نقش جدی این مجموعه در زیست‌بوم علمی و

فناوری کشور بود.

خیریه‌ای با مدل اقتصادی نوین

یکی از وجوه تمایز مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، مدل تأمین مالی آن است. فعالیت‌های مؤسسه کاملاً مردمی بوده و از محل کمک‌های نقدی و غیرنقدی، نذورات، وقف ملک و ساختمان، اختصاص ثلث اموال و سهم مبارک امام علیه السلام تأمین می‌شود.

بالبین حال، آنچه بازار کتاب قائمیه را به الگویی نو در حوزه خیریه دیجیتال تبدیل کرده، پیوند میان کار فرهنگی و توانمندسازی اقتصادی است.

غزالی در این باره می‌گوید: «با برخی خیریه‌ها قرارداد داریم و به جای کمک‌های مقطعی معیشتی، برای افراد تحت پوشش، کار فرهنگی درآمدزا تعریف می‌کنیم. متن‌های اسکن شده کتاب‌ها در اختیارشان قرار می‌گیرد، آن‌ها اصلاح می‌کنند و خیریه به‌ازای هر صفحه، حق‌الزحمه پرداخت می‌کند.»

این مدل، هم‌زمان چند هدف را محقق می‌کند: ایجاد اشتغال خانگی، ارتقای سطح فرهنگی و مشارکت فعال در نشر دیجیتال آثار مکتوب دینی.

به گفته غزالی، افزون بر این، گروهی از دانشجویان، طلاب و محققان نیز به صورت افتخاری با مؤسسه همکاری دارند.

پلتفرمی فراتر از یک کتابخانه

مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان تنها یک آرشیو کتاب نیست؛ بلکه بستری پژوهشی محسوب می‌شود. در نسخه اندروید این کتابخانه، بیش از ۱۱۰ امکان پژوهشی پیش‌بینی شده و حتی بیش از ۷۰۰ هزار جلد کتاب (چاپی، خطی، سنگی و سربی) دیگر هم در دست اقدام است که

بسیاری از نیازهای محققان را بدون استفاده از رایانه برطرف می‌کند.

نمایش هم‌زمان تصویر صفحه چاپی کتاب در کنار متن دیجیتال، امکان جمع‌بندی ۱۱۰ جلد کتاب در یک فرمت واحد و دسترسی به مجموعه‌هایی چون «بحار الانوار» همراه با ترجمه، از جمله قابلیت‌های شاخص این پلتفرم است. حتی نسخه‌های خطی دیجیتال شده نیز در این کتابخانه دیجیتال در دسترس قرار دارند.

هشت زبان، یک پیام

فعالیت مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان به زبان فارسی محدود نمانده و تاکنون آثار آن به زبان‌های عربی، انگلیسی، چینی، اندونزیایی، آذری، اردو و فرانسوی نیز منتشر شده است.

زیرساخت فنی برای توسعه زبان‌های بیشتر نیز فراهم شده و هر کتاب در بیش از هشت فرمت جهانی ارائه می‌شود تا هیچ کاربری به دلیل محدودیت فنی از دسترسی محروم نماند. غزالی می‌گوید: «هدف ما رساندن معارف اهل بیت علیهم السلام به همه دنیاست. وقتی می‌بینیم کاربران از شرق آسیا تا اروپا کتاب‌ها را دانلود می‌کنند، مطمئن می‌شویم مسیر درستی را انتخاب کرده‌ایم.»

از انیمیشن تا آموزش مجازی

فعالیت‌های مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان تنها به نشر کتاب محدود نمی‌شود. چاپ و نشر کتاب و ماهنامه، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی، تولید نمایشگاه‌های مجازی سه‌بعدی، انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای، طراحی سامانه‌های رسانه‌ای و پاسخ‌گویی به پرسش‌های شرعی و اعتقادی و برگزاری دوره‌های آموزشی مجازی، بخشی از این گستره متنوع است.

دعوت به مشارکت در یک حرکت جهانی

با وجود توسعه فعالیت‌ها، تأمین زیرساخت‌های فنی همچنان یکی از چالش‌های مؤسسه است. غزالی می‌گوید: «برای تأمین سرور، تجهیزات پردازشی و هارد، به حمایت خیران نیاز داریم. هر توسعه فنی، به معنای افزایش سرعت و کیفیت خدمت‌رسانی به کاربران سراسر جهان است.»

او در پایان تأکید می‌کند: «این مؤسسه یک پروژه صرفاً سازمانی نیست؛ بلکه حرکتی مردمی است که با مشارکت نیکوکاران ادامه پیدا می‌کند.»

روایت مؤسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، روایت پیوند ایمان، فناوری و مشارکت مردمی است؛ الگویی نو از خیریه‌ای که به جای توزیع کمک‌های موقت، دانایی را رایگان در اختیار جهان قرار می‌دهد. شاید کتابخانه‌ای که امروز در تلفن همراه میلیون‌ها کاربر از فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف جا گرفته، ماندگارترین شکل خدمت فرهنگی در عصر دیجیتال باشد.

زمانی نیاز این بود که مردم ایران و به‌خصوص خیران شهر اصفهان برای مسجدسازی، بیمارستان‌سازی و مسجدسازی همه پای کار بیایند؛ ولی الان باید همه پای کار تولید و حمایت از محتوای فرهنگی در فضای مجازی بیایند تا این فضای مجازی را برای فرزندانمان پاک نگه داریم.

الان فرقه‌های مختلف با میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری در انواع پلتفرم‌ها و هوش مصنوعی برای نوجوانان و جوانان خوراک فکری آماده می‌کنند تا اعتقادات و فرهنگ آنان را تغییر دهند؛ بنابراین رسالت همه ما سنگین‌تر است و باید همه پای کار بیاییم و از تولید محتوای جذاب و تأثیرگذار و پاک در فضای مجازی حمایت و یاری کنیم.



مریم نقیان

مسجدی که دوباره نفس می‌کشد

روایت احیای پایگاه بسیج و کانون فرهنگی حضرت صاحب‌الزمان (عج) در بابلدشت اصفهان



تا همین چندسال پیش، مسجد حضرت صاحب‌الزمان(عج) در محله بابلدشت اصفهان، بیشتر شبیه ساختمانی خاموش بود تا یک مرکز اجتماعی زنده. رفت‌وآمد کم، برنامه‌های محدود و نبود یک جریان مستمر فرهنگی، این مسجد را به فضایی نیمه راکت تبدیل کرده بود. اما امروز، به گفته اهالی محل، این مسجد به یکی از پویاترین نقاط محله بدل شده است؛ جایی که از برنامه‌های مذهبی و فرهنگی تا فعالیت‌های جهادی و خیریه، همه در آن جریان دارد. احیای این فضا، نتیجه یک کار تدریجی، محله‌محور و مبتنی بر اعتماد مردمی است.

شروع یک تغییر آرام

احسان عرب، فرمانده پایگاه بسیج حضرت صاحب‌الزمان(عج) و مسئول کانون فرهنگی مسجد، از نقطه آغاز این تحول می‌گوید: «حدود سه سال پیش، پایگاه عملاً در وضعیت رکود قرار داشت. سال گذشته، با واگذاری رسمی پایگاه از سوی حوزه هشت، مسئولیت به ما سپرده شد و تصمیم گرفتیم با کمک نیروهای محله و دوستانی که سال‌ها روی آن‌ها کار فرهنگی شده بود، پایگاه را از نو سامان بدهیم.»

به گفته او، نخستین اقدام، تشکیل شورای پایگاه بود؛ شورایی متشکل از نیروهای جوان و فعال که هرکدام مسئولیت مشخصی بر عهده گرفتند. هم‌زمان، کانون فرهنگی مسجد که از سال ۱۳۹۱ تأسیس شده؛ اما مدتی طولانی غیرفعال بود، دوباره راه‌اندازی شد تا امور فرهنگی مسجد در یک چارچوب منسجم پیگیری شود.

مسجد بدون هیئت نمی‌ماند

یکی از خلأهای اصلی مسجد، نداشتن هیئت مذهبی ثابت بود. عرب در این باره توضیح می‌دهد: «مسجد هیئت مستقر نداشت. ما هیئت روضه‌الحسین(ع) را دعوت کردیم و حدود یک سال است که به‌صورت ثابت در مسجد فعالیت می‌کنند.»

این هیئت، برنامه‌های منظم هفتگی و مناسبتی دارد؛ از جلسات زیارت عاشورا، قرائت قرآن و ادعیه گرفته تا سخنرانی و مداحی در ایام محرم، صفر، فاطمیه و اعیاد مذهبی.

حضور این هیئت، دامنه مخاطبان مسجد را فراتر از محله برده است. به گفته مسئولان مسجد، امروز علاوه بر اهالی بابلدشت، مستمعانی از دیگر نقاط اصفهان نیز در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند.

خیریه‌ای برای همین محله

در کنار هیئت، یک خیریه محلی نیز

مغرب پیش‌بینی شده و شب‌ها نیز جلسات مناجات‌خوانی برگزار می‌شود. جشن ولادت امام حسن مجتبی(ع)، برنامه‌های لیالی قدر، مراسم عید فطر و افطاری‌های مردمی با عنوان «مهمان امام حسن(ع)» از دیگر برنامه‌های این ماه است.

در طول سال نیز کلاس‌ها و کارگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های اردویی، فعالیت‌های خیریه و برنامه‌های کانون رضوی و پایگاه بسیج، به‌صورت مستمر اجرا می‌شود.

کمبود امکانات؛ چالش همیشگی

با وجود این پویایی، مسجد و پایگاه همچنان با کمبود امکانات روبه‌رو هستند.

عرب می‌گوید: «برای تأمین امکانات، به شهرداری منطقه، حوزه مقاومت، امور مساجد و سازمان تبلیغات مراجعه کردیم؛ اما اغلب با پاسخ کمبود بودجه مواجه شدیم؛ حتی برای نوسازی قرآن‌های مسجد.»

او تأکید می‌کند که این کمبودها، سرعت توسعه فعالیت‌ها را کاهش داده، اما مانع ادامه مسیر نشده است.

مسجد؛ قلب تپنده محله

آنچه امروز در مسجد حضرت صاحب‌الزمان(عج) دیده می‌شود، فراتر از یک پایگاه بسیج یا یک مکان عبادی است. این مسجد، به تدریج در حال تبدیل شدن به قلب تپنده محله بابلدشت است؛ جایی برای عبادت، آموزش، همدلی و خدمت.

روایتی که نشان می‌دهد احیای محله گاهی از یک مسجد شروع می‌شود؛ اگر به مردم اعتماد کنند و به جوان‌ها میدان داده شود.

خدمت‌رسانی مسجد را تشکیل می‌دهد.

از مسجد نیمه‌راکد تا پایگاه محله

مسجد حضرت صاحب‌الزمان(عج) در خیابان مدرس قدیم، محدوده بابلدشت و حوالی خیابان استاد رضا عباسی قرار دارد؛ منطقه‌ای که به گفته اهالی، سال‌ها از کم‌تحرکی این مسجد رنج می‌برد.

فرمانده پایگاه با اشاره به این تغییر می‌گوید: «خود مسجد تقریباً نیمه‌راکد بود. با ورود نیروهای جوان، ایده‌های تازه و استقرار هیئت، فضا کاملاً تغییر کرد. امروز، به گفته خود مردم محل، مسجد پویا، سرزنده و زنده شده است.»

برنامه‌ریزی تقویم‌محور

فعالیت‌های مسجد و پایگاه، محدود به مناسبت‌های مقطعی نیست. عرب توضیح می‌دهد که برنامه‌ها به‌صورت ماهانه و تقویم‌محور طراحی می‌شوند. برای ماه مبارک رمضان، برنامه «هر روز یک جزء قرآن» از ساعت ۵ عصر تا نماز

فعالیت می‌کند؛ خیریه‌ای که تمرکز اصلی آن بر کمک‌رسانی به نیازمندان همین محله است.

عرب می‌گوید: «این خیریه پیش‌تر هم فعال بود؛ اما حالا فعالیت‌هایش متمرکز شده روی بابلدشت و تمام برنامه‌ها در همین مسجد و پایگاه انجام می‌شود. این تمرکز محله‌ای، باعث شده کمک‌ها هدفمندتر و اعتماد مردم بیشتر شود؛ موضوعی که در موفقیت بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی مسجد نقش داشته است.»

حضور خادمان رضوی

در باب‌الدشت

یکی دیگر از ظرفیت‌هایی که به مسجد افزوده شده، استقرار «کانون خدمت رضوی» است. این کانون، با دعوت مجموعه مسجد و هیئت، فعالیت خود را در این مکان آغاز کرده و در حوزه جذب خادم، خادم‌یار و یاور رضوی فعالیت دارد.

خدمات این کانون، به نیت امام‌رضا(ع) و در طول سال انجام می‌شود و به گفته عرب، بخشی از شبکه گسترده





مریم نقیان

پناهگاه اجتماعی یک محله

گفت و گو با سید محمدرضا هاشم زاده، امام جماعت مسجد صاحب الزمان (عج) درباره کارکردها و چالش های مسجد



مسجد هنوز هم در یافت های قدیمی شهر، فقط محل اقامه نماز نیست؛ قلب تپنده محله است. جایی برای گفت و گو، همدلی، حل اختلاف، فعالیت فرهنگی و گاهی آخرین پناه مردم در روزگار سخت. در محله بابلدشت اصفهان، مسجدی قرار دارد که چندین سال از عمر آن می‌گذرد و همچنان تلاش می‌کند این نقش تاریخی را حفظ کند؛ مسجد صاحب الزمان (عج). این مسجد در چهارراه بابلدشت و ابتدای خیابان عباسی واقع شده است؛ مسجدی که به گفته امام جماعت آن، نه تنها بخشی از هویت محله، بلکه بخشی از حافظه تاریخی مردم این منطقه به شمار می‌آید. حجت الاسلام سید محمدرضا هاشم زاده، امام جماعت مسجد صاحب الزمان (عج)، بیش از چهار دهه است که با این مسجد و مردمش زندگی کرده. او متولد سال ۱۳۳۹ است و از سال های ۵۴ و ۵۵ وارد حوزه علمیه شده. تحصیلات حوزوی خود را در اصفهان و قم، حتی در سطح خارج، ادامه داده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی بهره برده است.

هاشم زاده علاوه بر فعالیت های حوزوی، سابقه تدریس در حوزه و دانشگاه، تألیف حدود ۵۰ جلد کتاب (که ۱۰ تا ۱۵ عنوان آن به چاپ رسیده) و سال ها حضور مستمر در عرصه آموزش و فرهنگ را در کارنامه خود دارد. او نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ سال است که در حوزه علمیه فعالیت می‌کند و حدود ۴۰ سال به طور مستقیم در این مسجد حضور دارد.

مسجدی ریشه دار با سابقه ای بیش از یک قرن

به گفته امام جماعت مسجد، سابقه مسجد صاحب الزمان (عج) به بیش از ۵۰ سال پیش بازمی‌گردد؛ مسجدی که پیش از انقلاب نیز فعال بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به یکی از پایگاه های مهم فرهنگی، مذهبی و انقلابی محله تبدیل شده است. این مسجد بیش از ۱۰۰ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده و چهره های شناخته شده ای در سال های مختلف در آن نقش آفرینی داشته اند؛ از فرهنگیان و مدیران آموزش و پرورش گرفته تا فعالان هیئتی و بسیجی.

سه وعده نماز جماعت و فعالیت مستمر

امروز مسجد صاحب الزمان (عج) یکی از معدود مساجد محله است که سه وعده نماز جماعت در آن اقامه می‌شود؛ نماز صبح با امامت حجت الاسلام غزالی، نماز ظهر با امامت

ندارد؛ اما به گفته هاشم زاده، در موارد اورژانسی و با جمع آوری صدقات، به نیازمندان و مستمندان محله کمک می‌شود. مسجد همچنین در حل اختلافات خانوادگی و محلی نقش میانجی گرانه ایفا می‌کند؛ نقشی که همچنان از اعتماد مردم به این نهاد مذهبی حکایت دارد.

چالش اصلی؛ بودجه و اوقاف

اما پشت این فعالیت ها، مشکلات جدی نهفته است؛ مهم ترین آن ها بحران بودجه، مسجد صاحب الزمان (عج) دارای چهار باب مغازه اوقافی دوطبقه است؛ مغازه هایی که به گفته امام جماعت، اگر به درستی مدیریت می‌شدند، می‌توانستند ماهانه ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان برای مسجد درآمد داشته باشند.

با این حال، طبق قراردادهای قدیمی و مدیریت اوقاف، مجموع دریافتی مسجد از این مغازه ها کمتر از یک میلیون تومان در ماه است؛ آن هم با تأخیرهای چندماهه، نامه نگاری های فرسایشی و کسر حدود ۲۰ درصد توسط اوقاف. هاشم زاده با گلایه می‌گوید: «با این وضعیت، مسجد حتی توان استخدام یک خادم را ندارد. ایاب و ذهاب روحانیون هم اغلب به صورت فی سبیل الله انجام می‌شود.»

به گفته امام جماعت مسجد، همکاری نهادهایی مانند امور مساجد، اوقاف و حتی برخی دستگاه های فرهنگی، بیشتر اداری و حداقلی

حجت الاسلام هاشم زاده و نماز مغرب و عشا با امامت حجت الاسلام امینی. مسجد حدود ۸۰۰ مترمربع فضا دارد و در مناسبت های مختلف، ظرفیت آن به طور کامل تکمیل می‌شود؛ به گونه ای که علاوه بر شبستان اصلی، فضای هیئت نیز مملو از جمعیت می‌شود.

پایگاه فرهنگی، بسیج و هیئت؛ تلاش برای جذب جوانان

یکی از ویژگی های مسجد صاحب الزمان (عج)، حضور فعال پایگاه بسیج و هیئت مذهبی در کنار برنامه های مسجدی است. به گفته امام جماعت، با حضور فرمانده جدید بسیج، فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مسجد رونق بیشتری گرفته و تلاش شده جوانان بیشتری جذب مسجد شوند. برگزاری جلسات سخنرانی در مناسبت های مذهبی و انقلابی، برنامه های قرآنی به ویژه در ماه مبارک رمضان (قرائت روزانه قرآن و ختم سی جزء برای خواهران و برادران)، مشاوره خانوادگی، حل اختلافات محلی و حتی حضور پزشک عمومی برای ویزیت دوره ای مردم از جمله فعالیت هایی است که در حد توان مسجد انجام می‌شود.

مسجد صاحب الزمان (عج)؛ پناهگاه اجتماعی محله

هرچند مسجد صاحب الزمان (عج) خیریه رسمی

است. در حالی که مساجد در تمام مقاطع انقلاب پای کار بوده اند، حمایت مالی و عملی متناسبی دریافت نکرده اند. او با مقایسه وضعیت ایران با برخی کشورهای اسلامی مانند ترکیه می‌گوید: «در بسیاری از کشورها، بودجه مشخصی برای مساجد در نظر گرفته شده؛ اما در اینجا، مساجد باید با حداقل امکانات، بار سنگین فرهنگی و اجتماعی را به دوش بکشند.»

از نگاه حجت الاسلام هاشم زاده، مسجد تراز انقلاب اسلامی باید به روز، مردمی، انقلابی و پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشد؛ مسجدی که بتواند جوانان را جذب کند، مسائل روز را مطرح کند و تنها به اقامه نماز محدود نشود. او تأکید می‌کند: «جذب جوان فقط وظیفه روحانی نیست؛ همه ارکان مسجد، هیئت، بسیج و مردم محل باید پای کار باشند.»

سنگری که هنوز ایستاده است

با همه این چالش ها، مسجد صاحب الزمان (عج) بابلدشت همچنان ایستاده است؛ مسجدی که نماز در آن اقامه می‌شود، جوانان در آن رفت و آمد دارند، مشکلات مردم در آن شنیده می‌شود و چراغش، هرچند کم سو، اما خاموش نشده است. مسجدی که اگر حمایت شود، می‌تواند دوباره به همان قلب تپنده محله تبدیل شود؛ نه فقط برای عبادت، که برای زندگی.





مهناز احمدی

اعتقاد دارم روزی رسان تنها خداست

گفت و گو با احمد صدیقی هنرمند قلمزن اهل بابلدشت



احمد صدیقی، هنرمند قلمزن زبردست ۷۴ ساله ساکن محله بابلدشت اصفهان است، کسی که آثار قلم‌زنی او در گوشه‌کنار دنیا در موزه‌ها و هتل‌های مجلل به چشم می‌خورد. او هنر قلم‌زنی را از ۱۲ سالگی آغاز کرد و در حال حاضر ۶۲ سال است که در همین حرفه کار می‌کند و به گفته خودش هنوز هم سعی دارد در تولید آثار خود خلاقیت به خرج دهد و شبیه به هیچ‌کس کار نکند.

روای انواع فلزات قلم‌زنی کرده‌ام

این هنرمند ارزنده طی گفت‌وگو با روزنامه اصفهان زیبا، ضمن بیان اینکه همیشه و در هر جا حضور خداوند را در کنارش احساس کرده است، گفت: ورود من به وادی هنر خواست خودم و یاری پروردگار بود و با تمام وجود اعتقاد دارم روزی رسان تنها خداست و شاه مطلق اوست و این مهم را در جای جای زندگی‌ام احساس کرده‌ام.

صدیقی ادامه داد: اگر انسان تلاش کند و توکلش تنها به خدا باشد، کساد بازاری برایش رخ نمی‌دهد؛ چنان‌که محصولات قلم‌زنی من از دیرباز تاکنون هرگز بدون مشتری نبوده است و همیشه تولیداتم طرف‌داران زیادی دارند.

او با اشاره به اینکه کار قلم‌زنی عشق، دقت و حوصله زیادی می‌طلبد، اذعان کرد: من روی همه نوع فلز قلم‌زنی کرده‌ام؛ حتی در گذشته که دستگاه‌های امروزی نبود، به درخواست کارخانه ذوب‌آهن روی ورق‌های بزرگ، جمله‌های هشداردهنده برای نصب روی ماشین‌های سنگین، قلم‌زنی می‌کردم؛ یا اینکه روی گلدان دوونیم‌متری سنگی قلم‌زنی کردم که هر گلدان حدود ۸۰ کیلوگرم وزن داشت.

بی‌رغبتی جوانان به آموختن هنرهای دستی

هنرمند قلم‌زن اصفهانی که به‌واقع یکی از هنرمندان بی‌نظیر و باعث افتخار شهر اصفهان است، با اشاره به اینکه در گذشته میدان برای هنرمندان و کسب

هر کاری باید به دست کاردان آن باشد

او ضمن اشاره به اینکه انجام هر کاری باید به دست کاردان آن باشد، توضیح داد: مسئولان در هر حوزه‌ای باید خودشان متخصص باشند تا بتوانند خوب مدیریت کنند؛ اما متأسفانه در حوزه هنرهای دستی در گذشته کسانی مسئولیت داشتند که از جزئیات برخی هنرها مانند قلم‌زنی آگاه نبودند و تصمیم‌هایی اتخاذ کردند که به ضرر هنرمندان و تولیدکنندگان تمام شد.

این هنرمند قلم‌زنی، ضمن ابراز ناخرسندی از عدم صادرات هنرهای دستی به سایر کشورها گفت: یکی از مهم‌ترین دلایل برای کساد بازاری هنرهای دستی نبودن صادرات است؛ زیرا مردم آن‌قدر گرفتار مشکلات معیشتی هستند که واقعا نمی‌توانند برای خرید محصولات دستی اقدام کنند و همه امید هنرمندان به فروش محصولاتشان از طریق صادرات بود که آن‌هم اخیرا انجام نمی‌شود و ممنوعیت دارد.

برخی برجسته‌کار هستند؛ مانند کسانی که ضریح امام‌رضاع (ع) را قلم‌زنی کرده‌اند؛ عده‌ای هم ریزه‌کار، بعضی درشت‌کار و من اغلب متوسط‌کار هستم؛ یعنی طرح‌هایی که کنده‌کاری می‌کنم و قلم می‌زنم، متوسط هستند. همیشه تمام تلاشم بر این است که کار تولیدی من شبیه هنرمند دیگری نباشد و خلاقیت موجود در آن، ایده خودم باشد.

هنرمند ۷۴ ساله اصفهانی بیان کرد: من تمام مدت مشغول کار هستم و منتظر سفارش مشتری نمی‌نشینم و با صبر و حوصله آثاری را خلق می‌کنم که مطمئن هستم به‌موقع کسی آن را با عشق و علاقه از من می‌خرد و به‌هیچ‌عنوان ضرر نمی‌کنم. صدیقی با تأکید بر اینکه امروزه کسی کنده‌کاری نمی‌کند، زیرا هنری بسیار پرزحمت و کم‌درآمد است، اظهار کرد: کنده‌کاری روی سنگ هنری بسیار شیرین، اما پرزحمت است که من آن را انجام می‌دهم؛ اما برای بسیاری انجام آن به‌صرفه نیست.

روزی از هنر آسان‌تر از اکنون بود، عنوان کرد: من در جوانی ۱۲ نفر هنرآموز داشتم و هرکدام بعدها توانستند کاروکاسی خودشان را راه بیندازند؛ اما در حال حاضر جوانان به علت سختی هنر قلم‌زنی و درآمد اندک آن، دلشان نمی‌خواهد به سمت این هنر بیایند و ترجیح می‌دهند حرفه‌ای آسان‌تر با درآمد بیشتر داشته باشند.

صدیقی ضمن بیان اینکه روی انواع فلزات قلم‌زنی کرده است، اظهار کرد: بنا بر عقیده شخصی خودم روی نقره قلم‌زنی نمی‌کنم و اغلب محصولات تولیدی من قلم‌زنی روی برنج و مس است؛ با طرح‌های گل‌وپتبه، لیلی و مجنون، شکارگاه و ایلیاد. بیشتر روی آینه و شمعدان کار می‌کنم و مشتریان زیادی هم دارم.

قلم‌زنی؛ هنری پرزحمت و کم‌درآمد

او افزود: هنرمندان قلم‌زن هرکدام از یک روش برای قلم‌زنی استفاده می‌کنند





مهناز احمدی

گوهرشناسان اندک اند

گفت و گو با محسن اشراقی گوهرتراش و خوشنویس

بقیه موارد است، توضیح داد: معمولاً افراد باید از لحاظ تأمین نیازهای اولیه و حیاتی تأمین باشند تا بتوانند به رفع بقیه نیازهای خود بپردازند؛ اما متأسفانه افزایش بی‌سابقه قیمت دلار اجازه نمی‌دهد که مردم بتوانند آثار هنری خریداری کنند؛ چراکه قیمت این محصولات هم به علت گرانی مواد اولیه برای تولید، روزبه‌روز در حال افزایش است.

اشراقی که صاحب دفتر کار در انتهای بازار قیصریه در میدان نقش جهان است، گفت: زمانی که اقتصاد هر کشوری با مشکل و موانع مواجه می‌شود، بیشترین ضرر متوجه هنرمندان می‌شود؛ زیرا مردم برای خرید محصولات هنری و تزئینی اجبار و الزامی نمی‌بینند و در شرایط سخت به فکر تأمین مایحتاج حیاتی خود هستند و از طرفی، گرانی ابزارآلات و سنگ‌های قیمتی که بخشی از آن‌ها از خارج کشور و به قیمت دلار روز وارد می‌شود، باعث گرانی محصول نهایی می‌شود و کمتر کسی توان خرید آن را پیدا می‌کند.

بابلدشت

محله‌ای قدیمی، امن و بومی

این هنرمند جوان که سال‌های متمادی یکی از مجریان اصلی طرح پیشگیری از نوزادان هموفیلی در کشور بوده، با اشاره به اینکه در هر زمینه‌ای که زمانی احساس کرده می‌تواند به مردم خدمت کند، فعالیت داشته است، افزود: در حوزه خبرنگاری نیز مدتی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و هنری فعالیت داشته‌ام و اکنون ترجیح می‌دهم اغلب اوقات خود را در دفتر کارم مشغول خوش‌نویسی، جواهرشناسی و گوهرتراشی باشم و به علاقه‌مندان در این وادی کمک کنم.

او بابلدشت را محله‌ای قدیمی، امن و بومی برشمرد و گفت: این محله تغییر چندانی به جز افزایش بی‌رویه جمعیت و شلوغی از گذشته تاکنون نداشته است. وجود پایانه شاهین‌شهر باعث ایجاد این موضوع شده است.



اشراقی بایان اینکه در حوزه خوش‌نویسی اغلب از خط نستعلیق و شکسته‌نستعلیق استفاده می‌کند، اظهار کرد: در همه حرفه‌های هنری هم مانند دیگر حوزه‌ها وضعیت بازار متأثر از وضعیت اقتصاد جهانی و قیمت دلار است؛ چنانکه در حال حاضر بازار فروش محصولات هنری چه در داخل ایران و چه برای صادرات با مشکلات متعددی مواجه است.

مردم توان مالی برای خرید محصولات هنری ندارند

عضو انجمن خوش‌نویسان ایران ضمن بیان اینکه وضعیت معیشت مردم در ایران به گونه‌ای است که تأمین کالاهای خوراکی اساسی برای مردم واجب‌تر از

محسن اشراقی، متولد ۱۳۵۲ و ساکن محله بابلدشت اصفهان است. او تحصیلات دوره ابتدایی و متوسطه خود را در همین محله پشت سر گذاشت و سپس وارد دانشگاه، رشته زمین‌شناسی شد و تا مرحله کارشناسی ارشد پیش رفت؛ همچنین به موازات آن، رشته علوم اسلامی را نیز در همین مقطع به پایان رساند.

چندی بعد برحسب علاقه خود دوره عالی جواهرشناسی و گوهرشناسی را به صورت تخصصی در سازمان فنی حرفه‌ای سپری کرد و از ۱۳۷۱ شروع به آموزش دوره‌های متعدد خوش‌نویسی تا پایان دوره ممتاز کرد؛ به نحوی که اکنون هر دو هنر گوهرتراشی و خوش‌نویسی را با یکدیگر تلفیق کرده است و حکاکی روی سنگ را به صورت تخصصی برای ارائه به علاقه‌مندان انجام می‌دهد.

تلفیق هنر خوش‌نویسی و گوهرتراشی

این جواهرشناس و گوهرتراش جوان در گفت‌وگو با «هم‌محله»، ضمن بیان اینکه علاقه، مهم‌ترین انگیزه او برای تحصیل در علوم مختلف بوده است، گفت: در حال حاضر تدریس هنر خوش‌نویسی را به صورت آزاد برای دوستداران این هنر انجام می‌دهم؛ همچنین کار حکاکی روی جواهرات نیز حرفه اصلی من است.

اشراقی اذعان کرد: جواهرشناسان و حکاکان حرفه‌ای روی جواهرات در اصفهان به تعداد انگشت‌های یک دست نمی‌رسند؛ اما برای گوهرتراشی افراد زیادی وجود دارند.

او افزود: اهمیت این علم در این است که سنگ اصل را از بدل به خوبی می‌توان تشخیص داد و ما در آزمایشگاه می‌توانیم افرادی را که نیاز به تشخیص سنگ دارند، به خوبی راهنمایی کنیم؛ چراکه همه می‌دانند سنگ‌های مختلف خواص بی‌شمار و منحصر به فردی دارند.

اشراقی حکاکی روی جواهرات را حرفه‌ای شیرین، اما دقیق و حساس برشمرد و عنوان کرد: برای حکاکی باید از سنگ اصل و کمی سخت مانند عقیق استفاده کرد و اینکه قبل از حکاکی، سطح سنگ باید

به خوبی صیقل بخورد تا نتیجه تمیز، زیبا و قابل قبول باشد.

بازار فروش آثار هنری؛ متأثر از وضعیت اقتصاد جهانی

این استاد جواهرشناس استفاده از دو هنر خوش‌نویسی و گوهرتراشی را در کنار هم برای خلق یک محصول هنری لذت‌بخش دانست و ادامه داد: بیشترین بازار فروش برای این نوع محصول، ایران و کشورهای عربی است و اغلب مردم طرفدار انگشترهایی با سنگ‌های قیمتی و اصل هستند. حکاکی مورد نظرشان را روی نگین انگشتر برایشان انجام می‌دهم. این کار در داخل و خارج کشور طرفداران خاص خود را دارد.





زهره قندهاری

منطقه ۷ کارگاه توسعه شهری است

مدیر منطقه ۷ شهرداری از اقدامات انجام شده در این منطقه و محله بابلدشت می گوید

شهرداری منطقه ۷ با تفکیک منطقه ۳ شهرداری اصفهان به دو منطقه ۳ و ۷ در ۱۳۵۹ تأسیس شد و به دلیل وسعت زیاد و جمعیت روبه رشد در ۱۳۸۷ به دو منطقه ۷ و ۱۴ تفکیک شد. منطقه ۷ شهرداری اصفهان با مساحت ۲۸۵۷ هکتار، از شمال به شهرک ولی عصر، اتوبان فرزنانگان، میدان فرزنانگان؛ از جنوب به میدان شهدا، خیابان مدرس، خیابان آیت الله ادیب؛ از شرق به خیابان بعثت، خیابان آل بویه، خیابان آل یاسین و از غرب به اتوبان کاوه و بزرگراه معلم محدود می شود. مهدی سلطان آقایی، مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان، در دو سال گذشته در این منطقه اقدام هایی انجام داده که در این صفحه به صورت اینفوگرافی روایت شده است.

اجرای پروژه مهم منطقه ای در دو سال گذشته

- ❖ اجرای فاز اول طرح سامان دهی و احداث مجموعه تفریحی باغ فدک / ۵۰۰ میلیارد تومان
- ❖ تکمیل و بهره برداری از ایستگاه آتش نشانی میدان حج ۱۵۰ میلیارد تومان
- ❖ تکمیل و بهره برداری از ساختمان مدیریت بحران شهر اصفهان / ۵۰ میلیارد تومان
- ❖ اجرای پروژه بزرگ تعریض و سامان دهی پل شهید اسماعیل هنیه / ۵۲ میلیارد تومان
- ❖ آغاز اجرای پروژه احداث خط کلکتور پساب شمال شهر اصفهان با هزینه ۴۵ میلیارد تومان
- ❖ اجرای طرح محله من محله زندگی در سطح محله های منطقه ۷ و اجرای آن در ۹ محله با هزینه ۳۶ میلیارد تومان
- ❖ تغییر نام، سامان دهی و خیابان سازی محله فدکیه و آغاز اجرای عملیات احداث مجتمع مشارکتی فرهنگی، مذهبی و ورزشی بیت الکوثر در این محله با هزینه پنج میلیارد تومان
- ❖ اجرای نهضت پیاده روستازی در معابر اصلی و فرعی منطقه ۷ با هزینه تقریبی ۱۰۰ میلیارد تومان در خیابان های غرضی، آیت الله ادیب، پرستار، مولوی، بهاران، سرچشمه، نخل، حکمت، گل بنفشه ...
- ❖ اجرای نهضت روکش آسفالت در محله ها و معابر اصلی و فرعی منطقه ۷ با هزینه تقریبی ۱۵۰ میلیارد تومان در خیابان های: پوریای ولی، آل یاسین، آل بویه، فلاطوری، اشراق، برازنده، ابوریحان، بهاران، خردمند، شهرک ولی عصر (عج)، شهید احمدی، خیابان معلم، محله فدکیه، سردار کمالی و ...
- ❖ احداث زمین های ورزشی روباز چمن مصنوعی در محله های فدک و شهرک ولی عصر (عج) با هزینه ای بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان
- ❖ آغاز طرح بهینه سازی و توسعه پارک باقوشخانه و احداث بوستان محلی خیابان مولوی با هزینه ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی، اجرای روکش آسفالت، سامان دهی و بهینه سازی خیابان های ۲۲ بهمن و ۱۵ خرداد در جنوب منطقه با هزینه ای بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی، اجرای روکش آسفالت، سامان دهی و بهینه سازی خیابان های فردوس و سعدی در شمال منطقه با هزینه ای بالغ بر ۲۵ میلیارد تومان
- ❖ تقویت روشنایی و افزایش لوکس نوری بوستان ها و مادی های منطقه شامل شهرک میلاد، شهرک ولی عصر (عج)
- ❖ سامان دهی و بهینه سازی ساختمان اداری منطقه ۷ با هدف تکریم ارباب رجوع با هزینه ای بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان

پروژه مهم منطقه ای در سال آینده

- ❖ پیاده روستازی و اجرای روکش آسفالت خیابان استاد شهریار با اعتباری بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی و اجرای روکش آسفالت خیابان های آزادی و وحدت با اعتباری بالغ بر ۳۵ میلیارد تومان
- ❖ پیاده روستازی و روکش آسفالت خیابان ۱۵ خرداد شرقی (حدفاصل بزرگراه چمران و خیابان اشراق جنوبی) با اعتباری بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان
- ❖ تملک و تفکیک خیابان اطلس در ادامه خیابان پرستار همراه با احداث پارک محلی و پارکینگ روباز با هزینه ای بالغ بر ۳۵ میلیارد تومان
- ❖ خیابان سازی محدوده تفکیکی صفدرزاده با اعتباری بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان
- ❖ تملک و احداث پارک بزرگ محله شهرک ولی عصر (عج)
- ❖ پیاده روستازی خیابان های ساکت، بوعلی، برازنده، فروردین و محدود پل ۲۵ آبان و ... با اعتباری بالغ بر ۷۰ میلیارد تومان



زهره فندشاهی

خانه تکانی محله های منطقه ۷

معابر و محله ها برای نوروز آماده می شود

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از آغاز طرح ویژه خانه تکانی محله ها خبر داد و گفت: پاک سازی معابر، رنگ آمیزی جداول و نرده ها و جمع آوری نخاله ها با هدف ارتقای منظر شهری، افزایش ایمنی و آماده سازی محله ها برای نوروز در دستور کار قرار گرفته است. مهدی سلطان آقایی اظهار کرد: با نزدیک شدن به ایام نوروز و در راستای ارتقای کیفیت محیط شهری، اقدام های گسترده ای برای آماده سازی محله ها و معابر آغاز شده است؛ این اقدام ها شامل رنگ آمیزی جداول به طول ۸۰ هزار متر و نرده ها به مساحت ۱۰ هزار متر مربع پس از شست و شو و لکه گیری، تحت نظارت کارشناسان برای جلوگیری از فرسودگی زود هنگام و بهینه سازی منظر شهری انجام می شود. او افزود: پاک سازی زمین های بایر از نخاله ها و زباله های شهری نیز در برنامه کاری قرار دارد تا شهروندان و مسافران نوروزی با شهری پاکیزه و زیبا روبه رو شوند. مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان با اشاره به آغاز طرح ویژه خانه تکانی محله ها از بیست و پنجم بهمن تا بیست و هشتم اسفند گفت: این طرح با محوریت پاک سازی محله ها و معابر منطقه اجرا می شود و هدف آن نه تنها بهبود ظاهر شهری، بلکه افزایش ایمنی مسیرهای تردد، کاهش خطرهای ناشی از نخاله ها و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است. سلطان آقایی خاطر نشان کرد: اجرای این اقدام ها به ویژه در آستانه نوروز اهمیت دارد؛ زیرا محیط شهری تمیز و ایمن علاوه بر ایجاد رضایت شهروندان، نقش مهمی در استقبال گردشگران و بازدیدکنندگان از شهر ایفا می کند. او تأکید کرد: ادارات و واحدهای خدمات شهری منطقه با هماهنگی کامل و بهره گیری از تجهیزات مناسب، بر روند کار نظارت مستمر دارند تا رنگ آمیزی، شست و شو و پاک سازی به بهترین شکل و با کیفیت فراوان انجام شود.

توسعه نیروگاه های خورشیدی در منطقه ۷

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از راه اندازی سه نیروگاه خورشیدی با ظرفیت مجموع ۲۵۸ کیلووات در این منطقه خبر داد و گفت: برق تولیدی این نیروگاه ها به شبکه توزیع تزریق و با هزینه مصرفی منطقه تهاتر می شود. سلطان آقایی با اشاره به سیاست های مدیریت شهری در حوزه بهینه سازی مصرف انرژی و توسعه انرژی های تجدید پذیر اظهار کرد: در راستای کاهش وابستگی به منابع انرژی فسیلی و حرکت به سمت مدیریت پایدار شهری، سه نیروگاه خورشیدی در مقیاس های کوچک، متوسط و بزرگ در سطح منطقه راه اندازی شده است.

او افزود: یک نیروگاه کوچک مقیاس با ظرفیت هشت کیلووات بر بام ساختمان شهرداری منطقه نصب شده است که علاوه بر تأمین بخشی از برق مصرفی ساختمان، نقش الگوسازی در استفاده از انرژی های نو را ایفا می کند.

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان ادامه داد: نیروگاه متوسط مقیاس ۵۰ کیلوواتی نیز روی



سقف پارکینگ مسقف شهرداری احداث شده است که با بهره گیری از ظرفیت فضاهای بلااستفاده شهری، برق تولیدی خود را مستقیماً به شبکه توزیع برق تزریق می کند. سلطان آقایی با اشاره به نیروگاه بزرگ مقیاس این منطقه گفت: یک نیروگاه ۲۰۰ کیلوواتی نیز در محل کمپ گردشگری باغ فدک احداث شده که در آستانه اتصال به شبکه برق قرار دارد و عملیات اجرایی آن در سال جاری به انجام رسیده است.

افزایش ۷۰ درصدی فضاهای تفریحی باغ فدک در نوروز

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان از آماده سازی ویژه باغ فدک برای میزبانی از مسافران نوروزی خبر داد و گفت: امسال با افزایش ۷۰ درصدی روشنایی و توسعه فضاهای تفریحی، همچنین بهره برداری از فاز سوم دریاچه در اوایل سال آتی، باغ فدک به یک پارک شهری پویا و مجهز تبدیل می شود. سلطان آقایی با اشاره به اینکه باغ فدک تنها کمپ گردشگری روباز شهر اصفهان است، اظهار کرد: این مجموعه با هدف جذب گردشگران در ایام پیک تعطیلات طراحی شده است و امروز به عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری شهر شناخته می شود. باغ فدک با وسعت حدود ۸۰ هکتار، هر ساله در نوروز و دیگر فصول میزبان تعداد زیادی از مسافران و شهروندان بوده و به دلیل گستردگی فضا، آماده سازی آن نیازمند برنامه ریزی گسترده و اجرای عملیات متعدد عمرانی و خدماتی است. او افزود: رسیدگی و نگهداشت مجموعه



گردشگری باغ فدک در تمام ایام سال انجام می شود؛ اما در ایام نوروز به صورت ویژه برای میزبانی از مسافران نوروزی و گردشگران آماده سازی می شود و در فصل تابستان نیز تمرکز بر ارائه خدمات مطلوب به شهروندان اصفهانی است. در واقع، حدود یک ماه از سال اقدام های ویژه عمرانی و خدماتی برای نوروز در این مجموعه انجام می شود و در طول سال نیز باغ در اختیار استفاده کنندگان قرار دارد.

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان با اشاره به ارتقای زیرساخت های این مجموعه گفت: در سال جاری میزان روشنایی باغ فدک حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است و مبلمان ویژه این مجموعه نیز هم زمان با ایام نوروز رونمایی می شود تا محیطی ایمن تر و دلپذیرتر برای خانواده ها فراهم شود. سلطان آقایی با بیان اینکه باغ فدک در حال تبدیل شدن به یک پارک شهری کامل است، تصریح کرد: در ایام نوروز حدود ۷۰ هزار خودرو وارد این مجموعه می شود که اگر به طور میانگین سرنشینان هر خودرو را چهار نفر در نظر بگیریم، حدود ۲۸۰ هزار نفر از امکانات این باغ استفاده می کنند؛ آماري که نشان دهنده اهمیت این مجموعه در میزبانی از مسافران است.

او ادامه داد: در سایر ایام سال نیز شهروندان برای استفاده از جاذبه های مختلف باغ از جمله شهر بازی، رستوران، فست فود، پارک بازی کودکان و پارک آموزش ترافیک به این مجموعه مراجعه می کنند؛ همچنین یک زمین چمن مصنوعی در مجاورت باغ فدک ایجاد شده که سه مدرسه فوتبال در آن مستقر هستند و آموزش فوتبال با همکاری بخش خصوصی انجام می شود. مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان خاطر نشان کرد: برای سال جدید نیز قراردادهایی با پیمانکاران جدید تنظیم خواهد شد تا مباحث مربوط به گردشگری و جذابیت های تفریحی داخل باغ توسعه یابد و پیش بینی می شود فضاهای تفریحی مجموعه نسبت به سال گذشته تا ۷۰ درصد افزایش پیدا کند. سلطان آقایی فاز سوم دریاچه باغ فدک را شاخص ترین پروژه منطقه ۷ عنوان کرد و گفت: دریاچه باغ فدک به معنای یک ذخیره گاه ایستای آب نیست؛ بلکه در این طرح آب به صورت پویا در جریان است؛ به طوری که آب از تصفیه خانه وارد دریاچه شده و سپس از آن به سمت کلکتور شهری هدایت می شود تا برای آبیاری فضای سبز مورد استفاده قرار گیرد.

مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان افزود: منبع این آب می تواند از چاه ها یا تصفیه خانه تأمین شود و آب پس از ورود به دریاچه، مجدد در چرخه مصرف قرار می گیرد؛ بنابراین این دریاچه محل راکد ماندن و هدر رفت آب نیست؛ بلکه بخشی از چرخه پایدار تأمین آب فضای سبز شهری محسوب می شود.

او تأکید کرد: با اجرای این پروژه ها، باغ فدک علاوه بر نقش گردشگری، به یک زیرساخت مهم در مدیریت پایدار منابع آب شهری نیز تبدیل خواهد شد و آماده میزبانی شایسته از مسافران نوروزی و شهروندان اصفهانی است.

بسته‌های تشویقی برای ساخت و ساز

پاسخ‌های مهدی سلطان‌آقایی، مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان به مطالبه‌های ساکنان محله بابلدشت



زهرا قندهاری

اقدام‌ها، ضمن حفظ هویت محله، ایمنی ساختمان‌ها افزایش باید و شرایط زندگی برای ساکنان بهتر شود؛ همچنین بسته‌های تشویقی مفصل و متنوعی برای ساخت و ساز در بافت‌های فرسوده با امتیازها و شرایط ویژه آماده شده است.

مغازه تخریب‌شده و بافت خطرناک رهاشده در انتهای خیابان مدرسی یکی از معضله‌هایی است که ساکنان این محله به آن اشاره دارند. برای رفع این مسئله اقدامی در دستورکار است؟

در خصوص مکان‌های تخریب‌شده، قانونی برای اجبارکردن مالک به ایمن‌سازی و دیوارکشی اطراف ملک وجود دارد. اگر گزینه خاصی وجود دارد که مدت‌هاست بلا تکلیف مانده، شهروندان از طریق تماس با ۱۳۷ یا مراجعه حضوری به اداره خدمات شهری منطقه، آن را اطلاع دهند.

زباله‌های رهاشده در محله، فرم نازیبایی ایجاد کرده است. برای رفع این معضل اقدام‌هایی انجام می‌شود؟

رهاکردن زباله در برخی نقاط محله موضوعی است که هم بر سیمای شهری تأثیر منفی می‌گذارد و هم می‌تواند مشکلات بهداشتی برای ساکنان ایجاد کند. این مسئله مورد توجه مدیریت شهری قرار گرفته و اقدام‌هایی برای سامان‌دهی آن در حال اجراست. در این خصوص از همه ساکنان محله بابلدشت خواهشمندیم زباله‌های خود را در زمان‌های مشخص شده و از ساعت ۲۱ شب به بعد خارج از منزل بگذارند و حتماً درب منزل خود قرار دهند نه سر کوچه‌ها و کنار تیرهای روشنایی و اگر ماشین حمل زباله به داخل کوچه‌ها ورود پیدا نکرده است، حتماً شهروندان از طریق تماس با ۱۳۷ به شهرداری اطلاع دهند؛ اگر هم در مکانی انباشت زباله وجود دارد، شهروندان عزیز به سامانه ۱۳۷ اطلاع دهند تا در موعد مقرر پیگیری کنیم.



محله بابلدشت از محله‌های منطقه ۷ شهرداری اصفهان است که در دوره ششم مدیریت شهری، اقدام‌های فرهنگی و عمرانی در آن اجرا شده است. میزان مساحت این محله، ۵۷ هکتار است و سه هزار و ۵۰۰ نفر جمعیت دارد. در این محله، معضله‌هایی وجود دارد که از سوی ساکنان روایت شده است و مهدی سلطان‌آقایی، مدیر منطقه ۷ شهرداری اصفهان، به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

ترافیک شدید خیابان مدرسی و عباسی یکی از معضله‌هایی است که ساکنان به آن اشاره کرده‌اند. در این خصوص راهکاری در دستورکار دارید؟

ترافیک سنگین در خیابان‌های مدرسی و عباسی از جمله مشکل‌هایی است که بسیاری از ساکنان این محدوده به آن اشاره می‌کنند. برای کاهش این معضل معمولاً مجموعه‌ای از اقدام‌های ترافیکی و شهری در دستورکار قرار می‌گیرد. تغییرمسیر دوطرفه به یک‌طرفه در خیابان مدرسی قدیم اجرا شد؛ همچنین حذف یکی از چراغ‌های راهنمایی در خیابان ادیب انجام شده و بررسی حذف لاین مسیر دوچرخه‌ها در این محور در دستورکار شهرداری است؛ در ضمن اصلاح هندسی معابر و بازطراحی تقاطع‌ها، تعریض بخش‌های گلوگاهی و سامان‌دهی ورودی و خروجی خیابان‌ها می‌تواند جریان تردد را روان‌تر کند.

کمبود شدید فضای سبز، حس نازکی و سبزی‌نگی را از محله کاسته است. در این باره چه اقدامی انجام می‌دهید؟

کمبود فضای سبز یکی از مطالبه‌های جدی شهروندان این محله است و ما نیز این موضوع را به‌عنوان یکی از اولویت‌های مدیریت شهری دنبال می‌کنیم. در همین راستا، چند اقدام در دستورکار قرار گرفته است: نخست، شناسایی زمین‌های مناسب برای ایجاد بوستان‌های محلی تا بتوانیم

ساکنان از این معضل گلایه دارند. پاسخ شما در این خصوص چیست؟

فرسودگی بافت این محله موضوعی است که هم از نظر ایمنی و هم از نظر کیفیت زندگی شهروندان اهمیت زیادی دارد و گلایه ساکنان در این زمینه قابل‌درک است. در همین راستا، برنامه‌هایی برای بهسازی و نوسازی این محدوده در دستورکار قرار گرفته است: نخست، شناسایی و اولویت‌بندی ساختمان‌ها و محدوده‌های فرسوده انجام می‌شود تا نقاطی که خطر بیشتری دارند، سریع‌تر تعیین تکلیف شوند؛ دوم، تشویق مالکان به نوسازی با ارائه مشوق‌های شهری مانند تسهیل در صدور پروانه، تخفیف عوارض و حمایت از تجمیع پلاک‌ها، تا روند بازسازی سرعت بگیرد؛ سوم، همکاری با دستگاه‌های مرتبط برای اجرای طرح‌های بازآفرینی شهری. در این طرح‌ها علاوه بر نوسازی واحدهای مسکونی، به بهبود معابر، خدمات شهری و سرانه‌های عمومی نیز توجه می‌شود؛ چهارم، جلب مشارکت ساکنان محله. تجربه نشان داده است که نوسازی زمانی موفق خواهد بود که با همراهی و اعتماد مردم انجام شود؛ بنابراین جلسه‌های محله‌ای و اطلاع‌رسانی نیز در دستورکار قرار دارد.

هدف این است که با اجرای این

سرانه فضای سبز محله را افزایش دهیم و دسترسی ساکنان به فضای سبز نزدیک محل زندگی‌شان فراهم شود؛ دوم، توسعه درختکاری در معابر و خیابان‌ها؛ کاشت درختان سازگار با اقلیم منطقه و ایجاد نوارهای سبز در حاشیه معابر می‌تواند تا اندازه زیادی به افزایش طراوت محیط کمک کند؛ سوم، استفاده از فضاهای بلااستفاده شهری مانند زمین‌های رهاشده برای ایجاد بوستان‌های کوچک محلی یا فضاهای سبز محله‌ای؛ چهارم، مشارکت شهروندان در طرح‌های محله‌محور؛ با اجرای برنامه‌هایی مانند «هر خانه یک درخت» یا همکاری ساکنان در نگهداری فضاهای سبز، می‌توان کیفیت محیط را ارتقا داد. هدف ما این است که با مجموعه‌ای از این اقدام‌ها، در آینده نزدیک چهره محله را سبزتر و بانشاط‌تر کنیم و رضایت شهروندان را افزایش دهیم. در حال حاضر به دلیل تراکم فراوان واحدهای مسکونی و عدم وجود زمین‌هایی با کاربری‌های غیرمسکونی امکان احداث آن‌ها وجود ندارد؛ اما آمادگی داریم با همکاری مراکز و بخش‌های خصوصی موجود در حوزه‌های ورزشی و تفریحی به توسعه و به‌روزرسانی آن‌ها اقدام کنیم.

بافت فرسوده زیاد و تخریب‌شده در این محله بسیار مشهود است و





زهره قندهاری

زیروبیم بابلدشت

معضل های محله بابلدشت به روایت ساکنان

محله بابلدشت از محله های منطقه ۷ شهرداری اصفهان است که در دوره ششم مدیریت شهری، اقدام های فرهنگی و عمرانی در آن اجرا شده است. در این صفحه معضل های محله بابلدشت و مهم ترین اقدام های انجام شده در منطقه ۷ شهرداری اصفهان به صورت اینفوگرافی روایت شده است.

برخی از معضل های محله بابلدشت در منطقه ۷ شهرداری اصفهان



کمبود المان شهری
و نماد محله



بافت
فرسوده



کمبود
فضای سبز



نیود سالن
مطالعه مناسب



کمبود
مجموعه ورزشی



ترافیک شدید خیابان
مدرس و عباسی



زباله های
رهاشده در محله



گلوگاه ها
و معابر تنگ

مهم ترین اقدام های انجام شده در منطقه ۷ شهرداری اصفهان

- اجرای طرح «محله من، محله زندگی»
- فعال بودن بیش از ۵۰ پروژه در منطقه
- آغاز فاز دوم بازسازی ترمینال بابلدشت
- سامان دهی ترافیکی مقابل پایانه کاوه
- خشک بوی و هرس درختان
- زیرسازی دیوارها
- اجرای روکش آسفالت
- نصب و تعمیر تابلوها
- تجلیل از خانواده های معظم شهیدای شاخص
- سامان دهی پارک ها و فضای سبز

مدیر فنی و گرافیک علیرضا مظاهری
طراح و صفحه آرا علی نصرآزادانی
دبیر تحریریه ویژه نامه زهره سادات کاظمی
تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، مهناز احمدی، دلارام قندهاری
مریم نقیان، زینب دبیری، زهره سادات طالقانی و اکرم کیانی
ویراستار عذرا دایانی، سارا حقیقی

صاحب امتیاز شرکت فرهنگ، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیر مسئول دکتر علی قاسم زاده
مدیرعامل احسان تیموری سیجانی
سر دبیر محمد حسین اعترازیان
دبیر ویژه نامه محسن حیدری فرد
عکس کوثر رحیمی

